

حکمرانی

سیاست‌های پایدار

مردم‌سالاری

کارآیی سیاستی و ظرفیت‌های حکمرانی

در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه
و کشورهای اتحادیه اروپا

«شاخص‌های حکمرانی پایدار ۲۰۱۸»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گزارش حاضر حاصل ترجمه بخش‌های مختصری از گزارش منتشر شده در سایت www.sgi-network.org/2018 با عنوان کارآیی سیاستی و ظرفیت‌های حکمرانی در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و کشورهای اتحادیه اروپا، شاخص‌های حکمرانی پایدار ۲۰۱۸ و همچنین ترجمه مطالبی از خود سایت مذکور است که در موسسه پویندگان توسعه فناوری و نوآوری ایرانیان برای بهره‌برداری علاقمندان این حوزه، ترجمه و ویرایش گردید.

تصریح می‌گردد موسسه صرفاً ترجمه و ویرایش این گزارش را انجام داده و هیچ دخل و تصرفی در محتویات گزارش نداشته است.

فهرست مطالب

۹ بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار ۲۰۱۸
۱۰ • کارآیی سیاستی
۱۱ • دموکراسی
۱۲ • حکمرانی
۱۳ ارزیابی حکمرانی پایدار
۱۷ نتایج سیاستی پایدار
۱۷ کارآیی سیاستی
۲۴ مقایسه چارچوب‌های دموکراسی و حاکمیت قانون
۲۷ مقایسه بین‌المللی ظرفیت اصلاحات حکمرانی
۳۵ بنیاد بر تلزمن
 بررسی کیفی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) و کشورهای دارای امتیاز بالا (۹ و یا ۱۰) در مقیاس ۱۰ امتیازی مورد نظر
۳۷ سیاست‌های اقتصادی
۳۷ ۱- اقتصاد
۳۷ ۱-۱ کانادا
۳۸ ۱-۲ دانمارک
۴۰ ۱-۳ ایرلند
۴۲ ۱-۴ هلند
۴۴ ۲- بازارهای کار
۴۴ ۲-۱ آلمان
۴۶ ۲-۲ مالت
۴۸ ۲-۳ سوئیس
۴۹ ۲-۴ هلند

۵۱	۳- مالیات‌ها
۵۱	۳-۱ فنلاند
۵۲	۳-۲ نروژ
۵۲	۳-۳ سوئیس
۵۵	۴- بودجه‌ها
۵۵	۴-۱ سوئیس
۵۶	۵- تحقیق و نوآوری
۵۶	۵-۱ سوئد
۵۸	۶- نظام مالی جهانی
۵۸	۶-۱ کانادا
۵۸	۶-۲ فنلاند
۵۹	۶-۳ آلمان
۶۰	۶-۴ سوئد
۶۲	سیاست‌های اجتماعی
۶۲	۱- آموزش
۶۲	۱-۱ استونی
۶۳	۱-۲ نیوزیلند
۶۶	۲- شمولیت اجتماعی
۶۶	۲-۱ لوکزامبورگ
۶۸	۲-۲ نروژ
۶۸	۳- بهداشت
۶۸	۳-۱ کانادا
۷۰	۳-۲ دانمارک
۷۱	۳-۳ استونی
۷۲	۳-۴ آلمان
۷۵	۳-۵ لوکزامبورگ

۷۶ ۳-۶ نیوزیلند
۷۶ ۳-۷ کره جنوبی
۷۷ ۳-۸ هلند
۸۰ ۴-خانواده‌ها
۸۰ ۴-۱ استونی
۸۰ ۴-۲ فرانسه
۸۱ ۴-۳ سوئد
۸۲ ۵-مستمری
۸۲ ۵-۱ سوئیس
۸۴ ۶-ادغام
۸۴ ۶-۱ کانادا
۸۵ ۶-۲ نیوزیلند
۸۷ ۷-زندگی امن
۸۷ ۷-۱ کرواسی
۸۸ ۷-۲ فنلاند
۸۸ ۷-۳ ژاپن
۸۹ ۷-۴ لتونی
۹۰ ۷-۵ لوکزامبورگ
۹۱ ۷-۶ نروژ
۹۲ ۷-۷ اسلونی
۹۲ ۷-۸ کره جنوبی
۹۳ ۷-۹ سوئیس
۹۴ ۸-نابرابری‌های اجتماعی
۹۴ ۸-۱ سوئد
۹۶ سیاست‌های زیست‌محیطی
۹۶ ۱-محیط زیست

- ۹۶ ۱-۱ استونی
- ۹۷ ۲-۱ لتونی
- ۹۹ ۳-۱ سوئد
- ۱۰۰ ۴-۱ سوئیس
- ۱۰۳ ۲- حفاظت از محیط زیست جهانی
- ۱۰۳ ۱-۲ سوئد

بررسی کمی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) و کشورهای دارای امتیاز بالا (۹ و یا ۱۰) مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی مورد نظر

- ۱۰۴ ۱- کیفیت دموکراسی
- ۱۰۴ ۱-۱ فرآیندهای انتخاباتی
- ۱۰۶ ۲-۱ دسترسی به اطلاعات
- ۱۰۸ ۳-۱ حقوق مدنی و آزادی‌های سیاسی
- ۱۰۹ ۴-۱ حاکمیت قانون
- ۱۱۱ ۲- ظرفیت اجرایی
- ۱۱۱ ۱-۲ ظرفیت راهبردی
- ۱۱۲ ۲-۲ هماهنگی بین‌وزارتی
- ۱۱۴ ۳-۲ ابزارهای مبتنی بر شواهد
- ۱۱۵ ۴-۲ مشاوره اجتماعی
- ۱۱۶ ۵-۲ ارتباطات سیاستی
- ۱۱۶ ۶-۲ اجرا
- ۱۱۹ ۷-۲ انطباق‌پذیری
- ۱۲۰ ۸-۲ اصلاحات سازمانی
- ۱۲۱ ۳- پاسخگویی اجرایی
- ۱۲۱ ۱-۳ تبحر مشارکتی شهروندان
- ۱۲۱ ۲-۳ منابع بازیگران قانون‌گذار
- ۱۲۴ ۳-۳ رسانه‌ها
- ۱۲۴ ۴-۳ احزاب و انجمن‌های ذریبط

|| بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار ۲۰۱۸ ||

شاخص‌های حکمرانی پایدار^۱ (SGI)، برنامه‌ای مبتنی بر بررسی فراملی حکمرانی است که اصلاحات مورد نیاز در ۴۱ کشور عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و اتحادیه اروپا را شناسایی می‌کند.

مطابق این برنامه، شبکه گسترده‌ای از کارشناسان و متخصصان گرد هم آمده تا بتوانند موثرترین عوامل در حکمرانی پایدار را شناسایی کنند. در راستای تبادل بهترین شیوه‌ها، این برنامه امکان دسترسی کامل به مجموعه داده‌ها و همچنین انجام مقایسه‌هایی را فراهم آورده است که به نوآوری در حکمرانی منتهی می‌شوند.

|| بیانیه ماموریت ||

همزمان با جهانی‌سازی، دولت‌ها به طور روزافزون تحت فشار ناشی از چالش‌های پیچیده قرار گرفته‌اند که از تغییر قدرت اقتصادی و نابرابری‌های اجتماعی تا جوامع مسن و مصرف منابع را دربرمی‌گیرند. در حال حاضر، تطبیق سریع و اتخاذ سیاست‌های مبنی بر رفع این چالش‌ها توسط دولت‌ها بیش از پیش ضروری است. بیشتر کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و کشورهای اتحادیه اروپا همواره باید نسبت به اجرای سیاست‌های پایدار به منظور مقابله با این چالش‌ها اقدام کنند. بدهی‌های فزاینده اغلب باعث تحمیل فشار غیرمنصفانه بر نسل‌های آینده می‌شوند. فقدان فرصت‌های برابر در بازارهای کار، آموزش و مراقبت‌های بهداشتی باعث شده‌اند که کارآیی تمام بخش‌های جوامع در آینده در معرض خطر قرار گیرند و بیشتر کشورها استفاده کارآمد از منابع طبیعی برای پایداری بلندمدت را در اولویت قرار ندهند.

به منظور تضمین کیفیت زندگی برای نسل‌های فعلی و آتی، ذی‌نفعان در تمام بخش‌های

جامعه باید تمهیدات بلندمدت را مد نظر داشته باشند. این امر مستلزم نوآوری بیشتر در حکمرانی و به عبارتی در کارآمدسازی سیاست‌ها برای نسل‌های فعلی و آتی است.

عقیده بر این است که حکمرانی خوب و توسعه پایدار با یکدیگر ارتباط نزدیکی دارند. همچنین، آموزش متقابل مورد تاکید قرار دارد. با توجه به این که بررسی قیاسی در سطح فراملی به منظور تعیین و ترویج موفقیت در سیاست‌گذاری کارآمد طراحی شده است، گروه شاخص‌های حکمرانی پایدار به بررسی این مطلب می‌پردازد که دولت‌ها چگونه توسعه پایدار را هدف قرار می‌دهند. به طور کلی، حکمرانی پایدارتری که مورد حمایت قرار دارد، مبتنی بر سه رکن زیر است:

- کارآیی سیاستی
- دموکراسی
- حکمرانی

شاخص‌های حکمرانی پایدار با استناد به بررسی‌های مبتنی بر شواهد به ذی‌نفعان متعدد در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و کشورهای اتحادیه اروپا در زمینه مدیریت پیچیدگی حکمرانی موثر کمک می‌کنند. در حال حاضر سؤالاتی از این دست مطرح است که چه عواملی و در چه ساختاری موثر واقع می‌شوند و علت آن چیست؟ با پاسخ به این سؤالات می‌توان پاسخ‌های نوآورانه‌ای در ارتباط با چالش‌های مشترک در سراسر جهان ارائه کرد. متخصصان در حوزه سیاست‌گذاری به عنوان یک شهروند یا اعضای بخش دولتی یا خصوصی دریافته‌اند که شاخص‌های حکمرانی پایدار در تعیین شیوه‌های «مناسب» و تطبیق آن‌ها متناسب با شرایط بومی مفید هستند.

|| کارآیی سیاستی

در صورتی که ارتقای توسعه پایدار و شمولیت اجتماعی و اقتصادی شهروندان هدف سیاست دولتی محسوب می‌شود، در نتیجه دولت‌ها باید شرایط اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی را در راستای ایجاد رفاه و توانمندسازی فراهم کنند. شاخص‌های حکمرانی

پایدار با بررسی نتایج حاصله در ۱۶ حوزه سیاست‌گذاری به بررسی این موضوع می‌پردازند که سیاست‌های مناسب چگونه در راستای تحقق این اهداف اجرا می‌شوند.

بررسی هر حوزه سیاست‌گذاری بر اساس ارزیابی‌های کیفی و داده‌های کمی صورت می‌گیرد. نتایج حاصله از این جهت بررسی می‌شوند که مشخص شود عملکرد دولت‌ها تا چه حدی در زمینه ایجاد فرصت‌ها در داخل کشور و کمک به ارائه کالاهای عمومی جهانی موفق بوده است.

حوزه‌های مورد بررسی عبارتند از:

سیاست‌های اقتصادی: اقتصاد، بازارهای کار، مالیات، بودجه، تحقیق و توسعه، نظام مالی جهانی.

سیاست‌های اجتماعی: آموزش، شمولیت اجتماعی، بهداشت، خانواده‌ها، حقوق بازنشستگی، یکپارچه‌سازی، زندگی امن، نابرابری‌های جهانی.

سیاست‌های زیست‌محیطی: محیط زیست، حفاظت از محیط زیست جهانی

|| دموکراسی

پایداری سیاست‌ها به روش‌های مختلفی به کیفیت دموکراسی کشور بستگی دارد. تضمین فرصت‌ها برای مشارکت دموکراتیک و حاکمیت قانون و حقوق مدنی موجب جلب اعتماد شهروندان نسبت به مشروعیت اقدامات صورت گرفته توسط رهبران سیاسی می‌شود. بدون حمایت قابل توجه عموم از اقدامات دولت، حتی بهترین ایده‌ها در زمینه سیاست‌گذاری نیز آنقدر مورد قبول قرار نمی‌گیرند که اثربخشی لازم را داشته باشند.

به علاوه، ساز و کار و موسسات حکمرانی امکان پاسخگویی سریع‌تر جوامع به تغییرات مورد نیاز را فراهم می‌آورند. رکن دموکراسی به بررسی این موضوع می‌پردازد که ویژگی‌های یک نظام دموکراتیک تا چه حد در جلب اعتماد جامعه موفق عمل می‌کند. حوزه‌های مورد بررسی عبارتند از:

● کیفیت دموکراسی

فرآیندهای انتخاباتی، دسترسی به اطلاعات، حقوق مدنی و آزادی‌های سیاسی، حاکمیت قانون

|| حکمرانی

حکمرانی پایدار مورد حمایت رهبرانی قرار دارد که نسبت به سیاست‌های دولتی مبتنی بر منافع نسل‌های آتی دیدگاهی بلندمدت دارند. برخی از ساختارها، ساز و کارها و رویکردها باعث تسهیل روند ترویج چنین رویکردهای آینده‌نگری می‌شوند. رکن حکمرانی شاخص‌های حکمرانی پایدار به بررسی این موضوع می‌پردازد که تمهیدات سازمانی یک کشور تا چه حد موجب گسترش ظرفیت عملیاتی بخش دولتی «ظرفیت اجرایی» می‌شود. به علاوه، این رکن به بررسی این موضوع می‌پردازد که شهروندان، سازمان‌های غیر دولتی و سایر سازمان‌ها تا چه حد از تبحر مشارکتی برخوردار هستند تا دولت را در برابر اقدامات خود پاسخگو نگه دارند «پاسخگویی اجرایی». حوزه‌های مورد بررسی عبارتند از:

● ظرفیت اجرایی

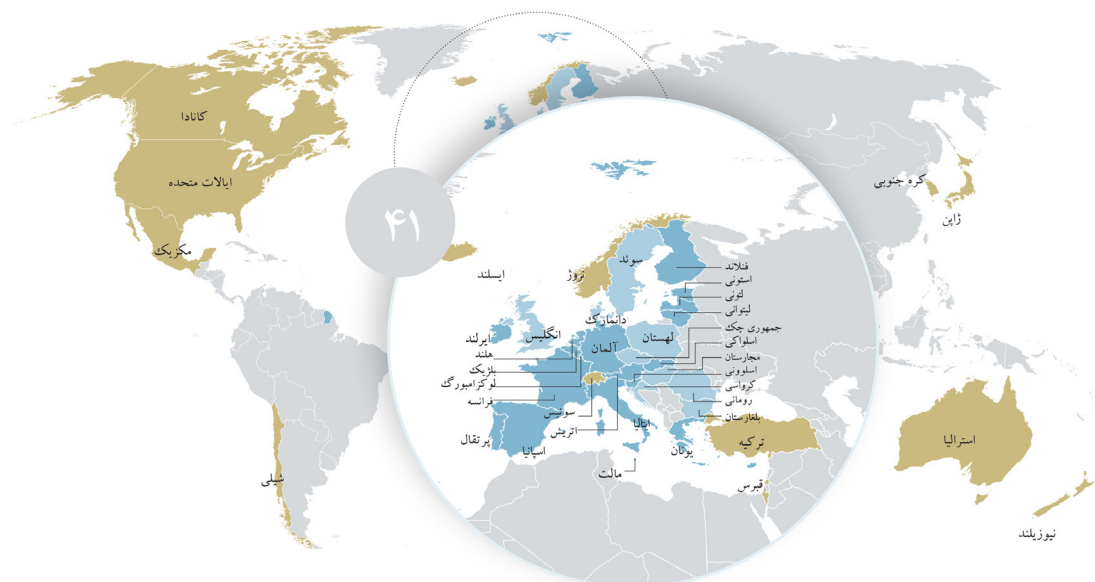
ظرفیت راهبردی، هماهنگی بین وزارتخانه‌ای، اسناد مبتنی بر شواهد، مشاوره اجتماعی، ارتباطات سیاسی، اجرا و پیاده‌سازی، انطباق‌پذیری و اصلاحات سازمانی

● پاسخگویی اجرایی

تبحر مشارکتی شهروندان، منابع بازیگران قانونی، رسانه‌ها، احزاب و انجمن‌های ذی‌نفع

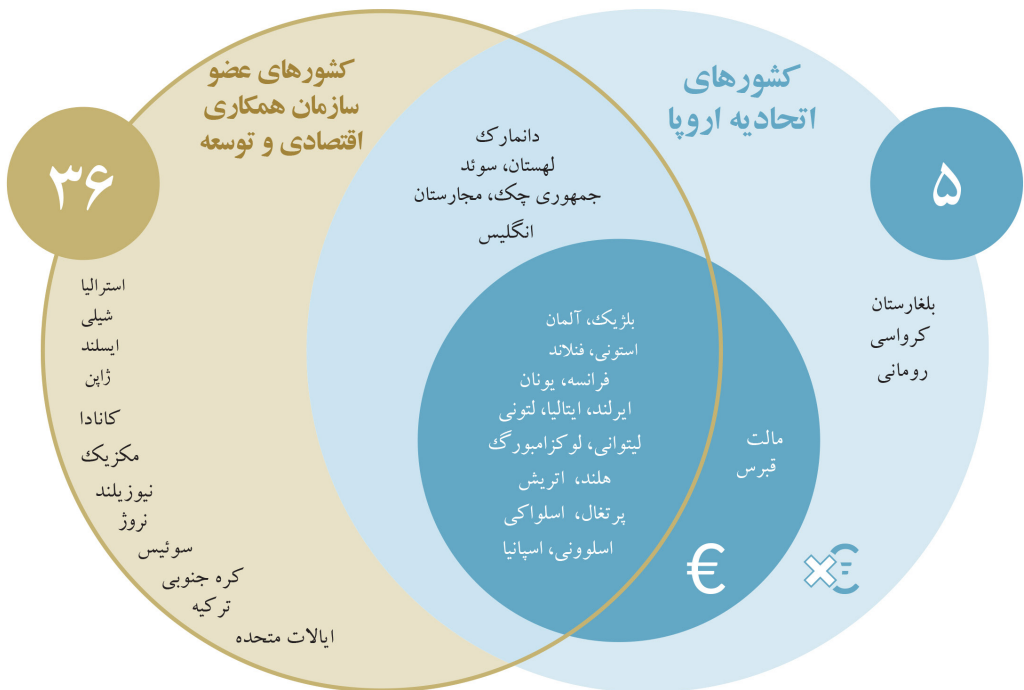
■ ارزیابی حکمرانی پایدار

شاخص‌های حکمرانی پایدار به بررسی یکی از سوالات اصلی اجتماعی-سیاستی می‌پردازند که کشورهای بسیار پیشرفته عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و کشورهای اتحادیه اروپا در آغاز قرن ۲۱ با آن مواجه هستند: چگونه می‌توان به نتایج سیاستی پایدار دست یافت و تضمین کرد که اهداف بلندمدت در تصمیم‌گیری سیاسی لحاظ می‌شوند؟



امروزه چالش‌های متعدد نظیر جهانی‌سازی اقتصادی، نابرابری اجتماعی، کمیابی منابع و تغییرات جمعیت‌شناختی در بخش‌های سیاستی رخنه کرده و فراتر از مرزهای ملی گسترش یافته‌اند و در نتیجه سیاست‌گذاران ناگزیرند تا به سرعت شرایط خود را وفق دهند و از الگوهای سایر کشورها بیاموزند. دولت‌ها باید عواقب بلندمدت را مدنظر داشته باشند. این امر مستلزم کسب نتایج سیاستی است که بدون تحمیل فشار غیرمنصفانه بر نسل‌های آتی، به حفظ یا بهبود کیفیت زندگی برای نسل‌های فعلی و آتی کمک می‌کنند. این

موضوع همچنین بدین معناست که دولت‌ها باید از سلامت نظام‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی جوامع خود در بلندمدت حمایت کنند. با این حال، دولت‌ها به ندرت چنین رویکردی را اتخاذ می‌کنند و بیشتر دولت‌ها به پیامدهای اقدامات خود در کوتاه‌مدت توجه دارند. بدهی‌های دولتی فزاینده، تخصیص نابرابر فرصت‌های مشارکت و بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی پیامدهای منفی قابل توجهی برای نسل‌های فعلی و آتی دربردارند و از این رو، پایداری کلی کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و کشورهای اتحادیه اروپا را به مخاطره می‌اندازند. شاخص‌های حکمرانی پایدار با ارزیابی کلی مشکلات موجود، اهداف مبنی بر حمایت از ظرفیت این کشورها جهت اجرای اقدامات خود با توجه به پیامدهای آن در بلندمدت و از این رو، تحقق نتایج سیاستی پایدارتر را طرح‌ریزی می‌کنند.



شاخص‌های حکمرانی پایدار به‌عنوان ابزار نظارتی عمل می‌کنند که با استفاده از بررسی مبتنی بر شواهد، اطلاعات کاربردی را ارائه می‌کنند که سیاست‌گذاران می‌توانند آن‌ها را اجرا کنند. بدین ترتیب، شاخص‌های حکمرانی پایدار برای افرادی مفید هستند که در زمینه تدوین، شکل‌دهی و پیاده‌سازی سیاست‌ها فعالیت دارند و از تصمیم‌گیرندگان سیاسی در مراکز دولتی و موسسات دموکراتیک کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و کشورهای اتحادیه اروپا تا نمایندگان جامعه مدنی و سازمان‌های بین‌المللی و محققان و شهروندان ذی‌نفع را دربر می‌گیرند.

شاخص‌های حکمرانی پایدار مبتنی بر سه رکن اصلی شامل شاخص کارآیی سیاسی، شاخص دموکراسی و شاخص حکمرانی هستند که در مجموع بر الگوها و نمونه‌های حکمرانی پایدار دلالت دارند.



شاخص‌های حکمرانی پایدار به مقایسه جزء به جزء نتایج سیاستی در ۴۱ کشور براساس فهرست سفارشی شاخص‌ها می‌پردازند.

مقایسه فراملی حکمرانی ۴۱ کشور عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و کشورهای اتحادیه اروپا بر اساس مجموعه سفارشی شاخص‌ها زیربنای طرح شاخص‌های حکمرانی پایدار را تشکیل می‌دهند. شاخص‌های حکمرانی پایدار به‌عنوان یک بررسی مورد استفاده قرار گرفته و به شناسایی نمونه‌ها و الگوهای موفق حکمرانی پایدار و همچنین نوآوری‌های سیاستی و حکمرانی کمک می‌کنند. شاخص‌های حکمرانی پایدار به دنبال راه‌اندازی فرآیندهای آموزشی (بین‌المللی) و همچنین تعیین اصلاحات حیاتی برای تصمیم‌گیرندگان و دولت از طریق مقایسه نقاط قوت و نقاط ضعف موجود هستند. این شاخص‌ها مبتنی بر سه رکن اصلی شامل شاخص کارآیی سیاسی، شاخص دموکراسی و شاخص‌های حکمرانی هستند که در مجموع بر الگوها و نمونه‌های حکمرانی پایدار دلالت دارند.

■ شبکه کارشناسان شاخص‌های حکمرانی پایدار

طرح شاخص‌های حکمرانی پایدار با بهره‌گیری از رویکردی نوآورانه، اولین بررسی در نوع خود است که امکان ارزیابی‌های همه‌جانبه پایداری کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و کشورهای اتحادیه اروپا را فراهم می‌آورد. این شاخص‌ها به هیچ وجه صرفاً مشتمل بر داده‌های کمی نیستند. در واقع، این شاخص‌ها شامل ارزیابی‌های کیفی کارشناسان نیز می‌شوند. ارزیابی‌های کیفی کارشناسان بر اساس پرسشنامه به‌عنوان بخشی از فرآیند چندمرحله‌ای کسب داده و اعتباربخشی صورت می‌گیرند. شبکه کارشناسان متشکل از بیش از ۱۰۰ محقق سرشناس از سراسر جهان است که در اجرای این بررسی فعالیت دارند.

گنجاندن شاخص‌های کیفی مزیت اصلی شاخص‌های حکمرانی پایدار نسبت به سایر شاخص‌ها محسوب می‌شود. در واقع، شاخص‌های حکمرانی پایدار بر اساس شاخص‌های کیفی امکان ارزیابی‌های حساس به زمینه را فراهم می‌آورند که با استفاده از صرفاً شاخص‌های کمی امکان‌پذیر نیستند.

کارآیی سیاستی

← نتایج سیاستی در ۱۶ حوزه سیاست‌گذاری

← همسو با سه رکن پایداری:
توسعه اقتصادی، حفاظت از محیط زیست
و برابری اجتماعی

← اقدامات داخلی صورت گرفته توسط
دولت‌ها با اذعان به وظایف بین‌المللی

دموکراسی

← دموکراسی و حاکمیت قانون

← معیارهای مربوط به بررسی پایداری و
رویه‌های دموکراسی

← تاکید بر کیفیت نهادی و کیفیت رویه‌ای

حکمرانی

← ظرفیت اجرایی (توانمندی راهبری، اجرا و
پیاده‌سازی، یادگیری سازمانی)

← پاسخگویی اجرایی (توانمندی‌های
مشارکتی بازیگران اجتماعی)

توصیف نقاط قوت و نقاط
ضعف (اصلاحات مورد نیاز)



چارچوب
دموکراتیک



حکمرانی و ظرفیت
اصلاحات



||| نتایج سیاستی پایدار

|| کارآیی سیاستی

بر اساس شاخص کارآیی سیاستی، نقشه اصلاحات ضروری در حوزه‌های کلیدی سیاست‌گذاری برای هر کشور تهیه می‌شود. بدین منظور، این موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد که عملکرد هر کشور در تحقق نتایج سیاستی پایدار تا چه حدی موفقیت‌آمیز بوده است؟ در این راستا، مطابق شاخص مورد نظر به ایده‌های کلیدی در گفتمان‌های فعلی در ارتباط با ارزیابی پایداری، پیشرفت اجتماعی و کیفیت زندگی در سطح بین‌المللی استناد

می‌شود. بنابراین، شاخص کارآیی سیاستی محدود به داده‌های مربوط به معیارهای متداول رشد اقتصادی و رفاه مادی نیست.

در واقع، این رکن شاخص‌های حکمرانی پایدار مبتنی بر داده‌هایی است که موفقیت کشورها در حوزه‌های متعدد سیاست‌گذاری را ارزیابی می‌کنند که باید در توسعه نظام‌های قوی، کارآمد و پایدار اقتصادی، اجتماعی-سیاسی و زیست‌محیطی و همچنین سطوح بالای مشارکت اجتماعی مورد توجه قرار گیرند.

شاخص کارآیی سیاستی به ارزیابی عملکرد ۴۱ کشور مورد بررسی در ارتباط با سه بعد اصلی پایداری می‌پردازد که در اینجا به‌عنوان سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی نشان داده می‌شوند. در مجموع، ۱۶ حوزه سیاست‌گذاری مجزا به علاوه نتایج سیاستی حاصله از طریق طیف گسترده‌ای از داده‌های کیفی و کمی مورد بررسی قرار می‌گیرند. در این ارتباط، شاخص‌های حکمرانی پایدار ۲۰۱۸ فراتر از بررسی‌های قبلی بوده و به بررسی نقش کشورها در ارتقای توسعه پایدار در سطح بین‌المللی نیز می‌پردازند. با توجه به اهداف جدید توسعه پایدار سازمان ملل، کشورهای بسیار پیشرفته عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و کشورهای اتحادیه اروپا مسئولیت خاصی برای کمک به افزایش رفاه عمومی جهان بر عهده دارند.

مجموعه گسترده
شاخص‌های
اقتصادی،
اجتماعی و
زیست‌محیطی

بعد اول شاخص:

سیاست‌های اقتصادی-چشم‌اندازهای رشد فراگیر

سیاست‌های اقتصادی در راستای ترغیب رقابت‌پذیری و تقویت اصول بازار به‌عنوان محرک رشد عمل می‌کنند و در عین حال، از منابعی که لازمه انطباق‌پذیری جامعه هستند، حمایت می‌کنند. با این حال، چنین سیاست‌هایی در صورتی که با سیاست‌های مالیات بازتوزیعی و سیاست‌های بازار کار همراه باشند و مورد حمایت آن دسته از سیاست‌های اجتماعی قرار گیرند که باعث تسهیل اختصاص اجتماعی منصفانه مزایای رشد اقتصادی می‌شوند، بیشترین مزایا را برای

بیشترین تعداد افراد در پی خواهند داشت. بنابراین فقط از طریق یک رویکرد موفق و آینده‌نگر نسبت به چالش‌های اقتصادی می‌توان به حکمرانی پایدار دست یافت. این سوال قطعی در ارتباط با پایداری مطرح است که چگونه می‌توان امروزه فرصت‌های خودشکوفایی را برای بیشترین تعداد افراد و بدون تحمیل فشار غیرعادلانه بر نسل‌های آتی ایجاد کرد. به‌عنوان مثال، نسل‌های آتی در مسیر خودشکوفایی خود به دلیل بدهی‌های دولتی بیش از حد ناگزیر به پرداخت وام‌های کلان هستند و در نتیجه نسبت به محدودیت‌هایی که نسل‌های فعلی احساس می‌کنند، چشم‌اندازی ندارند.

در ارزیابی حوزه‌های سیاستی مجزا که متشکل از رکن پایداری اقتصادی است، ابعاد زیر مورد بررسی قرار می‌گیرند:

کارآیی سیاستی



معیارهای ارزیابی پایداری اقتصادی (اولین بعد شاخص)

- آیا سیاست‌های اقتصادی بر مبنای یک چارچوب سازمانی منسجم اعمال می‌شوند و بدین ترتیب موجب گسترش رقابت‌پذیری کشور در سطح بین‌المللی می‌شوند؟
- راهبردهای دولت در بررسی مشکلات بیکاری و افزایش شمولیت بازار کار تا چه حد موفقیت‌آمیز هستند؟
- سیاست‌های مالیاتی کشور تا چه حد موجب ارتقای برابری اجتماعی، رقابت‌پذیری و چشم‌اندازهای مثبت درآمد دولتی در بلندمدت می‌شوند؟
- سیاست‌های بودجه‌ای تا چه حد از طریق اصول پایداری مالی حمایت می‌شوند؟
- سیاست‌های تحقیق و توسعه تا چه حد در ظرفیت نوآوری کشور نقش دارند؟
- آیا کشور در نظارت کارآمد و ثبات بازارهای مالی بین‌المللی مشارکت فعالانه دارد؟

تضمین فرصت‌های مشارکتی و عدالت به طور گسترده در تمام بخش‌های جامعه ضروری است.

دومین بعد شاخص:

سیاست‌های اجتماعی-حمایت از مشارکت نسل‌های فعلی و آتی

سیاست‌های اجتماعی مبنی بر گسترش پایداری شامل حفظ فرصت‌های موجود یا افزایش فرصت‌ها برای فعالیت و زندگی افراد مطابق ارزش‌های آنهاست و بدین ترتیب مشارکت بالای افراد در جامعه را تضمین می‌کنند. نظام‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی باید به گونه‌ای ایجاد شوند که فرصت‌های قابل توجهی برای خودشکوفایی افراد فراهم کنند. تضمین مشارکت اجتماعی گسترده مستلزم ارائه حمایت فراتر از حفاظت در برابر خطرات متداول نظیر بیماری، تصادف، سالخوردگی، زندگی تحت مراقبت سالمند، از کارافتادگی و بیکاری است.

به علاوه، سیاست‌های اجتماعی باید فی‌نفسه موجب یکپارچگی اعضای

جامعه شوند و امکان مشارکت فعالانه آن‌ها در امور اجتماعی را فراهم آورند. همزمان، تمام اعضای جامعه باید دسترسی یکسانی به این فرصت‌های اصولی داشته باشند:

هیچ یک از اعضای جامعه نباید به طور نظام‌مند از فعالیت‌ها و شرایط فیزیکی که متضمن رفاه هستند، محروم شوند. این موارد عبارتند از: احساس امنیت، برخورداری از سلامت و شغل مفید، مشارکت در فعالیت‌های سیاسی، برخورداری از روابط اجتماعی، مشارکت در زندگی فرهنگی و زندگی در شرایط زیست‌محیطی مطلوب. از این رو، تلاش مبنی بر گسترش پایداری به معنای تضمین قابلیت دوام و بقای نظام‌های رفاه اجتماعی در بلندمدت است. ارزیابی کارآیی کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و کشورهای اتحادیه اروپا با توجه به این واقعیت شامل چیزی فراتر از فقط ارزیابی میزان ارائه فرصت‌ها و ایجاد شرایط مشارکت در جامعه است. چنین ارزیابی شامل بررسی دقیق عواملی نظیر پایداری تامین مالی دولتی و پتانسیل ایجاد اصلاحات در نظام‌های موجود است. تصمیم‌گیری مبتنی بر پایداری باعث حفظ و حتی گسترش فرصت‌های موجود برای مشارکت اجتماعی نسل‌های فعلی بدون به‌مخاطره انداختن فرصت‌های ارائه شده برای نسل‌های بعدی می‌شود.

سیاست‌های اجتماعی شاخص‌های حکمرانی پایدار به سؤالات زیر می‌پردازند:

معیارهای ارزیابی پایداری اجتماعی (دومین بعد شاخص)

- سیاست‌های آموزشی کشور تا چه حد موجب ترویج نظام‌های آموزشی باکیفیت، فراگیر و کارآمد می‌شوند؟
- معیارهای اجتماعی-سیاسی تا چه حد باعث تسهیل شمولیت اجتماعی و در عین حال مقابله موثر با محرومیت اجتماعی و ترویج دوقطبی می‌شوند؟
- عملکرد سیاست‌ها تا چه حد در ایجاد کیفیت، همه‌شمولی و بهره‌وری هزینه در نظام مراقبت بهداشتی کشور موفقیت‌آمیز است؟
- معیارهای سیاست‌گذاری خانوار تا چه حد باعث تسهیل روند تلفیق شغل و خانواده می‌شوند؟

- عملکرد سیاست‌های مربوط به مستمری کشور تا چه حد در جلوگیری از فقر سالمندان و همزمان ارتقای برابری بین‌نسلی و پایداری مالی موفقیت‌آمیز است؟
- معیارهای سیاسی کشور تا چه حد موجب اتحاد و همبستگی موثر مهاجران و جامعه می‌شوند؟
- عملکرد کشور تا چه حد در زمینه ایجاد شرایط زندگی امن برای شهروندان خود از طریق مقابله با جرایم و سایر خطرات امنیتی موفقیت‌آمیز است؟
- و با نگاهی به سطح بین‌المللی: کشور در مقابله با نابرابری‌های اجتماعی جهانی نظیر ارتقای ساختارهای تجارت جهانی منصفانه و فرصت‌های مشارکت عادلانه در کشورهای در حال توسعه تا چه حد مشارکت داشته است؟

سومین بعد شاخص (سیاست‌های زیست‌محیطی)

در ارتباط با پایداری، سیاست‌های زیست‌محیطی به‌ویژه با توجه به تأثیرات فراگیر شرایط زیست‌محیطی بر کیفیت زندگی حائز اهمیت هستند. محیط پیرامون ما می‌تواند بر کیفیت زندگی (از طریق ارائه دسترسی به آب و هوای تمیز و مناطق تفریحی) تأثیر مثبت داشته باشد و یا این‌که (به‌عنوان مثال، از طریق آلودگی آبی، هوایی یا صوتی) تأثیر منفی داشته باشد. به کمک جاذبه‌ها یا چالش‌های ناشی از محیط زیست طبیعی می‌توان مشخص کرد که مردم مایل به زندگی در چه مناطقی هستند و در کدام یک از مناطق جنبش‌های مهاجرتی صورت گرفته و نیازهای اولیه حیات انسان میسر است. البته محیط زیست طبیعی (با کارکردهای اکوسیستمی خود) به نظام‌های اجتماعی انسان - به ویژه میزان اجرای اصول پایداری زیست‌محیطی در این نظام‌ها - نیز بستگی دارد.

سبک زندگی و نظام‌های اقتصادی که به مصرف شدید منابع متکی هستند، موجب بی‌ثباتی اکوسیستم در بلندمدت می‌شوند. در واقع، انتظارات فزاینده جمعیت جهانی در حال رشد بیانگر بزرگ‌ترین خطر بی‌ثباتی هستند و با این وجود به دلیل محدودیت‌های همیشگی موجود در سیاره زمین، توانایی کمتری برای رفع این تقاضاها وجود دارد. بنابراین، پایداری زیست‌محیطی به معنی تضمین این مسئله است که از منابع قابل بازیافت فقط تا حدی استفاده

شود که بتوان آن‌ها را دوباره تامین کرد. پایداری زیست‌محیطی همچنین شامل تضمین این مسئله است که از منابع غیر تجدیدپذیر صرفاً تا حدی بهره‌برداری شود که بتوان منابع جایگزین تجدیدپذیر مشابه را تولید کرد. آلاینده‌های مضر نظیر گازهای گلخانه‌ای باید صرفاً تا حدی منتشر شوند که توسط نظام‌های طبیعی جذب شوند. سیاست‌های زیست‌محیطی پایدار باید با هدف حفظ مبنای طبیعی حیات انسان و اکوسیستم سالم برای نسل‌های آتی طراحی شوند.

طیف گسترده‌ای از شاخص‌های کمی که اساس این گروه را تشکیل داده‌اند، امکان ارزیابی نظام‌مند نتایج سیاستی-زیست‌محیطی (به‌عنوان مثال انتشار گازهای گلخانه‌ای، انرژی‌های تجدیدپذیر، آلودگی ذرات معلق هوا و بازیافت زباله‌ها) را نیز فراهم می‌آورند.

با مقایسه نقاط قوت و نقاط ضعف موجود در سه گروه شاخص کارآیی سیاستی می‌توان علاوه بر حوزه‌هایی که هر کشور موفق به کسب نتایج سیاستی مثبت شده است و میزان وقوع این رویداد، حوزه‌هایی که به اصلاحات آتی نیاز مبرم دارند را نیز تعیین کرد.

این مدل مبتنی بر این ایده است که بقای بلندمدت نظام‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی فقط از طریق اتخاذ معیارهایی میسر است که این نظام‌ها را همراه با یکدیگر در نظر می‌گیرند. این نکته مهم است که اثرات متقابل متعدد و اهداف متناقض ناشی از این سه نظام و سیاست‌های مرتبط با آن‌ها مورد توجه قرار گیرند و هیچ مولفه واحدی به صورت جدا از مولفه‌های دیگر در نظر گرفته نشود. بنابراین ساختارها، بازیگران و فرایندهایی که از طریق آن‌ها چنین اهداف متناقضی مورد توجه قرار می‌گیرند و در صورت امکان برطرف می‌شوند، از اهمیت کلیدی در تدوین سیاست پایدار برخوردارند.

بنابراین، سیاست‌های زیست‌محیطی در شاخص‌های حکمرانی پایدار به سؤالات کلیدی زیر می‌پردازند:

معیارهای ارزیابی پایداری زیست‌محیطی (سومین بعد شاخص)

- عملکرد سیاست‌های زیست‌محیطی کشور تا چه حد در حفاظت از منابع طبیعی و ارتقای شرایط زیست‌محیطی مطلوب موفقیت‌آمیز است؟

■ کشور تا چه حد به پیشبرد نظام‌های الزام‌آور حفاظت از محیط زیست جهانی متعهد است؟

مقایسه چارچوب‌های دموکراسی و حاکمیت قانون

دموکراسی

چگونه کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و کشورهای اتحادیه اروپا از نظر کیفیت دموکراسی و حاکمیت قانون مورد مقایسه قرار می‌گیرند؟ از آنجا که حاکمیت قانون و توانایی شهروندان برای مشارکت در فرآیندهای سیاسی جهت تضمین کارآیی مطلوب و ثبات بلندمدت نظام سیاسی ضروری هستند، این سؤال در ارزیابی حکمرانی پایدار نیز حائز اهمیت است. چنانچه جامعه‌ای درصدد دستیابی به سطوح بالای عدالت مشارکتی است، فرصت‌های مناسبی جهت مشارکت سیاسی باید مهیا شوند.

در واقع اگر قرار است در فرآیندهایی که اراده عمومی و افکار عمومی (مشروعیت دریافتی)^۱ را شکل می‌دهند و همچنین در فرآیندهای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری که منافع و نیازهای طیف گسترده‌ای از ذینفعان جامعه را دربردارند (مشروعیت عملکردی)^۲ و در عین حال سرانجام این فرآیندها را به اقدامات عینی و موثر تبدیل می‌کنند (مشروعیت برون‌دادی)^۳، کثرت‌گرایی تداوم داشته باشد، کیفیت دموکراسی در یک جامعه باید بالا باشد. بنابراین، دموکراسی و حاکمیت قانون جهت جلوگیری از محرومیت نظام‌مند یا چشم‌پوشی از گروه‌های اجتماعی یا افراد عنصر مهمی بوده و امکان مشارکت تمام اعضای جامعه در شکل‌گیری افکار و ایجاد اراده برای اجرای اصلاحات را فراهم می‌آورند. هنگام مدیریت مغایرات ذاتی که زیربنای اهداف سیاستی پایدار را تشکیل می‌دهند، این نکته به ویژه مهم است که از محرومیت نظام‌مند هر گروه اجتماعی جلوگیری شود و

کیفیت
استانداردهای
دموکراتیک
و حاکمیت
قانون برای
بقای بلندمدت
هر نظام سیاسی
حائز اهمیت
است.

1. Input legitimacy

2. Throughput legitimacy

3. Output legitimacy

در نتیجه اصل فرصت برابر رعایت شود. مشروعیت یک نظام سیاسی به توانایی آن جهت نظارت مناسب بر فعالیت‌های تصمیم‌گیرندگان، ارائه فرصت‌های مشارکت دموکراتیک، حمایت از حقوق مدنی و قطعیت حقوقی^۱ بستگی دارد. رضایت و اعتماد شهروندان در یک نظام سیاسی به شدت به این شرایط بستگی دارد. به‌علاوه، مشارکت دموکراتیک و نظارت لازمه ایجاد شرایط لازم برای فرآیندهای آموزشی عینی و انطباق‌پذیری و همچنین ظرفیت‌سازی برای تغییر محسوب می‌شوند. در ارتباط با شاخص‌های حکمرانی پایدار، سطح بالای کیفیت دموکراسی و نظارت شدید بر حاکمیت قانون در تحقق پایداری به مفهوم بقای نظام‌مند در بلندمدت نقش حیاتی ایفا می‌کنند. این شرایط از طریق شاخص دموکراسی شاخص‌های حکمرانی پایدار به طور جامع مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

کیفیت دموکراسی

شاخص دموکراسی مبتنی بر تحقق سازمانی و نهادی استانداردهای دموکراتیک جامع است. نقطه مرجع هنجاری آن به منزله دموکراسی غیرمستقیم یا دموکراسی مبتنی بر نمایندگی^۲ مطلوب است. معیارهای شاخص‌های حکمرانی پایدار که بر اساس آن‌ها نظام‌های دولتی در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و کشورهای اتحادیه اروپا ارزیابی می‌شوند، مبتنی بر همان ابعادی هستند که مطابق نظریه دموکراتیک به‌عنوان مهم‌ترین ابعاد قلمداد می‌شوند و حاوی شاخص‌های کلیدی هستند که از طریق آن‌ها می‌توان کیفیت دموکراسی را ارزیابی کرد. در مجموع، ۱۵ شاخص کیفی شامل چهار معیار برای ارزیابی ساختار دموکراسی در هر کشور مورد استفاده قرار می‌گیرند. این معیارها عبارتند از:

1. Legal certainty

2. Representative democracy

کیفیت دموکراسی



چهار شاخص و معیارهای آنها

<p>رویه‌های نامزد انتخاباتی</p> <p>دسترسی به رسانه</p> <p>حقوق رأی‌گیری و ثبت رأی</p> <p>تأمین مالی حزبی</p> <p>تصمیم‌گیری متداول</p>	<p>آزادی رسانه‌ها</p> <p>تکثیرگرایی رسانه</p> <p>دسترسی به اطلاعات</p> <p>دولت</p>	<p>حقوق مدنی</p> <p>آزادی‌های سیاسی</p> <p>عدم تبعیض</p>	<p>قطعیت حقوقی</p> <p>بررسی قضایی</p> <p>انتصاب قضات</p> <p>جلوگیری از فساد</p>
---	--	--	---

حقوق مدنی

دولت تا چه حد حقوق مدنی را رعایت می‌کند و از آن حمایت میکند و میزان حمایت دادگاه‌ها از شهروندان در برابر نقض حقوق آنها چقدر کارآمد است؟

- ۱۰ تمام نهادهای دولتی حقوق مدنی را رعایت کرده و به طور موثر از آن حمایت به عمل می‌آورند. دادگاه‌ها از شهروندان در برابر نقض حقوق آنها به طور موثری حمایت می‌کنند. نقض حقوق یک مورد بسیار استثنایی است.
- ۸ دولت به رعایت حقوق شهروندان مبادرت می‌ورزد و از آنها حمایت می‌کند. دادگاه‌ها در برابر موارد متعدد نقض حقوق از شهروندان حفاظت می‌کنند.
- ۵ بر خلاف حمایت ظاهری، نقض حقوق مدنی پدیده متداولی است و حمایت دادگاه‌ها نیز غالباً ناکارآمد و غیر موثر است.
- ۲ نهادهای دولتی حقوق مدنی را صرفاً به طور ظاهری رعایت می‌کنند و نقض حقوق مدنی پدیده متداولی است. دادگاه‌ها به طور موثر و کارآمد حمایت نمی‌کنند.

حقوق مدنی از طریق حاکمیت قانون امکان اعمال قدرت دولت را محدود می‌کنند. دادگاه‌های مستقل، حفاظت قانونی از زندگی، آزادی و دارایی اشخاص و همچنین حفاظت در برابر بازداشت غیرقانونی، تبعید، ترور، شکنجه یا مداخله غیرموجه دولت و یا بازیگران خصوصی و شخصی در زندگی افراد را تضمین می‌کنند. دسترسی برابر به قانون و رفتار برابر و یکسان بر اساس قانون از جمله حقوق مدنی اصلی محسوب می‌شوند و همچنین مستلزم اجرای حقوق مدنی هستند.

Excerpt SGI-Codebook: www.sgi-network.org

معیارهای ارزیابی کیفیت دموکراسی

- فرآیند انتخاباتی که شامل قوانین مربوط به شرایط رأی‌گیری حزب سیاسی و شرایط ثبت‌نام رأی‌دهندگان و همچنین موضوع تأمین مالی حزب است؛ در این نسخه شاخص‌های حکمرانی پایدار برای اولین بار ساختارهای دموکراسی مستقیم و

فرصت‌های مشارکت نیز مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

○ دسترسی عموم به اطلاعات که بر اساس میزان آزادی رسانه‌ای و تکثیرگرایی رسانه‌ای می‌توان آن را ارزیابی نمود.

○ حقوق مدنی و آزادی‌های سیاسی

○ حاکمیت قانون شامل قطعیت حقوقی، بررسی قضایی قوانین و پیشگیری از فساد

مقایسه بین‌المللی ظرفیت اصلاحات حکمرانی

با توجه به محیط به سرعت متغیر و پیچیدگی فزاینده، پاسخگویی سریع و قاطعانه سیاست‌گذاران (و نهادهایی که در آن‌ها فعالیت دارند) ضمن توجه به تأثیر بلندمدت اقدامات فعلی خود بیش از پیش حائز اهمیت است. بنابراین این نکته مهم است که در ارزیابی‌های حکمرانی پایدار علاوه بر پیامدهای سیاسی، حکم دموکراتیک زیربنایی و حاکمیت قانون کشور، ظرفیت رهبری سیاسی جهت هدایت موثر امور نیز مورد بررسی قرار بگیرد. در واقع این سوالات مطرح است که عملکرد رهبران کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و کشورهای اتحادیه اروپا در زمینه مدیریت فرآیندهای راهبردی تا چه حد موثر است و عملکرد آن‌ها در بررسی و حل مشکلات پیش‌رو تا چه حد موفقیت‌آمیز است؟

شاخص حکمرانی به این سئوالات با استفاده از مجموعه گسترده و نوآورانه شاخص‌ها پاسخ می‌دهد. این شاخص‌ها امکان ارزیابی زمینه‌ای میزان توانمندی کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و کشورهای اتحادیه اروپا - که با یکدیگر و سایر نهادها و ذی‌نفعان اجتماعی در حین فرآیندهای تصمیم‌گیری دموکراتیک همکاری دارند - در زمینه تعیین موضوعات اضطراری و فوری، توسعه راه‌حل‌های مناسب و اجرای موثر و کارآمد آن‌ها را فراهم می‌آورند.

مطابق مفهوم جدید حکمرانی که در شاخص‌های حکمرانی پایدار به کار برده می‌شود، ظرفیت دولت برای ارائه سیاست‌های پایدار (ظرفیت اجرایی) و توانمندی‌های مشارکتی و نظارتی بازیگران و نهادهایی به غیر از شاخه اجرایی (پاسخگویی اجرایی) مورد تأکید قرار دارند.

اولین بعد شاخص حکمرانی (ظرفیت اجرایی)

ظرفیت اجرایی بر فعالیت‌های اصلی دولت متمرکز بوده و به بررسی توانمندی‌های راهبردی ارائه شده از طریق دستگاه اداری نظام سیاسی می‌پردازد. این امر شامل برنامه‌ریزی راهبردی، هماهنگی بین‌وزارتی، مدیریت دانش، مشاوره و فرآیندهای ارتباطات و همچنین ظرفیت یادگیری و اجرای سیاست است. بازیگران کلیدی مورد بررسی شامل دولت‌های حاکم بر کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و کشورهای اتحادیه اروپا و همچنین منابع سازمانی و نهادی که در اختیار آنها قرار دارد (مراکز دولت، وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و ...) هستند.

دومین بعد شاخص حکمرانی (پاسخگویی اجرایی)

دومین گروه شاخص حکمرانی و به عبارتی پاسخگویی اجرایی بر انواع ارتباط موجود بین دولت و سایر ذی‌نفعان در فرآیند سیاست‌گذاری متمرکز است و در واقع، ارزیابی میزان توانمندی‌های مشارکتی و نظارتی، هدف این شاخص محسوب می‌شود. چنانچه قرار است سیاست‌ها در بلندمدت به سرانجام برسند و تأثیرات پایداری داشته باشند، مسلماً دولت‌ها نمی‌توانند به تنهایی سیاست‌ها را تدوین و اجرا کنند. با توجه به این واقعیت، شاخص‌های حکمرانی پایدار به بررسی این موضوع می‌پردازند که سایر بازیگرانی که وظایف مورد نیاز جهت تثبیت و میانجی‌گری منافع در نظام سیاسی را انجام می‌دهند، تا چه حد قادر به مشارکت در سیاست‌گذاری و نظارت بر فرآیند در هر مرحله هستند. ظرفیت موجود جهت اجرای این وظیفه نظارتی تا حدی بیانگر تعهد دولت به تبیین اقدامات خود برای شهروندان، پارلمان‌ها، رسانه‌ها، احزاب و گروه‌های ذی‌نفع است.

حکمرانی

ظرفیت اجرایی

ظرفیت راهبردی

هماهنگی بین‌وزارتی

ابزارهای مبتنی بر شواهد
مشاوره اجتماعی
ارتباطات سیاسی
اجرای موثر
انطباق‌پذیری
ظرفیت اصلاحات سازمانی

پاسخگویی اجرایی

تبحر مشارکتی شهروندان

منابع بازیگران قانون‌گذار

رسانه‌ها

احزاب و انجمن‌های ذی‌نفع

دو معیار و شاخص‌های آنها

هماهنگی بین‌وزارتی

مهارت حکمرانی	کمیته‌های کابینه
دروازه‌بانی حکمرانی	بروکراسی وزارتخانه‌ای
وزارتخانه‌های خطی	هماهنگی غیررسمی

احزاب و گروه‌های ذی‌نفع

دموکراسی درون‌حزبی
توانمندی انجمن (تجاری)
توانمندی انجمن (سایر موارد)

به‌علاوه، پاسخگویی اجرایی به بررسی اثربخشی ارتباطات دولت، عملکرد دولت در زمینه کسب اطلاعات و انتشار آنها و میزان مشارکت‌دادن عناصر متعدد جامعه در تدوین و اجرای سیاست‌ها می‌پردازد. بنابراین، شاخص‌های حکمرانی پایدار شامل مجموعه شاخص‌هایی هستند که میزان مشاوره دولت‌ها با نهادهایی از قبیل گروه‌های ذی‌نفع خاص در مراحل اولیه فرآیندهای برنامه‌ریزی قانون را مورد بررسی قرار می‌دهند. به‌علاوه، این گروه از شاخص‌ها شامل شاخص‌هایی هستند که به بررسی میزان تبحر مشارکتی (دانش مربوط به امور سیاسی، منابع مالی و غیره) انجمن‌ها، شهروندان و قانون‌گذاران می‌پردازند. به‌طور خلاصه، این شاخص در ارتباط با بررسی‌ها و مقایسه‌ها و فرآیندهای مشارکتی است که می‌توانند باعث افزایش کیفیت و مشروعیت تصمیم‌گیری سیاسی شوند.

چنانچه در نمودار فوق نشان داده شده است، این ابعاد حکمرانی مدرن در معماری شاخص حکمرانی بازتاب می‌یابند. همانطور که در مورد شاخص‌های کارآیی سیاستی و دموکراسی نیز صدق می‌کند، آمار مربوط به شاخص حکمرانی شامل صرفاً بررسی اجمالی

مهم‌ترین ویژگی‌های آن است. در مجموع، ۶۷ شاخص کیفی و ۶۹ شاخص کمی زیربنای این سه شاخص را تشکیل می‌دهند.

بنابراین، موضوعات مورد بحث به مراتب حاکی از هدف دویبعدی شاخص‌های حکمرانی پایدار در ارزیابی بقای آتی کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و کشورهای اتحادیه اروپا هستند: ارزیابی ضرورت اصلاحات با توجه به دموکراسی و ارزیابی ظرفیت موجود برای اصلاحات از نظر توانمندی‌های دولت‌ها و گروه‌های اجتماعی در زمینه هدایت این فرآیندها. شاخص‌های حکمرانی پایدار علاوه بر سایر رتبه‌بندی‌های بین‌المللی، این رویکرد را از دو نظر اتخاذ می‌کنند. (۱) شاخص‌های حکمرانی پایدار به هیچ‌وجه اصلاحات ضروری این کشورها را صرفاً از منظر اقتصادی در نظر نمی‌گیرند و به بیان دقیق‌تر، این شاخص‌ها به طور عمدی موضوعات همه‌جانبه نظیر آموزش، محیط زیست، امور اجتماعی و امنیت را لحاظ می‌کنند. (۲) بعد ظرفیت اصلاحات تاکنون بر اساس شاخص‌های دیگر مورد بررسی قرار گرفته نشده‌اند. در هیچ رتبه‌بندی دیگری، بررسی نسبی با چنین عمق میدانی ارائه نشده است.

تلفیق داده‌های کمی با بررسی کیفی کارشناسان

روش‌شناسی: کسب داده‌های بهتر از طریق یک فرآیند تکراری

شاخص‌های حکمرانی پایدار مبتنی بر روش‌های معتبر جهت بررسی و تجمیع داده است. به منظور تضمین کاربردپذیری مناسب مولفه‌های شاخص فردی، شاخص‌های حکمرانی پایدار به تلفیقی از داده‌های کیفی و کمی استناد می‌کنند. در نتیجه، در بررسی صورت گرفته می‌توان از نقاط قوت هر دو نوع داده‌های موجود بهره گرفت. بدین ترتیب، از نقاط ضعف مربوط به استفاده صرف از بررسی‌های کیفی یا کمی اجتناب می‌شود. در شاخص‌های حکمرانی پایدار، «عینیت» داده‌های کمی از منابع آمار رسمی با ارزیابی‌های کیفی حساس به زمینه‌ای تکمیل می‌شود که توسط کارشناسان صورت می‌گیرد. نتایج سیاستی، کیفیت دموکراسی و ظرفیت راهبری را می‌توان با تلفیق داده‌های کیفی و کمی به وضوح توصیف کرد.

داده‌های کمی زیربنایی شاخص‌های حکمرانی پایدار برگرفته از منابع رسمی آمار به‌ویژه منابع آمار ارائه شده توسط کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و کشورهای اتحادیه اروپا هستند. اگرچه داده‌های کمی عمدتاً توسط تیم پروژه شاخص‌های حکمرانی پایدار جمع‌آوری می‌شوند، ولی داده‌های کیفی برگرفته از یک شبکه جهانی مشتمل بر بیش از ۱۰۰ کارشناس در فرآیند چندمرحله‌ای بررسی و اعتباربخشی هستند. هر کشور توسط (حداقل) دو کارشناس از آن کشور (دانشمندان سیاسی و اقتصاددانان) و همچنین مسئول هماهنگ کننده منطقه‌ای ارزیابی می‌شوند و هر یک از این کارشناسان به سوالات مطرح شده در کتاب رمز شاخص‌های حکمرانی پایدار پاسخ می‌دهند. سپس، گزارشات مربوط به هر کشور از طریق یک فرآیند ارزیابی تکراری شامل نظرات جمالی هر کارشناس تهیه می‌شوند. این روند شبیه روند مورد استفاده توسط برتلسمن استیفتانگ^۱ در پروژه شاخص تحول^۲ است که به‌عنوان پروژه خواهر شاخص‌های حکمرانی پایدار محسوب می‌شود.

روش
شاخص‌های
حکمرانی
پایدار مبتنی
بر شفاف‌سازی
و ارزیابی‌های
حساس به زمینه
است.

در کتاب رمز شاخص‌های حکمرانی پایدار (به آدرس www.sgi-network.org) منطق اصلی پشت هر یک از ۶۷ شاخص کیفی به‌طور مفصل شرح داده شده است و بدین ترتیب، از درک مشترک هر سؤال توسط کارشناسان شاخص‌های حکمرانی پایدار اطمینان حاصل می‌شود. سئوالات مطرح شده در این کتاب رمز شامل پاسخ‌های چندگزینه‌ای هستند و امکان ارزیابی‌های دقیق براساس مقیاس ۱ (پایین‌ترین نمره) تا ۱۰ (بالا‌ترین نمره) را فراهم می‌آورند. پاسخ به هر سؤال شامل یک امتیاز عددی و یک پاسخ کتبی است که در آن علت امتیاز شرح داده می‌شود. در طول فرآیند بررسی آنلاین، کارشناسان به شاخص‌های کمی برای ۴۱ کشور به‌عنوان معیار استناد می‌کنند و بدین ترتیب امکان اجرای ارزیابی‌ها بر اساس داده‌های تجربی جامع را فراهم می‌آورند.

1. Bertelsmann Stiftung
2. Transformation index

به منظور تضمین قابلیت مقایسه داده‌های کمی و کیفی، تمام داده‌های کمی از طریق جابجایی خطی بر اساس مقیاس ۱ تا ۱۰ استاندارد می‌شوند. سپس به منظور تعیین سه شاخص کارآیی سیاستی، دموکراسی و حکمرانی، تجمیع ساده این ارقام صورت می‌گیرد.

فرآیند ارزیابی شاخص‌های حکمرانی پایدار به دو نتیجه منتهی می‌شوند: رتبه‌بندی‌های دقیق و گزارشات جامع در مورد هر یک از ۴۱ کشور مورد بررسی (اطلاعات مربوطه به صورت رایگان در وبسایت www.sgi-network.org در دسترس هستند). در وبسایت شاخص‌های حکمرانی پایدار امکان دسترسی به هر سطح تجمیع - از شاخص‌های فردی تا شاخص‌های ده سطحی - میسر است. به علاوه، گزارش‌های مربوط به کشورها را می‌توان دانلود کرد.

مطابق بررسی چندمرحله‌ای ۴۱ کشور عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و

کشورهای اتحادیه اروپا، قابلیت اعتبار نتایج تضمین شده است. (۱)



کارآیی سیاستی

سیاست‌های اقتصادی

سیاست‌های اجتماعی

سیاست‌های زیست‌محیطی

دموکراسی

فرآیندهای انتخاباتی

دسترسی به اطلاعات

حقوق مدنی و آزادی‌های سیاسی

حاکمیت قانون

حکمرانی

ظرفیت اجرایی

پاسخگویی اجرایی

مدت زمان بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) از ۷ نوامبر ۲۰۱۶ تا ۸ نوامبر ۲۰۱۷ به طول انجامیده است. بنابراین، ارزیابی‌های ارائه شده صرفاً در ارتباط با حکمرانی در طول این مدت زمان اشاره دارند.

پس از انتشار گزارش‌های قبلی در سال‌های ۲۰۰۹، ۲۰۱۱، ۲۰۱۴، ۲۰۱۵، ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷، گزارش حاضر هفتمین بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار محسوب می‌شود.

سیاست‌های زیست‌محیطی

محیط زیست

- سیاست زیست‌محیطی
- بهره‌وری انرژی
- انتشار گاز گلخانه‌ای
- ذرات معلق هوا
- مصرف آب
- تولید ضایعات
- بازیافت مصالح و مواد
- حفاظت از تنوع زیستی
- انرژی تجدیدپذیر

حفاظت از محیط زیست جهانی

- سیاست زیست‌محیطی جهانی
- قراردادهای زیست‌محیطی چندجانبه
- پیمان کیو تو و دستاوردهای آن

یکپارچه‌سازی

- سیاست یکپارچه‌سازی
- مدرک متوسطه دوم افراد متولد خارج تا بومی
- یکپارگی افراد متولد خارج تا بومی
- اشتغال افراد متولد خارج تا بومی

زندگی امن

- شرایط زندگی امن
- موارد قتل
- تجاوز و دزدی در مکان عمومی
- اعتماد به پلیس

نابرابری‌های جهانی

- سیاست اجتماعی جهانی
- نرخ کمک‌های رسمی توسعه‌ای

سیاست‌های اجتماعی

آموزش

- سیاست آموزشی
- کسب مدرک متوسطه دوم
- کسب مدرک دانشگاهی
- نتایج برنامه ارزیابی دانشجویان بین‌المللی
- برنامه ارزیابی دانشجویان بین‌المللی، پیشینه اجتماعی-اقتصادی
- هزینه کرد قبل از مقطع ابتدایی

شمولیت اجتماعی

- سیاست شمولیت اجتماعی
- نرخ فقر نرخ افرادی که نه در جستجوی کار بود و نه در حال آموزش یا مهارت آموزی هستند
- ضریب جینی
- برابری جنسیتی در پارلمان‌ها
- رضایت از زندگی

بهداشت

- سیاست بهداشت
- هزینه کرد در زمینه برنامه‌های بهداشت
- امید به زندگی
- مرگ و میر نوزادان
- وضعیت بهداشت درک شده

خانواده‌ها

- سیاست خانواده
- تراکم مراقبت از کودک، رده سنی ۰-۲
- تراکم مراقبت از کودک، رده سنی ۳-۵
- نرخ مرگ و میر
- فقر کودکان

مستمری

- سیاست مستمری
- اشتغال افراد سالم‌خوره
- نرخ وابستگی سالم‌خوردگان
- فقر میان شهروندان مسن

سیاست‌های اقتصادی

اقتصاد

- سیاست اقتصادی
- تولید ناخالص داخلی به ازای سرانه
- تورم
- تشکیل سرمایه ثابت ناخالص
- نرخ بهره واقعی
- خروجی بالقوه، نرخ رشد

بازار کار

- سیاست بازار کار
- یکپارگی
- یکپارگی بلندمدت
- یکپارگی جوانان
- یکپارگی نیروی کم‌مهارت
- نرخ اشتغال
- درصد کارگران با دستمزد پایین

مالیات

- سیاست مالیاتی
- پیچیدگی نظام مالیاتی
- تعادل ساختاری
- بار مالیاتی با افزایش حاشیه‌ای در کسب و کارها
- اثر بازتوزیع

بودجه‌ها

- سیاست بودجه‌ای
- بدهی به تولید ناخالص داخلی
- تعادل اولیه
- نسبت بدهی به بهره
- تثبیت بودجه

تحقیق و نوآوری

- سیاست تحقیق و نوآوری
- هزینه کرد تحقیق و توسعه دولتی
- هزینه کرد تحقیق و توسعه غیر دولتی
- کل محققان
- مجوزهای مالکیت فکری
- تقاضای ثبت اختراع در معاهده همکاری ثبت اختراع

نظام مالی جهانی

- ثبات بخشیدن به بازارهای مالی جهانی
- نسبت سرمایه درجه یک

کیفیت دموکراسی

فرآیندهای انتخاباتی

- رویه‌های نامزد انتخاباتی
- دسترسی به رسانه
- حقوق رأی‌گیری و ثبت رأی
- تأمین مالی حزبی
- تصمیم‌گیری متداول

دسترسی به اطلاعات

- آزادی رسانه‌ها
- تکثیر گرای رسانه
- دسترسی به اطلاعات دولت

حقوق مدنی و آزادی‌های سیاسی

- حقوق مدنی
- آزادی‌های سیاسی
- عدم تبعیض

حاکمیت قانون

- قطعیت حقوقی
- برابری قضایی
- انتصاب قضات
- جلوگیری از فساد (۱)

ظرفیت اجرایی

ظرفیت راهبردی

- برنامه‌ریزی راهبردی
- مشاوره علمی

هماهنگی بین‌وزارتی

- مهارت حکمرانی
- دروزبان حکمرانی
- وزارتخانه‌های خطی
- کمیته‌های کابینه
- بروکراسی وزارتخانه‌ای
- هماهنگی غیررسمی

ابزارهای مبتنی بر شواهد

- فرایند تقاضای اینترنت ثروتمند (RIA)
- کیفیت فرایند تقاضای اینترنت ثروتمند
- بررسی پایداری

مشاوره و حمایت عمومی

- مذاکره حمایت عمومی

ارتباطات سیاسی

- ارتباطات منسجم

اجرا

- کارآیی دولت
- انطباق وزارتی
- وزارتخانه‌های نظارتی
- بروکراسی‌ها و سازمان‌های نظارتی
- تأمین مالی جهت اجرای وظایف مربوطه
- صلاحیت قانونی
- استانداردهای ملی

انطباق‌پذیری

- انطباق‌پذیری داخلی
- هماهنگی بین‌المللی

منابع باز یکران قانون‌گذار

- خودتنظیمی
- اصلاحات نهادی

پاسخگویی اجرایی

تبحر مشارکتی شهروندان

- دانش سیاستی
- ارائه نظرات به مقامات رسمی
- مشارکت رای‌دهندگان

منابع باز یکران قانون‌گذار

- منابع پارلمانی
- اکتساب مدارک
- احضار وزرا
- احضار کارشناسان
- همسویی حوزه و وظایف
- اداره ممیزی
- اداره دادرسی

رسانه‌ها

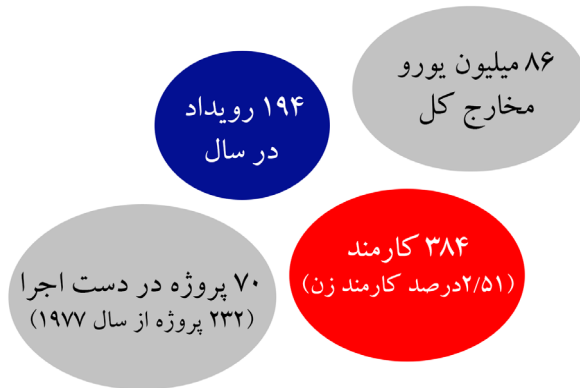
- گزارش رسانه‌ای
- انتشار روزنامه‌ها
- روزنامه‌های با کیفیت

احزاب و انجمن‌های ذی‌ربط

- دموکراسی درون‌حزبی
- توانمندی انجمن (تجاری)
- توانمندی انجمن (سایر موارد)

بنیاد برتلزمن

بنیاد برتلزمن با هدف تضمین مشارکت همه افراد در جامعه تشکیل شده است. از زمان تاسیس آن در سال ۱۹۷۷، تقریباً ۳۸۰ کارمند در دفتر مرکزی گوترزلوه و سایر مکان‌های بین‌المللی به اجرای طیف گسترده‌ای از پروژه‌ها و طرح‌ها در راستای تحقق این هدف پرداخته‌اند. این بنیاد استانداردهای بالایی را از نظر کیفیت و اهمیت اجتماعی تعریف کرده است. به‌طور کلی در راستای عقاید بنیانگذار این بنیاد رینهارد موهن، این بنیاد در راستای منفعت همگانی عمل می‌کند. فعالیت‌های این بنیاد بر سه رکن آزادی، همبستگی و حسن نیت استوار است. به اعتقاد بنیاد، رقابت و مشارکت مدنی اساس پیشرفت اجتماعی را تشکیل می‌دهند.



بنیاد برتلزمن بنیاد عملیاتی خصوصی است و از این‌رو، فقط برای پروژه‌هایی تامین مالی می‌کند که خود تعریف کرده است و همزمان با اجرای آن‌ها حمایت‌های لازم را به عمل می‌آورد. در نتیجه، بنیاد به پروژه‌های شخص ثالث گرنت اعطا نمی‌کند و یا این‌که از آن حمایت نمی‌کند.

تصمیم‌گیرندگان در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و همچنین نهادهای دولتی، سازمان‌های تحقیقاتی و سایر بنیادها از جمله شرکای بنیاد محسوب می‌شوند. به‌ویژه، بنیاد

بر تلزمن بر تبادل ایده‌ها و تجربه حاصل در مرزهای ملی و فرهنگی تاکید دارد.

ایده‌های اصلی بنیاد

بنیاد بر تلزمن در سال ۱۹۷۷ بر اساس عقیده بنیانگذار آن تاسیس شد که آلمان به اندازه کافی رقابت در حال رشد بین نظام‌های متعدد اجتماعی و اقتصادی جهان را مدنظر قرار نمی‌دهد. بنابراین، بنیاد بر توسعه راه‌حلی‌هایی تاکید دارد که امکان رسیدگی به چالش‌های موجود در بخش‌های اجتماعی و همزمان تضمین دوام ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آلمان را فراهم می‌آورند. در این راستا، بنیاد به دنبال موارد موفقیت‌آمیز در کشورهای دیگر بوده و جهت ایجاد تعادل بین یافته‌های تحقیقاتی و تجربه حاصله تلاش می‌کند.

فعالیت‌های بنیاد بر تلزمن فی‌نفسه بشردوستانه است. ارتقای تحقیقات و شناخت در حوزه‌های مذهبی، سلامت عموم، امور جوانان، فرهنگ و هنر، آموزش عمومی و آموزش شغلی، رفاه اجتماعی، تبادل فرهنگی بین‌المللی، دموکراسی و دولت و مشارکت مدنی هدف این بنیاد محسوب می‌شود.

ارزش‌ها و اهداف

«ترغیب افراد، شکل‌گیری آینده و مشارکت در دنیای جهانی شده» مبنای فعالیت‌های بنیاد محسوب می‌شود. در حال حاضر تحت تاثیر جهانی‌سازی، تغییرات جمعیتی، تنوع روزافزون جمعیت و توسعه مستمر کشور در راستای تبدیل آن به جامعه‌ای دانش‌محور، آلمان با چالش‌های زیادی مواجه است. بدین ترتیب، برنامه‌های بنیاد در راستای گسترش جامعه و کمک به افراد جامعه جهت بهره‌گیری کامل از پتانسیل خود از طریق توسعه منابع مورد نیاز برای تحقق آن اهداف طرح‌ریزی شده‌اند. از آنجا که همزمان با پیچیده‌تر شدن جهان، اعضای جامعه باید از موقعیت مشارکتی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برخوردار باشند، فعالیت‌های بنیاد بر افراد متمرکز است. به بیان دقیق‌تر، برنامه‌های بنیاد امکان دسترسی به دانش و مهارت مورد نیاز را فراهم آورده و همزمان راه‌حلی‌هایی جهت تضمین تحقق این هدف ارائه می‌دهند. (۲)

بررسی کیفی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) و کشورهای دارای امتیاز بالا (۹ و یا ۱۰) در مقیاس ۱۰ امتیازی مورد نظر

سیاست‌های اقتصادی

۱- اقتصاد

امتیاز ۹: کانادا، دانمارک، ایرلند و هلند

۱-۱ کانادا

کانادا سیاست‌های اقتصادی بازارمحوری را اجرا کرده است که موجب افزایش رقابت‌پذیری و جذابیت کشور به‌عنوان مکانی مناسب برای کسب و کار شده است. با این وجود، به‌نظر می‌رسد که این سیاست‌ها تأثیر مثبتی بر رشد بهره‌وری نداشته است و همچنان روند کاملاً ضعیفی در پیش گرفته‌اند. شایان ذکر است که هنوز حوزه‌هایی وجود دارند که در آن‌ها چارچوب اقتصادی کانادا آنقدر سازنده نیست که به رشد بهره‌وری منجر شود. وابستگی کشور به منابع طبیعی که حدود ۲۰ درصد از تولید ناخالص داخلی را در برمی‌گیرد، یک علت این امر محسوب می‌شود. به‌عنوان مثال، کاهش قیمت نفت موجب کاهش قابل توجه در آمد صادرات کشور شده است و در کاهش فعالیت اقتصادی در سال ۲۰۱۵ نقش داشته است.

پس از سال‌ها روند کند رشد اقتصادی، اقتصاد کانادا در حال حاضر به سرعت در حال رشد است. با این وجود، مشخص نیست که سیاست دولت لیبرال مبنی بر افزایش هزینه‌کرد دولت در زمینه زیرساخت و سایر برنامه‌های مبنی بر رشد اقتصادی تا چه حد در روند صعودی رشد واقعی تولید ناخالص داخلی این کشور نقش داشته است. اگرچه این طرح‌های سیاستی توسط صندوق بین‌المللی پول و کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه مورد تحسین و تمجید قرار گرفته‌اند، ولی نمی‌توان انتظار داشت که محرک‌های مالی موجب ترویج توسعه اقتصادی در بلندمدت شوند.

سایر نقاط ضعف موجود در چارچوب قانونی کانادا از نقطه نظر رقابت‌پذیری شامل موانع درون‌ایالتی در زمینه تجارت و جابجایی نیروی کار و همچنین انجمن‌های بازاریابی است که از حق اختیار کنترل خروجی از طریق تولید برخوردارند. این موارد در برنامه کار سیاستی هیچ‌کدام از دولت لیبرال فعلی یا دولت محافظه کار قبلی مورد تاکید نبوده‌اند.

بدهی خانوار همچنان بالاست. نسبت فعلی بدهی خانوار به درآمد قابل تصرف در کانادا بالاتر از ۱۶۷ درصد است و تا حدی به دلیل افزایش رهن همچنان روند صعودی در پیش گرفته است. اگرچه دولت فدرال بارها قوانین سختی را در ارتباط با اعطای وام در قبال وثیقه در سال‌های اخیر وضع کرده است و دولت‌های ایالتی قوانین مربوط به کنترل سرمایه‌گذاری خارجی بر روی املاک و مستغلات را تصویب کرده‌اند، ولی بازارهای مسکن در بزرگ‌ترین شهرهای کانادا یعنی ونکوور و تورنتو همچنان غیرمتوازن هستند. هرگونه بهبود احتمالی در بازار مسکن خطر بزرگی را در بردارد و به نظر می‌رسد که فضای زیادی برای انجام اقدامات دیگر جهت تعدیل فعالیت سرمایه‌گذاری پرمخاطره و بهبود هماهنگی بین قانون‌گذاران فدرال و ایالتی وجود دارد.

فقدان توانایی نوآورانه و استعداد دغدغه‌نهایی در این کشور است. در گزارش اخیر مجمع جهانی اقتصاد در زمینه رقابت‌پذیری جهانی، رتبه کانادا از نظر کمیت آموزشی، آمادگی فناوری و نوآورانه و پیشرفت کسب و کار و ظرفیت نوآوری از سایر هم‌تایان خود در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه کمتر است. با این حال، دولت فدرال توانایی محدودی برای رسیدگی به این مسائل را دارد. سیاست آموزشی در حوزه اختیارات ایالتی است و به طور کلی اقدامات دولتی در راستای ارتقای نوآوری فناوری عمده‌تا موفقیت‌آمیز نبوده است.

۲-۱ دانمارک

اقتصاد دانمارک در حال حاضر از زمان رکود بزرگ^۱ کاملاً بهبود یافته است و اختلاف بین خروجی واقعی و خروجی مطلوب (شکاف خروجی) برابر با صفر است. اشتغال در این

کشور در حال رشد است و بیکاری نزدیک سطح ساختاری است که نسبتاً پایین است. رشد تولید ناخالص داخلی پیش‌بینی می‌شود که در سال‌های آتی بالاتر از ۲ درصد باشد و بنابراین با نرخ رشد بسیاری از کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه قابل مقایسه است. درباره این که آیا دانمارک از سایر کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه از نظر رشد بهره‌وری عقب مانده است یا خیر، بحث‌های متعددی مطرح است. البته بازنگری‌های اخیر نشان می‌دهند که روند رشد دانمارک نزدیک به روند بین‌المللی است. با این حال، نرخ رشد بهره‌وری کاهش یافته است و مشکل بهبود رشد بهره‌وری همچنان به قوت خود باقی است.

برخلاف روند بهبود طولانی، بیکاری در بلندمدت افزایش قابل توجهی نیافته است و بیکاری جوانان نیز در چشم‌اندازی نسبی، پایین است. اگرچه بسیاری از افراد با مشکل بیکاری مواجه هستند، ولی بیشتر آن‌ها برای دوره کوتاهی بیکار مانده‌اند. بنابراین، سطح کلی جریان ورودی و جریان خروجی شغلی در طول مدت بحران بالا باقی مانده است که نشان می‌دهد مدل انعطاف‌پذیر این کشور همچنان جامع و کارآمد است.

تأمین مالی عمومی همسو با هنجارهای بودجه‌ای هستند. سیاست‌های مالی از این جهت به عنوان سیاست‌های پایداری در نظر گرفته می‌شوند که قابلیت سازگاری با جمعیت سالخورده را دارا هستند. این امر عمدتاً به دلیل اهمیت قابل توجه مستمری‌های بازار کار قانونی و اصلاحات اخیر مبنی بر افزایش سن بازنشستگی قانونی است.

مباحث مربوط به سیاست اقتصادی دیگر بر موضوعات مربوط به مدیریت بحران متمرکز نیستند و در مقابل مباحث سیاسی درباره کاهش مالیات در برابر رفاه مورد تأکید قرار دارند. افزایش رشد بهره‌وری مسأله مهمی است که سؤالاتی درباره آموزش، تحقیق، سیاست‌های صنعتی و مالیاتی را برمی‌انگیزاند. به علاوه، نحوه افزایش و حمایت از عرضه نیروی کار و از این رو اشتغال موضوع مهمی است که به موازات مشکلات پیش‌روی نظام‌های رفاهی و مسائل مربوط به نحوه کارآمدتر کردن بخش دولتی مورد توجه قرار

دارند. دولت لیبرال برنامه ۲۰۲۵ را در راستای رسیدگی به این مشکلات راه‌اندازی کرده است و دولت ائتلافی جدید برنامه اصلاح‌شده‌ای را در می ۲۰۱۷ تدوین کرده است. پس از این که موضوع افزایش سن بازنشستگی به اندازه کافی مورد حمایت سیاسی قرار نگرفت، اقدامات متعددی جهت ترغیب افراد جوان برای ورود سریع به بازار کار، کاهش تعداد افراد تحت حمایت دولت، ارائه مشوق به مردم برای فعالیت به مدت زمان بیشتری در بازار کار، افزایش میزان ساعات کاری و جذب نیروی کار خارجی تحصیل کرده پیشنهاد شده است.

مهاجرت همواره در دانمارک موضوعی چالش‌برانگیز بوده است و اقدامات متعددی در راستای کاهش جریان ورودی و کاهش حقوق رفاهی مهاجران صورت گرفته است. حکم برکسیت^۲ انگلیس یکی از عناصری است که موجب ایجاد تردید و عدم قطعیت نسبت به اقتصاد دانمارک شده است.

۱-۳ ایرلند

چنانچه کارآیی اقتصادی ایرلند بر اساس رشد تولید ناخالص داخلی محاسبه شود، می‌توان گفت که طی چهار سال گذشته بسیار شگفت‌انگیز بوده است. نرخ رشد بالای تولید ناخالص داخلی این کشور که در سال ۲۰۱۴ برابر با ۸/۳ درصد بوده است، با توجه به نرخ رشد ۲۵/۶ درصدی آن در سال ۲۰۱۵ ناچیز به نظر می‌رسد. این نرخ رشد توسط پل کروگمن^۳ به‌عنوان «آمار لپرکان»^۴، لقب داده شده است و ایرلند در رسانه‌های بین‌المللی مورد انتقاد قرار گرفته است. با این وجود، به دلیل قراردادهای حسابداری جدیدی که در اثر تغییرات نظام حسابداری اروپا در سال ۲۰۱۰ معرفی شده‌اند، این تأثیرات آماری را می‌توان از حساب‌های درآمدهای ملی رسمی حذف کرد. شرکت‌های چندملیتی که دارایی‌های غیرمشهود (به عبارتی حقوق مالکیت فکری) را به ایرلند انتقال می‌دادند، محرک اصلی

1. 2025 plan
2. Brexit order
3. Paul Krugman

۴. آمار لپرکان (Leprechaun statistics): افسانه ایرلندی در ارتباط با جن کوچکی است که هر کس آن را گرفتار می‌ساخت، گنج‌های نهفته را پیدا می‌کرد.

نرخ رشد در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ به شمار می‌آیند. در نتیجه، شرکت‌های چندملیتی می‌توانند سود ناشی از فعالیت‌های خارجی خود را به شرکت‌های ایرلندی خود اختصاص دهند. به‌ویژه، تعداد اندکی از شرکت‌های چندملیتی در زمینه قرارداد تولید فعالیت دارند و بدین ترتیب شرکت‌های چندملیتی با تولیدکنندگان خارجی جهت تولید کالاهای مبتنی بر مالکیت فکری که به ایرلند انتقال داده شده‌اند، تدارک می‌بینند. در چنین نظامی، شرکت چندملیتی مستقر در ایرلند به تولیدکننده خارجی دستمزد می‌پردازد، ولی سود حاصله به دارنده مالکیت فکری در ایرلند تعلق می‌گیرد و به تولید ناخالص داخلی ایرلند نسبت داده می‌شود. افزایش عملیات لیزینگ هواپیما که در مرکز خدمات مالی ایرلند^۱ (IFSC) سرمایه‌گذاری شده است، نیز عامل دیگر نرخ رشد بالا در این کشور محسوب می‌شود.

مؤسسه تحقیقات اقتصادی و اجتماعی^۲ اظهار داشت که ارزش افزوده ناخالص در بخش صنعتی بیش از دو برابر در سال ۲۰۱۵ بوده است و ارزش افزوده ناخالص اسمی از ۴۱ میلیارد یورو در سال ۲۰۱۴ به ۹۲ میلیارد یورو در سال ۲۰۱۵ افزایش یافته است. اگرچه قسمت اعظم تولید در خارج از ایرلند صورت گرفته است - زیرا حقوق مالکیت فکری در ایرلند ثبت شده‌اند - ولی سود تولید به ایرلند تعلق گرفته است.

برای این که اقتصاد ایرلند با کارایی اقتصادی مبالغه‌آمیز در سال ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ تطبیق پیدا کند، به ترتیب رشد چشمگیر ۵/۱ درصدی و ۵ درصدی در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ ثبت شده است. سهم زیادی از این رشد از بخش‌های سرمایه‌گذاری داخلی و مصرف‌نشأت گرفته است که با دو سال قبل که بخش صادرات و سرمایه‌گذاری خارجی عمدتاً به‌عنوان عوامل رشد به شمار می‌آمدند، کاملاً تفاوت دارد.

همزمان با رشد مستمر اشتغال و رشد جزئی در آمد، هزینه‌کرد مصرف داخلی مجدداً به محرک افزایش نرخ رشد تبدیل شده است. سرمایه‌گذاری داخلی به‌ویژه در بخش ساخت‌وساز نیز محرک رشد محسوب می‌شود و در سال‌های آینده اهمیت بیشتری پیدا خواهد کرد. قابلیت اعتبار کارآیی قوی و اصلی اقتصاد واقعی در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷،

1. Irish Financial Services Center

2. Economical Social Research Institute

افزایش قابل توجه درآمد مالیاتی و رشد چشمگیر اشتغال را در پی داشته است. در نتیجه بهبود موقعیت مالی، تراز کلی دولت به‌عنوان درصد تولید ناخالص داخلی از ۳/۷- درصد در سال ۲۰۱۴ به ۰/۳- درصد در سال ۲۰۱۷ کاهش یافته است. همزمان، ۱۵۸,۰۰۰ شغل افزوده شده است و نرخ بیکاری از ۱۱/۳ درصد به ۶/۲ درصد کاهش یافته است.

۱-۴ هلند

اقتصاد هلند به سرعت در حال پیشرفت است. تمام شاخص‌های متداول چرخه اقتصادی در مقایسه با میانگین بلندمدت خود، عملکرد بهتری نشان داده‌اند. نتایج حاصله مطابق پیش‌بینی‌های دولت، بانک‌های اصلی و مرکز تجزیه و تحلیل سیاست اقتصادی هلند^۱ به طور مستمر بهبود یافته‌اند.

شرایط بین‌المللی اقتصاد بهبود یافته و هلند در شاخص رقابت‌پذیری جهانی در سال ۲۰۱۷ - ۲۰۱۶ رتبه ۴ را از بین ۱۳۸ کشور جهان از آن خود کرده است و از آلمان پیشی گرفته است. هلند در حوزه آموزش عالی، زیرساخت کلاس جهانی، بهداشت و آموزش ابتدایی، بازده بازار کالا و آمادگی فناورانه رتبه بالایی کسب کرده است. مجمع جهانی اقتصاد از این کشور به دلیل قانون جدید کار و امنیت^۲ مبنی بر بهبود موقعیت کارگران منعطف و تسهیل رویه‌های اخراج تمجید کرده است. با این حال، همچنان مبحث شدیدی در حوزه سیاست‌گذاری درباره موفقیت یا عدم موفقیت این قانون جدید وجود دارد.

به طور کلی اگرچه هلند با رکود بلندمدتی مواجه بوده است، ولی در حال حاضر اقتصاد این کشور به سرعت در حال پیشرفت است. چالش‌های اقتصادی کوتاه‌مدت به تأثیرات بالقوه برکسیت، زیرساخت ناکافی حمل و نقل (رفت و آمد هر روزه، حمل و نقل ریلی و باربری) و کمبود نیروی کار نوظهور و کساد دستمزد برای تعداد قابل توجهی از افراد شاغل به دلیل انعطاف‌پذیری شغلی قوی نسبت داده می‌شوند. در تعبیر متفاوتی از توسعه اقتصادی بلندمدت نشان داده شده است که چرخه‌های قدیمی رشد و بهبود اقتصادی دیگر

1. Dutch Center for Economic Policy Analysis

2. Work and Security Act

اصلاً انتظار نمی‌رود. بنابراین، شورای علمی سیاست‌گذاری دولت^۱ (WRR)، دولت را به بازنگری ساختار اقتصادی بلندمدت هلند از طریق سرمایه‌گذاری در ظرفیت درآمد آتی ناگزیر کرده است تا امکان تسریع روند نوآوری و افزایش انعطاف‌پذیری اقتصاد از نظر بهره‌وری نیروی کار و زنجیره‌های ارزش فراملی میسر شود.

۲- بازارهای کار

امتیاز ۹: آلمان، مالت، سوئیس و هلند

۲-۱ آلمان

آلمان در زمینه کاهش بیکاری ساختاری از اواسط دهه ۲۰۰۰ موفقیت چشمگیری داشته است. مطابق آمار شورای کارشناسان اقتصادی آلمان^۱، بیش از ۴۴/۳ میلیون نفر در آلمان در نوامبر ۲۰۱۷ مشغول کار شده‌اند که در مقایسه با سال قبل بیش از ۰/۶ میلیون افزایش یافته است. نرخ بیکاری در پایین‌ترین سطح طی ۲۰ سال اخیر (۴ درصد مطابق سازمان همکاری اقتصادی و توسعه) است و همچنان در حال کاهش است. آلمان سومین کشور عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه است که از پایین‌ترین نرخ بیکاری جوانان (۷ درصد) برخوردار است. این امر عمدتاً به نظام بسیار کارآمد آموزش فنی و حرفه‌ای آن نسبت داده می‌شود. انتظار می‌رود روند نزولی نرخ بیکاری در این کشور همچنان ادامه داشته باشد. به‌علاوه، بازار کار آلمان حاکی از این واقعیت است که با وجود ۱/۱ میلیون پُست خالی در سه ماهه سوم سال ۲۰۱۷، این کشور با کمبود نیروی کار مواجه است.

آلمان از جعبه ابزار جامعی در ارتباط با برنامه‌های بازار کار پویا برخوردار است که شامل حمایت مالی از برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای، حمایت از افراد خویش‌فرما، ارائه برنامه‌های کار در برابر دریافت اعانه و اشتغال تحت یارانه افراد بیکار در بلندمدت می‌شود. ابزار متداول نظیر برنامه‌های آموزشی و اشتغال‌زایی در حال حاضر به‌عنوان ابزاری قابل ترکیب محسوب می‌شوند. این ابزار متناسب با نیازهای فردی با هدف تسهیل روند اشتغال مجدد افرادی که به مدت طولانی بیکار بوده‌اند، طرح‌ریزی می‌شوند.

گسترش قراردادهای استخدام غیرمعمول نظیر برنامه‌های استخدام موقت، کار نیمه‌وقت و سازمانی بیانگر افزایش انعطاف‌پذیری صنعتی در سال‌های اخیر هستند. قراردادهای استخدام غیرمعمول ممکن است تا حدی اولویت‌های کارمندان را (به‌عنوان مثال در ارتباط

1. German Council of Economic Experts

با قراردادهای نیمه‌وقت) بازتاب دهد. با این وجود، این قراردادها ممکن است پیامدهای منفی برای عدالت اجتماعی نظیر افزایش خطر فقر افراد در دوران سالخوردگی یا افزایش خطر بیکاری در برداشته باشند. هرچند بیکاری با توجه به کمبود فزاینده نیروی کار کاهش شدیدی پیدا کرده است. استخدام غیرمعمولی صرفاً کاهش جزئی داشته و به بیان دقیق‌تر از ۲۰/۸ در سال ۲۰۱۵ به ۲۰/۷ در سال ۲۰۱۷ کاهش یافته است و البته اخیراً با سرعت بیشتری در حال کاهش است. اگرچه تعداد افراد شاغل در سال ۲۰۱۸-۲۰۱۷ برابر با ۶۳۸۰۰۰ نفر افزایش یافته است، ولی تعداد افراد دارای خرده‌شغل یا مشاغل خویش‌فرما در همین فاصله زمانی کاهش یافته است.

حداقل دستمزد ملی از ژانویه ۲۰۱۵ در حال اجراست. معافیت‌های متعددی به‌ویژه برای نوجوانان و افرادی که به مدت طولانی بیکار بوده‌اند، لحاظ شده است. به علاوه طی دوره گذار که در سال ۲۰۱۷ به پایان رسیده است، حداقل دستمزد خاص بخشی از حداقل دستمزد عمومی کمتر بوده است. حداقل دستمزد فعلی برابر ۸/۸۴ یورو تعیین شده است و پس از پنج سال توسط شورایی متشکل از نمایندگان، کارفرمایان و کارمندان بازنگری می‌شود. حداقل دستمزد به افزایش درآمد چهار میلیون نفر کارمند و به عبارتی حدود ۱۱ درصد از افراد شاغل منتهی شده است.

شورای کارشناسان اقتصادی آلمان تأثیرات اقتصاد کلان مضر را گزارش نکرده است، هرچند هنوز بسیار زود است که به ارزیابی پیامدهای بلندمدت حداقل دستمزد ملی پرداخته شود.

افزایش قابل توجه پناهندگان که ادعای پناهندگی در آلمان دارند، چالش کلیدی برای سیاست‌گذاری بازار کار آتی به شمار می‌آید. کاهش موانع دسترسی به بازار کار به‌ویژه بازار کار متعارف و همچنین حمایت از آموزش برای استقرار موفقیت‌آمیز پناهندگان حائز اهمیت خواهد بود. مطابق برآورد شورای کارشناسان اقتصادی آلمان، نرخ بیکاری پناهندگان به طور پیوسته طی سال‌های بعد کاهش خواهد یافت و از ۷۶/۲ درصد در سال ۲۰۱۶ به ۴۳/۱ درصد در سال ۲۰۲۲ خواهد رسید. نگرانی‌های مربوط به افزایش نرخ کل بیکاری به دلیل موج پناهندگان در سال ۲۰۱۵ تاکنون به واقعیت تبدیل نشده است و نرخ بیکاری در سال ۲۰۱۷ همچنان روند نزولی داشته است.

۲-۲-مالت

نرخ بیکاری در مالت همواره پایین بوده است. آمار حاصله توسط اداره آمار اتحادیه اروپا (یورو استات) در آگوست ۲۰۱۷ نشان می‌دهند که مالت سومین کشور دارای پایین‌ترین نرخ بیکاری در اتحادیه اروپا محسوب می‌شود و نرخ بیکاری جوانان در این کشور پایین‌تر از میانگین اتحادیه اروپاست. در واقع، نرخ بیکاری ملی و نرخ بیکاری جوانان در این کشور به ترتیب برابر با ۴/۲ درصد و ۱۱/۹ درصد است و این در حالی است که میانگین اتحادیه اروپا برابر با ۷/۶ و ۱۱/۹ درصد است. نرخ مشارکت بازار کار در سه ماهه اول ۲۰۱۷ برابر با ۶۸/۷ درصد برآورد شده است که بالاترین نرخ گزارش شده میان افراد رده سنی ۵۴-۲۵ سال است.

این امر عمدتاً به طیف گسترده اقدامات صورت گرفته توسط دولت در راستای کاهش بیکاری نسبت داده می‌شود. راهبرد سالخوردگی فعال^۱، طرح تضمین اشتغال جوانان^۲، برنامه‌های آموزشی گسترده، کاهش مالیات بر درآمد، کاهش تدریجی مزایای اجتماعی و طرح مزایای ضمن خدمت از جمله این اقدامات به شمار می‌آیند. اگرچه مالت از نظام حمایتی یکپارچه‌ای برای افراد بیکار شامل مزایای اجتماعی و فرصت‌های بازآموزی برخوردار است، ولی در حال حاضر صرفاً طرح‌های مبنی بر کمک به افراد کم‌مهارت در زمینه شغل‌یابی معرفی شده‌اند و به مرحله اجرا درنیامده‌اند. در چنین شرایطی، دولت موافقت‌نامه‌ای را با اتحادیه کارگران عمومی^۳ جهت مدیریت طرح ویژه افراد بیکار در بلندمدت از جانب سازمان ملی اشتغال (جاب پلاس)^۴ در سال ۲۰۱۶ امضا کرده است. در بودجه ۲۰۱۵ شرایط اجرای سهم مثبت در ارتباط با اشتغال افراد معلول و ناتوان لحاظ شده است. در نتیجه، اشتغال افراد ناتوان از سال ۲۰۱۴ سه برابر افزایش یافته است. به علاوه بنیاد تازه تأسیس لینواسپتری^۵ در زمینه یافتن مشاغل مفید برای افراد ناتوان نقش مهمی ایفا می‌کند.

-
1. Strategy for Active Ageing
 2. Youth Employment Guarantee Scheme
 3. General Workers Union
 4. National Employment Agency-Jobplus
 5. Lino Spiteri Foundation

در راستای افزایش نرخ مشارکت زنان نیز اقدامات متعددی صورت گرفته است. معرفی مراکز مراقبت از کودکان به صورت رایگان در سال ۲۰۱۴ و سایر مشوق‌های مالی از جمله اصلاحات نظام زایمان، مشوق‌های مالیاتی و یارانه‌های دستمزد برای زنان بالاتر از ۴۰ ساله که وارد بازار کار می‌شوند، از جمله این اقدامات به شمار می‌آیند. در بودجه ۲۰۱۶ طرح آزمایشی اعطای یارانه به کارکنان مراقبت از سالمندان و بدین ترتیب کاهش بار مشکلات در زندگی اعضای خانواده آن‌ها که به طور غیرمتناسبی بر دوش زنان خانواده است، لحاظ شده است. در مجموع، این طرح‌ها به افزایش ۴/۵ درصدی نرخ مشارکت زنان در سال ۲۰۱۶ منجر شده است. با این وجود، کشور مالت هنوز از بیشترین شکاف جنسیتی بازار کار در اتحادیه اروپا برخوردار است که به طور مستقیم به نرخ مشارکت پایین متداول زنان در بازار کار مربوط است.

دولت باید به ناهنجاری‌های متعدد در بخش نیروی کار توجه داشته باشد: نرخ ۵۰ درصدی مشارکت زنان، نیروی کار در حال کاهش (تا سال ۲۰۳۵ تعداد کارگران ۲۰۰۰۰ نفر کاهش خواهد یافت)، عدم تطبیق مهارت‌ها که به کمبود نیروی کار مناسب منجر می‌شود، تمایل ۱۶ درصد کارگران نیمه‌وقت به یافتن شغل تمام‌وقت و وابستگی فزاینده به نیروی کار خارجی. ۱۱۰۰۰ شغل جدید در سال ۲۰۱۶ ایجاد شده‌اند که ۲۵۰۰ شغل به بومیان مالتی تعلق گرفته است. همچنین نشان داده شده است که کارگران خارجی در این کشور به صورت دائمی مستقر نمی‌شوند و فقط ۴۵ درصد از آن‌ها بیش از دو سال در این کشور اقامت دارند و تعداد آن‌ها به طور پیوسته کاهش می‌یابد. برآورد می‌شود که ۲۰۰۰ موقعیت شغلی موجود در سال ۲۰۱۸ پر نخواهد شد. دولت درصدد تسهیل مجوزهای کار برای اتباع کشورهای دیگر است. کارفرمایان همواره از شکاف‌های قانونی سوءاستفاده کرده و به کارگران کمتر از حداقل دستمزد پرداخت می‌کنند. هزینه‌های کار واحد همچنان جزئی باقی مانده است، ولی پیش‌بینی می‌شود که سریع‌تر از میانگین منطقه اروپا در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ افزایش یابد.

۲-۳ سوئیس

سوئیس سیاست بازار کار کارآمدی را اتخاذ کرده است. بازار کار این کشور از نظر استخدام و اخراج انعطاف‌پذیری بسیار بالایی دارد، اتحادیه‌های تجاری و نمایندگان آنها یا ائتلاف‌های در سطح شرکتی هیچ‌گونه تعهد قانونی جهت مداخله در تصمیمات کارفرمایان در زمینه منابع انسانی ندارند (برعکس آلمان) و حداقل دستمزد نیز در این کشور تعیین نشده است (رأی‌دهندگان سوئیس از تعیین حداقل دستمزد در سال ۲۰۱۴ امتناع کرده‌اند).

اگرچه «عصر طلایی» کنترل بیکاری با مدیریت جریان نیروی کار از کشورهای دیگر گذشته است، ولی سیاست بازار کار سوئیس دستاوردهای قابل توجهی را دربرداشته است. در سپتامبر ۲۰۱۷، نرخ بیکاری آن برابر با ۳ درصد بوده است. بیکاری جوانان (در رده سنی ۱۵ تا ۲۴ سال) فقط کمی بالاتر از نرخ بیکاری کل (۳/۲ درصد در سپتامبر ۲۰۱۷) بوده است. سهم افراد بیکار در بلندمدت (که به عبارتی، بیش از ۱۲ ماه بیکار بوده‌اند) از بیکاری کل فقط ۱۷ درصد بوده است. این کشور از نظر نسبت اشتغال (جمعیت شاغل به عنوان درصدی از جمعیت در رده سنی کار) دومین کشور با نسبت بالای اشتغال در اروپا (پس از ایسلند) به شمار می‌آید. به علاوه نرخ کل اشتغال زنان در دهه‌های اخیر افزایش قابل توجهی یافته است. در سال ۲۰۱۶، سوئیس دارای بالاترین نرخ اشتغال زنان (۷۵ درصد) در کشورهای عضو همکاری اقتصادی و توسعه بوده است. گزارش اخیر درباره تأثیرات جابجایی آزاد نیروی کار بین اتحادیه اروپا و سوئیس نشان می‌دهد که به طور کلی مهاجرت بالا از اتحادیه اروپا، چشم‌اندازهای اشتغال کارگران داخلی را به مخاطره نینداخته است. بیشتر مهاجران اتحادیه اروپا از مهارت بالا برخوردارند و ۵۷ درصد از آنها تحصیلات دانشگاهی خود را به پایان رسانده‌اند.

با این وجود، چالش‌های عمده متعددی مشهود است. نرخ بالای اشتغال به دلیل سهم بالای کار نیمه‌وقت است. در سال ۲۰۱۶ حدود ۱۱ درصد از مردان شاغل و ۴۵ درصد از زنان شاغل دارای شغل نیمه‌وقت بوده‌اند و به بیان دقیق‌تر، کمتر از ۳۰ ساعت در هفته مشغول کار بوده‌اند. فقط هلند دارای نرخ بالاتری از اشتغال نیمه‌وقت زنان است. بالاترین نرخ بیکاری

میان کارگران خارجی کم‌مهارت مشاهده می‌شود. همچنین، نابرابری دستمزد قابل توجهی بین مردان و زنان در این کشور وجود دارد. گزارش صورت گرفته توسط اداره آمار فدرال در سال ۲۰۱۶ نشان می‌دهد که متوسط دستمزد کارگران زن ۸۷ درصد متوسط دستمزد هم‌تایان مرد آن‌هاست و ۶۰ درصد از تفاوت دستمزد آن‌ها به دلیل جنبه‌های عینی نظیر تحصیلات است.

کارگران با مهارت بالا از کشورهای اتحادیه اروپا به‌ویژه به دلیل این که مایلند پس از مدتی کار کردن در سوئیس به کشور بومی خود برگردند، باعث مشکلات متعدد در سیاست بازار کار سوئیس شده‌اند. در مقایسه، کارگران خارجی کم‌مهارت مایلند که حتی در صورت بیکاری هم در این کشور بمانند. به‌علاوه، نرخ اشتغال بین کارگران مسن در مقایسه با نرخ بین‌المللی بسیار بالاست.

۲-۴ هلند

در ژوئای ۲۰۱۷، ۴/۹ درصد از جمعیت شاغل بیکار بوده‌اند. نرخ بیکاری جوانان در سال ۲۰۱۷ برابر با ۸/۹ درصد بوده است که پایین‌ترین نرخ در پنج سال اخیر بوده است. با این وجود، برخی از افراد معتقدند که بیکاری جوانان تهدیدی جدی برای چشم‌اندازهای بلندمدت محسوب می‌شود. چنانچه برآورد شده است ۱۳۸۰۰۰ نفر از جوانان مشغول تحصیل یا کار نیستند. نسبت بالایی از افراد جوان فاقد سطح پایه سواد، سواد کامپیوتری یا مهارت‌های مربوط به صنایع فنی هستند. بهبود آموزش و تمهیدات مربوط به یافتن شغل پس از دوران تحصیلی حائز اهمیت است. سایر نقاط ضعف بازار کار این کشور عبارتند از: نرخ نسبتاً پایین مشارکت بازار کار بین مهاجران به‌ویژه مهاجران جوان و همچنین بازار کار دولایه‌ای که بین «کارمندان داخلی» دارای امنیت شغلی قابل توجه (معمولاً مسن‌تر) و «کارمندان خارجی» (مسن و جوان) که غالباً «کارمندان مستقل» هستند و فاقد حمایت شغلی بوده و امنیت شغلی محدود دارند و یا این که اصلاً امنیت شغلی ندارند و تحت فشار زیاد محل کار هستند، تفکیک قایل می‌شود. از نظر حکمرانی بازار کار، تعارضات سیاسی بین احزاب لیبرال پیشرو و محافظه‌کار و احزاب وابسته به حزب کارگر مانع تصویب

سیاست‌های بازار کار واقعاً موفق و کارآمد شده‌اند. قانون جدید کار و امنیت که از اول ژانویه ۲۰۱۵ به تدریج اجرا شده است، با هدف تقویت موقعیت کارگران موقت، تسهیل رویه‌های اخراج و کاهش مدت زمان حداکثر مزایای بیکاری از ۳۸ ماه به ۲۴ ماه تدوین شده است. هنگام تدوین این سیاست که با مذاکرات صورت گرفته در زمینه تشکیل کابینه جدید بین چهار حزب سیاسی هنوز نامعلوم باقی مانده است، هیئت منصفه درباره ادامه یا لغو این قانون برنامه‌ریزی می‌کند. با توجه به رونق اقتصادی، بسیاری از کارمندان هلندی انتظار افزایش دستمزد و همچنین افزایش (نسبتاً نامشهود) قدرت خرید خود (۴/۹ + درصد در سال ۲۰۱۶ که بیشترین میزان افزایش طی ۱۵ سال اخیر است) به دلیل تورم صفر درصدی و کاهش مالیاتی قابل توجه دارند.

۳- مالیات‌ها

امتیاز ۹: فنلاند، نروژ و سوئیس

۳-۱ فنلاند

در فنلاند، دولت، شهرداری‌ها، کلیسای انجیلی لوتری^۱ و کلیسای ارتدکس^۲ از قدرت اختیار وضع مالیات برخوردارند. سیاست‌های مالیات‌بندی این کشور عمدتاً کارآمد هستند. مالیات‌های دولت شامل مالیات بر درآمد شخصی با نرخ بین ۶/۵ و ۳۱/۷۵ درصد (سال ۲۰۱۶) است که به صورت تصاعدی در حال کاهش است. مالیات‌های شهرداری بین ۱۶/۲۵ تا ۲۱/۷۵ درصد بسته به قدرت اختیار شهرداری متغیر است. در سال ۲۰۱۵، میانگین نرخ کلی مالیات بر درآمد شخصی برابر با ۵۱/۵۰ درصد بوده است و میانگین آن در فاصله سال‌های ۲۰۱۶-۱۹۹۵ برابر با ۵۲/۹۶ درصد بوده است. به طور کلی، تقاضاهای مبنی بر برابری عمودی^۳ عمدتاً برآورده می‌شوند. با این حال، این امر در مورد برابری افقی^۴ کمتر صدق می‌کند. نرخ مالیات بر درآمد شرکتی در ژانویه ۲۰۱۴ از ۲۴/۵ درصد به ۲۰ درصد کاهش یافته است که به طور متوسط کمتر از سایر کشورهای نوردیک و اتحادیه اروپاست. در نتیجه اصلاحات صورت گرفته در سال‌های اخیر، نظام مالیات‌بندی فنلاند به میزان کمتری پیچیده است و شفاف‌تر شده است. فنلاند در ارتباط با تأثیرات بازتوزیعی و تعادل ساختاری عملکرد مناسبی دارد و سیاست‌های کلی مالیات‌بندی آن به کسب درآمد دولتی کافی منجر شده است. از این رو، تاکنون تغییر روند عمده‌ای از مالیات‌بندی نیروی کار به سمت مالیات‌بندی زیست‌محیطی صورت نگرفته است و سهم مالیات‌های زیست‌محیطی از درآمدهای مالیاتی همچنان محدود است. به طور کلی مالیات‌ها در فنلاند از این جهت بالاست که هزینه نظام‌های مراقبت بهداشتی و تأمین اجتماعی این

1. Evangelic Lutheran Church
 2. Orthodox Church
 3. Vertical equity
 4. Horizontal equity

کشور بالاست و علاوه بر آن نظام آموزشی کارآمد و البته پرهزینه‌ای در این کشور دایر است. در مقایسه با بیشتر کشورهای دیگر، فنلاند از شرایطی بهره می‌برد که در آن عموم مردم به ضرورت مالیات‌بندی برای حفظ رفاه اجتماعی خود پی برده‌اند. در آرای عمومی طی سال‌های اخیر، ۹۶ درصد از پاسخ‌دهندگان تایید کرده‌اند که مالیات ابزار مهمی برای تداوم دولت مرفه است و ۷۵ درصد نیز تایید کرده‌اند که از مزایای کافی در نتیجه پرداخت مالیات خود بهره‌مند هستند.

۲-۳ نروژ

نروژ بار مالیاتی نسبتاً سنگینی را بر درآمد و مصرف تحمیل می‌کند (مالیات ارزش افزوده). البته مالیات شرکت‌ها در مقایسه با سایر کشورها محدود است. قانون مالیات در صد این است که در زمینه مالیات‌بندی انواع مختلف سرمایه عادلانه عمل کند، هرچند مالیات سرمایه مسکونی در مقایسه با سایر انواع مالیات‌ها به اندازه قابل توجهی کمتر است. به‌طور کلی، در این کشور قانون مالیات ساده و عادلانه است، وصول مالیات کارآمد است و مالیات بر درآمد به‌طور جزئی روند تصاعدی در پیش گرفته و انطباق مالیاتی آن نیز بالاست. قسمت اعظم وصول مالیات به‌صورت الکترونیکی و با هزینه‌های تراکنش محدودی صورت می‌گیرد و نظام مالیاتی فضای محدودی برای برنامه‌ریزی راهبردی مالیات ارائه می‌کند.

سهم زیادی از درآمدهای مالیاتی کشور برای حقوق تامین اجتماعی شخصی در ساختار دولت مرفه هزینه می‌شود. این امر کمک می‌کند نروژ به‌کشوری با نابرابری محدود تبدیل شود و همچنین امکان سرمایه‌گذاری قابل توجه در زمینه زیرساخت و تأمین کالاهای عمومی را فراهم می‌آورد. با این حال، بهره‌وری این مخارج عمدتاً پایین است.

۳-۳ سوئیس

نسبت مالیات سوئیس به اندازه قابل توجهی کمتر از میانگین کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه است و نرخ مالیات به‌ویژه مالیات کسب و کارها در این کشور پایین است. سیاست‌های مالیات‌بندی رقابتی هستند و درآمد عمومی قابل توجهی را

کسب می‌کنند. فدرالیسم مالی^۱ (مسئولیت شهرداری‌ها، بلوک‌ها و فدراسیون جهت تأمین هزینه‌های خود از طریق درآمد اکتسابی) و حقوق شهروندان سوئیس مبنی بر تصمیم‌گیری درباره قوانین مالی باعث شده‌اند سوئیس به کشوری ناب^۲ تبدیل شود که سطح نسبتاً پایین استخدام بخش دولتی برخوردار است.

با وجود این شایان ذکر است که به دلیل اصل فدرالیسم^۳، نرخ مالیات بین مناطق تفاوت قابل توجهی دارد، زیرا بلوک‌های مجزا و جوامع ملی از این اختیار برخوردارند که سطح مالیات منطقه‌ای را تعیین کنند.

با این حال لازم به ذکر است که درآمد دولت ظاهراً کوچک سوئیس به‌عنوان درصد تولید ناخالص داخلی را می‌توان تا حدی به روش محاسبه آمار نسبت داد. کمک‌های ارائه شده به نظام بازنشستگی (به اصطلاح دومین رکن) و برنامه بیمه سلامت - که سازمان‌های غیردولتی هستند - در محاسبات درآمد دولت در نظر گرفته نمی‌شوند. در صورتی که کمک‌های ارائه شده به این دو برنامه در نظر گرفته شوند، سهم درآمد دولت به‌عنوان درصد تولید ناخالص داخلی حدود ۱۰ درصد بالاتر خواهد بود. این موضوع باعث می‌شود که درآمد دولتی کشور سوئیس بالاتر از میانگین کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در نظر گرفته شود.

سیاست مالیاتی مانع رقابت‌پذیری می‌شود. سوئیس در شاخص‌های رقابت‌پذیری در زمره کشورهای رتبه بالا قرار دارد و با توجه به میزان پایین مالیات آن به‌عنوان کشوری بسیار جذاب برای مالیات‌دهندگان شرکتی و شخصی داخلی و خارجی به شمار می‌آید.

سیاست مالیاتی به تعادل فوق‌العاده بین درآمدها و مخارج کمک کرده است. سوئیس دارای بدهی دولتی پایینی (۲۹ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۶) بوده و به علاوه تراز مالی آن مثبت است و به عبارتی درآمد دولت متجاوز از مخارج آن است.

سیاست مالیاتی کشور از جانب کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و

1. Fiscal federalism

2. Lean State

3. Principle of Federalism

اتحادیه اروپا از این جهت تحت فشار قرار گرفته است که در ارتباط با شرکت‌های داخلی و بین‌المللی در سطح بلوکی به‌طور متفاوتی عمل می‌کند. دولت فدرال به این فشارها با معرفی اصلاحیه سیاست مالیات شرکتی پاسخ داده است. این اصلاحیه باید بلوک‌های سوئیس را از اعمال مالیات متفاوت برای سود شرکت‌های داخلی و بین‌المللی (به اصطلاح حصارکشی رینگ^۱) باز دارد. این شرکت‌های بین‌المللی به درآمد مالیاتی سوئیس کمک قابل توجهی می‌کنند. به منظور حفظ این شرکت‌ها در سوئیس، طرح دولت با هدف کاهش مالیات تمام شرکت‌ها - صرف نظر از این که شرکت داخلی است یا بین‌المللی - تدوین شده است. مطابق این اصلاحیه، تغییر نرخ مالیات بلوکی مورد قبول واقع شده است. حزب سوسیال دموکرات سوئیس مراسم آرای عمومی را در ارتباط با این اصلاحیه در فوریه ۲۰۱۷ ترتیب دادند ولی طرح اصلاحیه مورد قبول واقع نشد. در واقع، به دو دلیل اصلی به این طرح رأی داده نشد. اول این که حدود یک سوم پاسخ‌دهندگان اظهار داشتند به این دلیل به این اصلاحیه رأی ندادند که به اندازه کافی اطلاعات نداشتند و مردد بودند. دوم این که قسمت اعظم رأی‌دهندگان بر این باور بودند که این اصلاحیه بسیار جانبدارانه بوده و در راستای منفعت شرکت‌های بزرگ و «ثروتمند» عمل می‌کند. در نتیجه عدم پذیرش اصلاحیه توسط عموم مردم، دولت ناگزیر شد راه‌حل جدیدی را با توجه به فشار وارده از جانب سازمان‌های بین‌المللی پیدا کند. پس از فوریه ۲۰۱۷، دولت اصلاحیه جدیدی را اتخاذ کرد که شامل بسیاری از عناصر پیش‌نویس اصلاحیه اصلی بود، ولی بخشندگی کمتری نسبت به شرکت‌های خارجی و داخلی لحاظ شده بود و همچنین به منظور افزایش احتمال کسب رأی اکثریت در آرای عمومی، کمک هزینه‌های کودکان نیز افزایش داده شده بود.

۴- بودجه‌ها

امتیاز ۱۰: سوئیس

۴- اسوئیس

سیاست بودجه‌ای سوئیس از نظر مالی پایدار است. بدهی ناخالص دولتی (دولت عمومی) از میزان پایین یعنی ۲۹ درصد از تولید ناخالص داخلی در سال ۱۹۹۰ به بیشترین میزان خود یعنی ۵۲ درصد در سال ۱۹۹۸ افزایش یافته است و تا سال ۲۰۱۶ به ۲۹ درصد کاهش یافته است. بودجه‌های تنظیم‌شده به لحاظ ساختاری حتی در دوران بحران مالی در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ متوازن بوده‌اند. از آغاز این قرن، بودجه فدرال همیشه موجودی داشته است و یا این که حداقل متوازن بوده است و به استثنای سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۲، در سال‌های دیگر هزینه کرد دولت کمتر از دریافتی آن بوده است. به احتمال زیاد، این تراز مثبت طی سال‌های آتی حفظ خواهد شد.

پایداری مالی اصولاً به دلیل تصمیم‌گیری مبنی بر برخورداری از بار مالیاتی پایین و دولت ناب است. به علاوه، پایین نگه داشتن میزان کسری و بدهی دولت همواره دغدغه اصلی سیاستمداران در تمام سطوح نظام سیاسی بوده است. قوانین و ساختارهای متعددی در راستای اجتناب از پویایی بودجه‌های در حال گسترش طرح‌ریزی شده‌اند. به عنوان مثال در سطح فدرال، ترمز بدهی قانونی (ماده ۱۲۶، ماده ۱۵۹) لحاظ شده است: «حداکثر هزینه کرد کل که تأمین می‌شود باید برحسب دریافتی‌های مورد انتظار ضمن توجه به شرایط اقتصادی تعیین شود». اخیراً، دولت قصد خود مبنی بر تسهیل یک عنصر از این ترمز بدهی را اعلام کرده است. هرچند در آگوست ۲۰۱۷ یک شورای کارشناسی در مقابل چنین اقدامی هشدار داده است. مطابق دموکراسی مستقیم^۱ ابزار موثر دیگری جهت حفظ بودجه در حد و مرزهای موردنظر پیشنهاد شده است. در آرای عمومی، مردم عدم تمایل خود را (به‌ویژه در مقایسه با اعضای پارلمان‌ها در زمانی که انتخابات نزدیک است) به حمایت از گسترش

1. Direct democracy

وظایف دولت ضمن افزایش مشابه مالیات‌ها و یا بدهی دولت نشان داده‌اند.

با وجود شرایط مالی بسیار مطلوب، شورای فدرال درصدد برنامه‌های ریاضت نسبی است. حتی با توجه به این واقعیت که برخی از دولت‌های بلوکی و شهری درصدد اتخاذ سیاست‌های بودجه‌ای ناپایدار هستند، ولی در نتیجه موفقیت سیاست بودجه‌ای کلی کشور (به عبارتی دولت عمومی)، کشور سوئیس مسلماً از نظر سیاست‌های مالی پایدار در گروه کشورهای برتر قرار دارد.

۵- تحقیق و نوآوری

امتیاز ۱۰: سوئد

۵- اسوئد

سوئد در تمام ابعاد تحقیق و توسعه در زمره پنج دموکراسی صنعتی پیشرفته قرار دارد: هزینه‌کرد (دولتی و خصوصی) به ازای سرانه، تعداد محققان، تعداد تقاضاهای ثبت اختراع و مجوزهای مالکیت فکری. سطح بالای سرمایه‌گذاری در حوزه تحقیق و توسعه همواره در این کشور مرسوم بوده است. به‌عنوان یک اقتصادِ برخوردار از هزینه‌های بالای نیروی کار، سوئد در بخش‌های دانش‌محور- و نه در بخش تولید مقیاس گسترده- دارای مزیت رقابتی است. از این رو، هزینه‌کرد تحقیق و توسعه به طور مستقیم به این بخش اختصاص داده می‌شود.

دولت‌ها و به عبارتی جناح راست و حزب سوسیال دموکرات- حزب سبزها^۱- غالباً در راستای تقویت استدلال مبنی بر ضرورت هزینه‌کرد دولتی در زمینه آموزش عالی، موسسات تحقیقاتی و به طور کلی تحقیق و توسعه جهت ایجاد رفاه و شکوفایی آتی تلاش می‌کنند. شواهدی مبنی بر تغییر تعهد تمام بازیگران اصلی در حوزه سیاست‌گذاری نسبت به هزینه‌کرد تحقیق و توسعه وجود ندارد.

1. Social democratic- green.

اگرچه هزینه‌کرد تحقیق و توسعه پیشینه طولانی دارد، ولی تبدیل مفاهیم تحقیق و توسعه به محصولات ارزشمند تا حد زیادی برای سوئد چالش برانگیز بوده است. «پارادوکس سوئدی»^۱ دقیقاً به منزله عدم توانایی آن جهت تبدیل یافته‌های تحقیقاتی به محصولات بازرگانی ارزشمند است. با این حال، داده‌های اخیر نشان می‌دهند که سوئد در حال حاضر در ارتباط با تقاضای ثبت اختراع و دستمزد معجز مالکیت فکری رتبه اول را به خود اختصاص داده است. این امر به منزله شاخص معتبری است که نشان می‌دهد تحقیق و توسعه نتایج مثبتی در این کشور دربرداشته است. زیرا کسب مالکیت فکری محصولات نوظهور مرحله مهمی در فرآیند گذار از مؤسسات تحقیقاتی به بازار محسوب می‌شود. این موضوع اخیراً در سیاست دولتی سوئد مورد تأکید قرار گرفته است و داده‌ها نشان می‌دهند که هم‌اکنون تحقیق و توسعه با موفقیت روزافزونی در این کشور در جریان است.

با این حال، در عصر جدید کارآفرینی دیجیتال، سوئد به‌عنوان مرکز جهانی نوآوری دیجیتال ظاهر شده است. این امر در مورد ارتباطات دیجیتال، بازی‌های رایانه‌ای و خدمات مبتنی بر فناوری اطلاعات صدق می‌کند. بنا به پیشنهاد مجمع جهانی اقتصاد که معتقد است سوئد بار مالیاتی سنگینی را تحمیل می‌کند، تورهای ایمنی رفاه اجتماعی باعث شده‌اند که کارآفرینان سوئد در مقایسه با کارآفرینان سایر کشورها به میزان کمتری ریسک‌گریز باشند. به‌طور کلی به نظر می‌رسد که بخش اعظم موفقیت سوئد در این حوزه را می‌توان به حذف نظارت دولت و سایر اصلاحات طرفدار تجارت^۲ اطلاق داد که توسط دولت غیر سوسیالیستی سابق در فاصله سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۴ مطرح شده‌اند.

1. Swedish Paradox

2. Pro-business reforms

۶- نظام مالی جهانی

امتیاز ۹: کانادا، فنلاند، آلمان و سوئد

۶-۱ کانادا

دولت کانادا از طریق وزارتخانه‌ها و سازمان‌های متعدد به نظارت و کنترل موثر معماری مالی بین‌المللی کمک شایانی کرده است. بانک کانادا^۱ به ویژه در عرصه بین‌المللی بانک سرشناسی است. رئیس سابق بانک کانادا مارک کارنی^۲ که ریاست بانک مرکزی انگلستان^۳ در سال ۲۰۱۳ را عهده‌دار شد، ریاست هیأت ثبات مالی گروه بیست^۴ را برعهده دارد. سایر مقامات ارشد بانک کانادا در سایر مجامع مالی بین‌المللی نقش کلیدی ایفا می‌کنند. اداره سرپرستی مؤسسات مالی^۵ (OSFI) نیز در سطح بین‌المللی مشارکت فعالانه‌ای دارد.

۶-۲ فنلاند

پس از سقوط بازارهای مالی در اروپا و آسیب‌پذیری فزاینده بازارهای مالی در سطح جهان، رهبران سیاسی در فنلاند ناگزیر به تصویب مقررات قوی‌تر و نظارت هماهنگ بر بازار شده‌اند. در ارتباط با دیدگاه‌ها و عملکرد، فنلاند خود را به‌عنوان کشوری معرفی کرده است که در تعیین برنامه کار نقش دارد و از کشورهایی که در صدد پیشبرد خودتنظیمی و مقابله با ریسک‌پذیری بیش از حد بازار هستند، حمایت می‌کند. به علاوه فنلاند در راستای حفظ سرمایه‌گذاری‌های خود اقدامات متعددی را انجام داده است. مطابق ارزیابی صورت گرفته توسط صندوق بین‌المللی پول در دسامبر ۲۰۱۶ در زمینه ثبات نظام مالی فنلاند، نظام بانکداری فنلاند با وجود بحران اقتصادی سه ساله همواره از سرمایه خوب و سودآوری برخوردار بوده است. به علاوه، اگرچه نرخ بهره پایین موجب محدودیت نرخ بهره خالص

1. Bank of Canada

2. Mark Carney

3. Bank of England

4. G-20 Financial Stability Board

5. Office of Superintendent Financial Institutions

درآمد شده است، ولی بانک‌ها موفق به افزایش درآمد حاصل از تجارت و بیمه شده‌اند. شایان ذکر است که کشورهای دانمارک، فنلاند، نروژ و سوئد دارای نظام‌های مالی قوی و کاملی هستند که در برابر تأثیر بحران مالی اروپا مقاوم بوده‌اند. در سال ۲۰۱۳، دولت فنلاند برنامه ملی ۲۰۲۰ اروپا^۱ را تصویب کرده است که مشتمل بر اقدامات و اهداف ملی در ارتباط با تحقق اهداف راهبرد ۲۰۲۰ اروپاست. این برنامه شامل طرح‌های متعدد جهت ایجاد نظام ملی و کارآمد احتیاطی کلان^۲ است. با برخورداری از ۲۰۰ کارمند، سازمان نظارت مالی^۳ وظیفه نظارت بر بخش مالی و بیمه فنلاند را برعهده دارد. دایره بازارهای مالی وابسته به وزارت دارایی^۴ قوانین مربوط به بازارهای مالی و چارچوب عملیات بازارها را تعیین می‌کند و همچنین، وظیفه تضمین اثربخشی فعالیت‌های بین‌المللی وزارت دارایی را نیز بر عهده دارد.

۶-۳ آلمان

در نتیجه بحران مالی، طرح‌های سیاستی در زمینه حکمرانی بازار مالی از خودنظارتی خصوصی به سمت مقررات دولتی سوق داده شده‌اند تا از کمک‌های مالی عمومی پرهزینه‌ی بانک‌های خصوصی در آینده اجتناب شود.

آلمان در مقابله با بحران بدهی در اروپا نقش اصلی را به عهده گرفته است و مسئولیت‌های ضمنی و آشکار قابل توجهی را متقبل شده است. به‌عنوان مثال حداکثر ضمانت مالی آلمان برای ساز و کار ثبات اروپا^۵ برابر با ۱۹۰ میلیارد یورو است و این کشور همچنین در معرض خطرات غیرمستقیمی از طریق مطالبات بانک مرکزی آلمان (بوندس بانک^۶) در نظام پرداخت تارگت^۷ بانک مرکزی اروپا قرار گرفته است که در نتیجه خرید دارایی بانک مرکزی اروپا با خطرات بیشتری نیز مواجه شده است.

-
1. Europe 2020 National Program
 2. Macroprudential Supervision System
 3. Financial Supervisory Authority
 4. Financial Markets Department of the Ministry of Finance
 5. European Stability Mechanism
 6. Bundesbank
 7. TARGET Payment System

آلمان همواره حامی اتحادیه بانکداری اروپا بوده و عناصر متعددی را در قانون ملی (به عنوان مثال قوانین مربوط به تغییر ساختار بانک در زمان بحران) قبل از ظهور استانداردهای اتحادیه اروپا لحاظ کرده است. در سطح بین‌المللی، آلمان از اقدامات بین‌المللی هماهنگ جهت اصلاح نظام مالی جهانی و حذف پناه‌گاه‌های مالیاتی و نظارتی شدیداً دفاع کرده است. به علاوه، آلمان یکی از عوامل محرکی است که به توسعه نشست گروه ۲۰ به‌عنوان بهترین مجمع همکاری بین‌المللی کمک کرده است. با این حال علیرغم این اقدامات، آلمان به وضوح از منافع نظام بانکداری داخلی خود به‌ویژه در ارتباط با برنامه‌های خاص بیمه سپرده بانک‌های پس‌انداز دولتی (بانک اسپارکاسن)^۱ دفاع کرده است.

دولت نگران این است که نظام‌های بیمه سپرده اروپا بسیار سریع می‌تواند به بدهی‌های بانکی مشترک نامطلوب اروپا منجر شود.

۴-۶ سوئد

دولت سوئد تمام تلاش خود را می‌کند تا با وضع قوانین، بتواند از رفتارهای مالی مجرمانه در مدیریت مالی بین‌المللی جلوگیری کند. سوئد همچنین قوانین تصریح شده توسط اتحادیه اروپا و سایر نهادهای بین‌المللی در رابطه با امور مالی بین‌المللی را پشتیبانی و اجرا می‌کند. با این حال، این کشور طرح‌های پیشنهادی برای معرفی مالیات توبین^۲ در معاملات مالی بین‌المللی را رد کرده است.

اختلاف بین وزارت دارایی و بانک‌های بزرگ تجاری سوئد طی سال‌های گذشته درخور توجه بوده است. اختلاف نظر موجود به تمایل بانک‌ها در اعطای پاداش‌های عظیم و پرداخت هزینه‌های بالای مدیریت مالی مربوط می‌شود. پیام‌های سیاسی جهت الزام وام‌دهندگان به اعطای وام در ازای وثیقه علاوه بر پرداخت بهره، از دیگر علل احتمالی وجود اختلاف نظر بین وزارت دارایی و بانک‌های بزرگ تجاری به شمار می‌آید. وزارت دارایی به همراهی بانک ملی، نگران میزان بدهی خانوارها بوده و خاطرنشان کرده است که

1. Sparkassen

2. Tobin

حباب بازارهای املاک و مستغلات کلان‌شهرها رو به رشد است. کاهش بدهی و یا حذف حق کسر پرداخت بهره به کاهش حجم چنین حبابی کمک می‌کند. اگرچه کاهش بدهی برای بانک‌ها سود تجاری دربرندارد، اما اخیراً بانک‌ها نسبت به سطح بالای بدهی خانوار ابراز نگرانی کرده‌اند. روی هم رفته، سوئد در زمینه تنظیم مقررات پایدار بازارهای مالی بین‌المللی و داخلی سرآمد است. این وضعیت در نتیجه بحران مالی سوئد در اوایل دهه ۱۹۹۰ پدید آمده است که منجر به تحولات سیاسی در تمام احزاب اصلی پارلمان سوئد شده است.

سیاست‌های اجتماعی

۱- آموزش

امتیاز ۹: استونی، نیوزیلند

۱-۱ استونی

آموزش و پرورش از دیرباز در استونی جایگاه ویژه‌ای داشته و این خود محرک اصلی نتایج عالی آموزشی و اصلاحات اخیر کشور در این حوزه بوده است. استونی در رده‌بندی برنامه ارزیابی دانشجویی بین‌المللی^۱ (PISA) پیشرفت‌های مداوم خود را نشان داده است و امروزه در رتبه دوم اروپا و در رتبه چهارم جهانی قرار دارد. از نقاط قوت ویژه نظام آموزشی این کشور می‌توان به تعداد اندک دانش‌آموزان ضعیف و اختلاف جزئی در سطح توانایی‌های دانش‌آموزان آن اشاره کرد. میزان ثبت‌نام در مقاطع تحصیلی مختلف، از جمله دوره‌های یادگیری مادام‌العمر، بالاتر از نرخ میانگین بین‌المللی است. علاوه بر این، استونی در حال حاضر موفق به تحقق برخی از اهداف آموزشی اصلی اتحادیه اروپا^۲ ۲۰۲۰ شده و در شرف تحقق سایر اهداف مورد نظر است. در این راستا، شهرداری‌ها آموزش پیش‌دبستانی را ارائه می‌دهند که برای بخش عمده‌ای از جمعیت قابل دسترسی است (میزان ثبت‌نام حدود ۹۵ درصد). دغدغه‌های اولیه در مورد کمبود فضای آموزشی در مناطق شهری تقریباً رفع شده است، اما مشکلات مربوط به کمبود منابع مالی از جمله سطح پایین حقوق معلمان همچنان باید مورد بررسی قرار گیرند. آموزش در موسسات دولتی در همه سطوح رایگان است. حدود ۵۰۰ مدرسه در حال ارائه آموزش عمومی هستند که از این تعداد ۵۰ موسسه آموزش فنی و حرفه‌ای و ۲۴ موسسه آموزش عالی از جمله ۶ دانشگاه دولتی فعالیت دارند. نکته جالب این است که اگرچه آموزش عالی عموماً در ارتباط با اشتغال‌زایی بهتر و حقوق بالاتر است، اما این امر در استونی در مقایسه با سایر کشورها

1. Program for International Student Assessment

2. EU's Education and Training 2020 (ET 2020)

کمتر صادق است. سیاست‌های اخیر درصدد تقویت ارتباط بین آموزش و پرورش و بازار کار هستند (به‌عنوان مثال، مشارکت دادن شرکت‌ها و شرکای اجتماعی در زمینه توسعه برنامه‌های درسی دوره‌های فنی و حرفه‌ای و گنجاندن مهارت‌های کارآفرینی در برنامه‌های درسی دانشگاهی و ارائه مهارت‌های سطح پایین برای بزرگسالان در راستای دسترسی بهتر به یادگیری مادام‌العمر). سیاست‌هایی از این دست تضمین می‌کنند که آموزش‌های ارائه شده همسو با نیازهای متغیر اقتصاد هستند.

۲-۱ نیوزیلند

طبق گزارش سازمان همکاری اقتصادی و توسعه با عنوان «آموزش در یک نگاه ۲۰۱۶»^۱، کارآیی بخش آموزش نیوزیلند در همه مقاطع تحصیلی به خوبی با سایر کشورهای پیشرفته مورد مقایسه قرار گرفته است. امتیازات نیوزیلند مطابق برنامه ارزیابی دانشجویی بین‌المللی بالاتر از میانگین کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه است، هرچند گزارشات اخیر برنامه ارزیابی دانشجویی بین‌المللی بیانگر افت امتیازات این کشور هستند. همچنین، شواهدی وجود دارد که کودکان متعلق به طبقه اجتماعی و اقتصادی پایین‌تر به ندرت به تحصیل ادامه می‌دهند. امتیازات دانش‌آموزان موری و پاسیفیکا^۲ که مدت‌ها کمتر از حد متوسط بوده است، رو به کاهش است. تأثیر تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی همچنان به‌عنوان موضوع اصلی در مباحث عمومی مطرح است. نابرابری در تأمین مالی مدرسه و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان همواره در هر دو بخش آموزش ابتدایی و متوسطه به چشم می‌خورد. همچنین، توان مالی والدین در انتخاب مدرسه برای فرزندان آن‌ها تأثیرگذار است. آموزش رایگان غالباً به‌عنوان «مفهومی غیر حقیقی» توصیف می‌شود و سیستم تأمین بودجه آموزش به دلیل وابستگی بیش از حد به کمک‌های والدین که نابرابری‌های بیشتری ایجاد می‌کند، مورد انتقاد قرار دارد. از یک دیدگاه مثبت‌تر، معلمان در نیوزیلند طبق اطلاعات سازمان همکاری اقتصادی و توسعه توانسته‌اند رتبه چهارم را از نظر تخصص در حرفه در بین ۳۵ کشور به خود اختصاص دهند. در زمینه آموزش ابتدایی و متوسطه، میزان سرمایه‌گذاری

1. Education at a Glance Report 2016

2. Māori and Pasifika

و مشارکت در نیوزیلند بالاست و این در حالی است که این کشور از کمترین نسبت معلمان و دانش‌آموزان در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه برخوردار است. عناصر اصلی رویکرد دولت ملی به آموزش شامل افزایش مشارکت گروه‌های محروم در دوره‌های آموزشی خردسالان، ترغیب دانش‌آموزان برای بیشتر ماندن در مدرسه از طریق بهبود مسیرهای یادگیری و کار بیشتر و افزایش کیفیت تدریس از طریق افزایش همکاری بین مدارس است. مطابق قانون جدید آموزش و پرورش^۱ که در ماه می سال ۲۰۱۷ توسط مجلس تصویب شده است، به کودکان اجازه داده می‌شود مدرسه را در سن چهار سال و ده ماهگی شروع کنند و همچنین به مدارس فقط آنلاین با عنوان «جوامع یادگیری آنلاین^۲» (COOLs) نیز اجازه فعالیت داده می‌شود. در حوزه آموزش عالی، طبق آخرین رتبه‌بندی جهانی دانشگاه‌های کیو اس^۳، هشت دانشگاه نیوزیلند جزو ۴۵۰ دانشگاه برتر جهان بوده که بر اساس جدیدترین رتبه‌بندی موسسه آموزش عالی تایمز^۴ در بین ۶۰۰ دانشگاه برتر دنیا قرار گرفته‌اند. با وجود معایبی نظیر مسافت زیاد جغرافیایی، نسبت دانشجویان بین‌المللی که تحصیل کوتاه‌مدت داشته و همچنین در دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا ثبت‌نام می‌کنند، بالاتر از میانگین کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه است. تقریباً نیمی از دانشجویان بین‌المللی در این کشور شامل دانشجویان چینی و هندی هستند. اگرچه میزان فارغ‌التحصیلی در مقطع کارشناسی به طور کلی بالاتر از میانگین کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه است، ولی نرخ فارغ‌التحصیلی برای دانشجویان زیر ۳۰ سال برابر با میانگین کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه است. در مقطع کارشناسی ارشد نیز میزان فارغ‌التحصیلی ۴ درصد است که به طور قابل توجهی پایین‌تر از میانگین کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه است. شهریه‌های آموزش باعث نگرانی احزاب سیاسی نیوزیلند شده است. بر اساس آمار حاصله توسط سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، دانشگاه‌های نیوزیلند در رده هفتمین دانشگاه‌های با شهریه بالا در بین کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه قرار دارند.

1. Education Act
2. Communities of Online Learning
3. QS World University Ranking
4. Times Higher Education Ranking

حزب کارگر جدید نیوزیلند اولین حزبی است که به سرعت طرح آموزش عالی رایگان را برای دانشجویان سال اول مقطع کارشناسی که در سال تحصیلی ۲۰۱۸ آغاز به تحصیل کرده‌اند، مطرح کرده است. این سیاست بارها به این دلیل توسط دولت ملی رد شده است که مالیات‌دهندگان را ملزم به تحمل بار سیاست دولت قبلی حزب کارگر مبنی بر اعطای وام‌های دانشجویی بدون بهره می‌کند که تحت نظارت دولت ملی ۱۷-۲۰۰۸ ادامه یافته است. در سپتامبر سال ۲۰۱۶، مطابق طرح کمیسیون بهره‌وری با عنوان «مدل‌های جدید آموزش عالی»^۱ توصیه شد که پرداخت بهره وام‌های دانشجویی دوباره برقرار شود. البته این توصیه به طور قطعی توسط دولت ملی رد شد. تحولات اخیر شامل راه‌اندازی وب‌سایت جدیدی به نام "Find My Path" است تا «به جوانان در زمینه کشف مسیرهای شایستگی و تعیین آنچه که باید برای دستیابی به اهداف شغلی خود مطالعه کنند، کمک می‌کند». سیاست مزبور با هدف تقویت ارتباط بین آموزش و بازار کار تدوین شده است. کشور نیوزیلند در دسامبر ۲۰۱۵، طرح جدید ویزای دانشجویی با نام Pathway Visa را به مدت ۱۸ ماه به صورت آزمایشی در مؤسسات منتخب ابتدایی، متوسطه و عالی اجرا کرده است. مهاجران با اخذ این ویزای دانشجویی می‌توانند به تحصیل در سه دوره تحصیلی متوالی در مؤسسات آموزشی منتخب بپردازند و ویزای آنها تا پنج سال اعتبار خواهد داشت. در حوزه آموزش فنی و حرفه‌ای، تعداد کارآموزان و تعداد افرادی که دوره تحصیلی خود را تکمیل می‌کنند، افزایش یافته است. علاوه بر این، نیوزیلند در زمینه آموزش بزرگسالان از رتبه بالایی در بین کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه برخوردار است.

۲- شمولیت اجتماعی

امتیاز ۹: لوکزآمبورگ، فروژ

۱-۲ لوکزآمبورگ

عملکرد اقتصادی قدرتمند لوکزآمبورگ در طی سه دهه گذشته باعث ترغیب دولت‌های زیادی شده است تا نسبت به ایجاد سیستم رفاهی ممتازی اقدام کنند که شامل طرح‌های بیمه‌ای با سقف قابل توجه، برنامه‌های کمک‌هزینه و ارائه خدمات عمومی هستند. اخیراً، بخش مراقبت‌های بهداشتی به طور قابل توجهی گسترش یافته است. مزایای بازنشستگی این کشور بالاتر از حد استانداردهای کشورهای اسکاندیناوی است. سیستم رفاهی از دهه ۱۹۷۰ تاکنون حتی در زمانی که کشورهای همسایه مجبور به کاهش هزینه‌های رفاه عمومی بوده‌اند، همواره به طور پیوسته گسترش یافته است. در سال‌های اخیر، نسبت شهروندان از کشورهای غیر اتحادیه اروپا به حدود ۱۰ درصد رسیده است و این نشان‌دهنده سهم نامتناسب افراد بیکار و دریافت‌کنندگان حداقل دستمزدها و رفاه است. لوکزآمبورگ باید ادغام مدنی و حرفه‌ای مهاجران و پناهندگان از کشورهای غیر اتحادیه اروپا را از طریق بهبود آموزش و پرورش چندزبانه در اوایل کودکی و مدرسه، تقویت مستمر زبان‌آموزی و تایید مهارت‌های فنی و حرفه‌ای اتباع خارجی بهبود بخشد. علیرغم حقوق تامین اجتماعی گسترده مردم کشور لوکزآمبورگ، ۲۱/۷ درصد از کودکان در لوکزآمبورگ زیر خط فقر زندگی می‌کنند (۶۰ درصد از درآمد متوسط). امتیاز شاخص جینی کشور (۳۱) بیانگر توزیع بسیار نابرابر درآمد در این کشور بوده و از این رو، اقدامات جدیدی باید علیه فقر و محرومیت اجتماعی صورت گیرد.

تقاضا برای مسکن همیشه بسیار بیشتر از میزان عرضه است. بنابراین، جای تعجب نیست که سالهاست قیمت‌ها به سرعت در حال افزایش هستند. تنها در سال گذشته متوسط قیمت مسکن در بخش خصوصی ۷/۷ درصد افزایش یافته است و طی یک دهه، اجاره‌ها به طور چشمگیری به میزان ۴۳ درصد افزایش یافته است. در نتیجه، دولت با اذعان به چالش پیش

روی خانوارها از ساخت حدود ۱۱۰۰۰ واحد مسکونی جدید تا سال ۲۰۲۵ پشتیبانی کرده است. با وجود این، مردم برای خرید خانه همچنان تلاش می‌کنند. در نتیجه، حجم وام‌های املاک و مستغلات ۲۹ درصد در سال ۲۰۱۶ افزایش یافته است که این امر به نوبه خود باید فشار مهاجرت به داخل را تقلیل داده و از رشد شدید جمعیت بکاهد. در سال ۲۰۱۶، بودجه ۴۷ پروژه مشتمل بر ساخت ۳۴۵ واحد مسکونی توسط وزارت مسکن تأمین شده است که ۶۰ درصد از این پروژه‌ها توسط شهرداری‌ها راه‌اندازی شده‌اند. از سال ۲۰۱۴، ۳۶۲ پروژه جدید جهت ساخت ۴۲۴۵ واحد مسکونی برای اقشار کم‌درآمد توسط دولت تصویب شده است که از این تعداد ۱۶۶۰ مورد برای فروش و ۲۵۸۵ مورد برای اجاره در نظر گرفته شده است. کمک‌هزینه جدید مسکن سرانجام در سال ۲۰۱۶ معرفی شد و در سال ۲۰۱۸ افزایش یافت. حدود ۳۵۰۰۰ خانوار کم‌درآمد مشمول دریافت کمک‌هزینه مسکن خواهند بود که ماهیانه حداکثر ۳۰۰ یورو یارانه به هر خانواده تعلق می‌گیرد. این کمک‌هزینه بیانگر اهمیت مسکن اجتماعی به‌ویژه جهت تأمین املاک استیجاری در حد استطاعت مالی افراد کم‌درآمد است. با این وجود، تأمین مسکن اجتماعی در این کشور پایین‌تر از میانگین اروپاست. برخی از شهرداری‌ها تصمیم گرفته‌اند برای خانه‌های خالی از سکنه مالیات خاصی اعمال کنند و بدین ترتیب، مالکان انگیزه‌ای برای خالی نگه داشتن فضاهای مسکونی ندارند و ترغیب می‌شوند املاک مسکونی خود را در معرض اجاره یا فروش قرار دهند. علاوه بر برنامه‌های داخلی، شرکت‌های مسکن‌سازی اجتماعی عمومی (صندوق ملی مسکن)، اتحادیه ملی مسکن‌سازی مقرون به صرفه^۲ (SNHBM) و سایر انجمن‌های اجتماعی) نیز فعالیت خود را افزایش داده‌اند. در راستای ممیزی وضع شده توسط مسئولان، صندوق ملی مسکن در سال ۲۰۱۷ با هدف تعیین معیارهای کنترل کیفی مؤثر اصلاح شده است. مطابق طرح اصلاح درآمد شمولیت اجتماعی^۳ (REVIS) ۲۰۱۷ از ادغام سیاست‌های اجتماعی و بازار کار با کمک‌های اجتماعی و فردی حمایت شده و انگیزه‌های مالی لازم برای این کار ایجاد شده است. علاوه بر این، اصلاح بیمه خدمات درمانی در سال ۲۰۱۸ به تقویت خصوصی‌سازی

1. National Housing Fund

2. National Union of Affordable Housing

3. Social Inclusion Income Reform

خدمات با استانداردهای مراقبتی سطوح ۱۵ و کنترل کیفیت کمک خواهد کرد.

۲-۲ نروژ

همانند سایر کشورهای اسکاندیناوی، نروژ نیز جامعه‌ای نسبتاً عادلانه است که از کمترین نرخ فقر در جهان برخوردار است. دولت نروژ مسئولیت حمایت از استاندارد زندگی گروه‌های محروم و آسیب‌پذیر را بر عهده گرفته است. در نتیجه، مخارج مربوط به سیاست‌های اجتماعی بسیار بالاتر از میانگین اتحادیه اروپاست. بیمه تأمین اجتماعی دولتی سقف بالایی از خدمات را تقریباً در همه مناطق ارائه می‌دهد. مخارج حمایت از خانواده بیش از ۳ درصد تولید ناخالص داخلی را در قالب کمک‌هزینه کودک، مرخصی با حقوق و مراقبت از کودک به خود اختصاص داده است. تعرفه بیمه‌های اجتماعی مربوط به ناتوانی شغلی (ناتوانی، بیماری و کمک‌هزینه آسیب شغلی) نیز از سقف بسیار بالایی برخوردار است. همزمان با این که جمعیت نروژ به طور فزاینده‌ای ناهمگن می‌شود، مباحث بیشتری در ارتباط با قوانین حاکم بر دسترسی به مزایای رفاهی، سطح چنین مزایا و اینکه آیا امکان تخصیص مزایا به سایر اتباع وجود دارد یا خیر، مطرح است. افزایش نرخ مهاجرت و بیکاری نیز به احتمال زیاد موجب افزایش نابرابری‌هایی می‌شود که اگرچه در یک دهه اخیر تا حدودی افزایش یافته است، اما در مقایسه با بسیاری از کشورهای اروپایی دیگر، ایالات متحده و چین هنوز پایین است.

۳- بهداشت

امتیاز ۸: کانادا، دانمارک، استونی، آلمان، لوکزامبورگ، نیوزیلند، کره

جنوبی، هلند

۱-۳ کانادا

همانند سیاست‌های آموزشی، مراقبت‌های بهداشتی اصولاً وظیفه هر ایالت محسوب

می‌شود. به‌طور کلی مردم کانادا از نظر سلامتی وضعیت مطلوبی دارند که این امر نشانگر بالا بودن امید به زندگی و رشد مداوم این شاخص است. بارزترین مشکل سیستم کانادا، دسترسی به موقع به مراقبت‌های بهداشتی است. در این کشور تعداد پزشکان متخصص و تخت‌های بیمارستانی به ازای هر ۱۰۰۰ نفر و همچنین تعداد دستگاه‌های ام آر آی و سی تی اسکن به ازای هر میلیون نفر بسیار پایین‌تر از میانگین کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه است. مطابق بررسی صورت گرفته توسط صندوق کشورهای مشترک‌المنافع^۱ در ارتباط با ۱۱ کشور با درآمد بالا، کانادا در زمینه ارائه خدمات به موقع پزشکی در رده آخر قرار دارد. مردم کانادا مرتباً برای برخورداری از مراقبت‌های پزشکی از جمله دسترسی به پزشکان خانواده، متخصصان و خدمات فوریت‌های پزشکی به مدت زیادی منتظر می‌مانند. بنا به گزارش موسسه اطلاعات بهداشت درمانی کانادا^۲ در سال ۲۰۱۷، با وجود تلاش برای کاهش زمان انتظار طی چند سال گذشته، ولی همچنان برای چک‌آپ‌های اختیاری یا مواردی که به میزان کمتری اضطراری هستند، زمان انتظار افزایش یافته است. با این حال در ارتباط با انجام اقدامات اضطراری‌تر، تعداد بیماران تحت مراقبت در چارچوب معیار پزشکی قابل قبول افزایش یافته است که البته در ایالت‌های مختلف تفاوت زیادی دارد. ناکارآمدی در سیستم باعث شده است که بیماران برای دریافت خدمات پزشکی به خارج از کشور سفر کنند و این خود افزایش تقاضا برای کلینیک‌های داخلی انتفاعی را در پی داشته است. در نتیجه، سوابق چشمگیر کانادا در زمینه برابری دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی در معرض خطر قرار گرفته است. مطابق گزارش ارائه شده توسط موسسه فریزر^۳ تخمین زده شده است که بیش از ۶۳۰۰۰ کانادایی در سال ۲۰۱۶ خدمات پزشکی غیر اضطراری را در خارج از کانادا دریافت کرده‌اند. از سوی دیگر، از آنجا که مراقبت‌های باکیفیت و کاملاً رایگان عملاً برای کل جمعیت فراهم است، کمبود درآمد به‌عنوان مانعی برای درمان در این کشور محسوب نمی‌شود. یکی از تأثیرات برابری در دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی، شکاف ناچیز در سلامت ادراک شده بین پنجک‌های درآمد بالا و پایین جامعه

1. Commonwealth Fund

2. Canadian Institute for Health Information

3. Fraser Institute

است. با این حال، از آنجا که مراقبت‌های دندانپزشکی، چشم‌پزشکی و داروهای تجویز شده برای استفاده در خارج از بیمارستان‌ها در پوشش بیمه عمومی لحاظ نشده‌اند، همه گروه‌های درآمدی به این نوع خدمات درمانی دسترسی یکسان ندارند و به بیان دقیق‌تر، افراد کم‌درآمد در این کشور به احتمال زیاد داروهای تجویز شده را تهیه نکرده و یا این که به دندانپزشکی مراجعه نمی‌کنند. بهره‌وری هزینه سیستم بهداشت کانادا چشمگیر نیست. اگرچه هزینه‌های بهداشت کانادا به‌عنوان سهمی از تولید ناخالص داخلی بسیار پایین‌تر از ایالات متحده است، ولی همچنان بالاتر از بسیاری از کشورهای اروپایی است. به طور کلی، سیستم مراقبت‌های بهداشتی کانادا در مقایسه با ایالات متحده عملکرد بهتری دارد، اما از کشورهای قابل مقایسه اروپایی (به‌عنوان مثال آلمان، انگلستان و هلند) عقب مانده است. مطابق گزارش صندوق کشورهای مشترک‌المنافع، کانادا در بررسی قیاسی سیستم مراقبت بهداشتی موجود در ۱۱ کشور در رتبه نهم قرار گرفته است.

۲-۳ دانمارک

اصول مراقبت‌های بهداشتی در دانمارک به شرح زیر است: مراقبت‌های بهداشت همگانی برای تمامی شهروندان صرف‌نظر از شرایط اقتصادی آن‌ها به صورت «رایگان» ارائه می‌شوند و شوراها منطقه‌ای منتخب مسئولیت اداره این بخش را بر عهده دارند. از آنجا که تأمین مالی از طریق مالیات به بودجه دولت بستگی دارد، مسئولان منطقه به مذاکرات صورت گرفته با وزارت دارایی در زمینه بودجه سالانه متکی هستند. اگرچه هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی در دانمارک زیاد است، ولی سازمان همکاری اقتصادی و توسعه عملکرد این کشور را «پایین‌تر از سطح میانگین» قلمداد می‌کند. در سال ۲۰۱۶، هزینه‌کرد دانمارک در حوزه بهداشت و درمان ۱۰/۴ درصد از تولید ناخالص داخلی (یازدهمین کشور برتر در زمینه هزینه‌کرد بهداشت و درمان در بین کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه) را دربر می‌گرفت که ۸/۷ درصد از آن شامل هزینه‌کرد دولتی بوده است (پنجمین کشور برتر در بین کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه). هزینه‌کرد دانمارک در حوزه مراقبت‌های بهداشتی روند صعودی داشته است که عمدتاً مبتنی بر تغییر سیاست از یک سیستم بالا به پایین به سمت سیستم تقاضامحور است. این تغییر در پاسخ

به نگرانی در مورد لیست‌های طولانی انتظار ایجاد شده است. به منظور رفع این مشکل، دولت تلاش کرده است «ضمانت زمانی»^۱ ارائه دهد؛ بدین معنا که اگر بیمارستان دولتی نتواند در بازه زمانی معین شده خدمات درمانی خود را ارائه دهد، بیماران می‌توانند به بخش خصوصی مراجعه کنند. بر اساس اصلاحات ساختاری در سال ۲۰۰۷، مسئولیت بیمارستان‌ها و مراقبت‌های بهداشتی از شهرهای قدیمی به مناطق جدید انتقال داده شده است. با این حال، بودجه مراقبت‌های بهداشتی از طریق مالیات خاص تأمین می‌شود که بخشی از نرخ کل مالیات است و در حوزه اختیارات مناطق نیست. این ساختار حکمرانی با ایجاد موانع، مناطق را در تحقق اهداف تدوین شده برای سیستم مراقبت‌های بهداشتی با مشکل مواجه کرده است. امید به زندگی در دانمارک در سال ۲۰۱۶ برابر با ۸۰٫۸ سال بوده است که کمی بالاتر از میانگین کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و پایین‌تر از سطح استاندارد در کشورهای مشابه است. امید به زندگی در این کشور روندی صعودی دارد. در سال‌های اخیر کاهش چشمگیری در مصرف سیگار در دانمارک مشاهده شده است، اما میزان چاقی افزایش یافته است. شیب اجتماعی در بخش بهداشت همچنان رو به افزایش است.

اخیراً مباحث زیادی در مورد کیفیت بیمارستان‌های دانمارک مطرح است. تأمین بودجه مراقبت‌های بهداشتی تحت فشار ناشی از افزایش قیمت دارو قرار گرفته است. طرح دولت بر ضرورت تسریع روند تشخیص و معالجه و همچنین تلاش‌های ویژه برای بیماران سالمند تأکید می‌کند. از آنجا که دانمارک در زمینه درمان سرطان از سایر کشورهای همسایه عقب مانده است، دولت به دنبال طرح‌ریزی راهبردی جدید در خصوص این بیماری است. دولت فعلی نسبت به بخش مراقبت‌های بهداشتی خوش‌بین است و ادعا می‌کند که از ابتدای این دهه، روزانه یک پزشک اضافی و یک پرستار اضافی مشغول به کار شده‌اند و مدت زمان انتظار به نصف تقلیل یافته است.

۳-۳ استونی

استونی از نظر کیفیت مراقبت‌های بهداشتی به‌عنوان نمونه بارز کشورهایی است که

با وجود منابع محدود دارای دستاوردهای چشمگیری است. مطابق نظرسنجی‌های منظم افکار عمومی که توسط صندوق بیمه درمانی ملی^۱ انجام شده‌اند، بیشتر مراجعہ‌کنندگان از کیفیت خدمات درمانی رضایت دارند (۶۸ درصد). رضایت از دسترسی به خدمات به میزان قابل توجهی پایین (۳۸ درصد) بوده و از سال ۲۰۱۲ به کندی اما به طور مداوم در حال کاهش است. استونی دارای سیستم درمانی مبتنی بر بیمه‌های اجتماعی است که شامل برخی ویژگی‌های غیر بیسمارکی^۲ مانند پزشکان عمومی است. مطابق اصل بیمه، دسترسی به خدمات درمانی منوط به وضعیت بیمه- و نه ماهیت همگانی بودن آن- است. افراد در رده سنی کار که شاغل یا محصل نیستند، مشمول بیمه درمانی ملی نمی‌شوند. در نتیجه، حدود ۷ درصد از کل جمعیت دسترسی رایگان به مراقبت‌های بهداشتی ندارند و در پوشش بیمه ۷ درصد دیگر به دلیل قراردادهای کاری غیر منظم وقفه ایجاد شده است. بیمه درمانی خصوصی تکمیلی (مدی گپ^۳) به دستور کار دولت اضافه شده است و انتظار می‌رود که در سال ۲۰۱۸ بیشتر به آن پرداخته شود. زمان انتظار طولانی برای ویزیت شدن توسط متخصصان یا دریافت خدمات درمانی بیماران بستری از مشکلات اساسی دیگر است که عمدتاً از عوامل ساختاری مانند محدودیت‌های بودجه‌ای و گرایش به مراقبت حاد/ بیمارستانی نشأت می‌گیرد. بالا رفتن سن پرسنل پزشکی و کمبود پرستاران نیز مشکلات متعددی را دربردارد. با این حال، مهم‌ترین مشکل اجتماعی شامل نابرابری در بین گروه‌های درآمدی از نظر نیازهای سلامتی^۳ رفع نشده و وضعیت سلامتی ادراک شده توسط فرد است. استونی در این زمینه در پایین‌ترین رده در بین کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه قرار دارد.

۳-۴ آلمان

سیستم مراقبت‌های بهداشتی آلمان از کیفیت بالایی برخوردار بوده و تقریباً همه شهروندان از خدمات درمانی فراگیر بهره‌مند هستند. بیشتر کارمندان در سیستم‌های بیمه

1. National Health Insurance Fund
 2. nonBismarckian features
 3. Supplementary private health insurance (medigaps)

درمانی عمومی مشمول بیمه هستند، در حالی که کارمندان دولت، افراد با مشاغل آزاد و دارای درآمد بالا و برخی گروه‌های دیگر بیمه خصوصی دارند. این مساله همزمان با افزایش هزینه‌ها در این کشور به چالش کشیده می‌شود. اخیراً، ثبات مالی کوتاه‌مدت سیستم مراقبت‌های بهداشتی به دلیل مشارکت‌های بیشتر ناشی از رونق اشتغال بهتر از حد انتظار بوده است. با این وجود، همزمان با افزایش جمعیت سالخورده و هزینه‌ها در سیستم مراقبت‌های بهداشتی، ثبات مالی بلندمدت به چالش کشیده می‌شود. آلمان از نظر هزینه کرد مراقبت‌های بهداشتی به‌عنوان بخشی از تولید ناخالص داخلی، سومین کشور برتر در جهان بوده و بالاتر از میانگین کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه است (۱۱/۳ درصد تولید ناخالص داخلی در مقایسه با ۹ درصد تولید ناخالص داخلی به طور متوسط برای کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه). ائتلاف بزرگ در قرارداد ائتلافی خود در خصوص اقدامات اصلاحی مختلف طی سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ در خصوص افزایش کیفیت مراقبت‌های بهداشتی، تعریف مجدد برخی از جزئیات مالی و سازماندهی مجدد ثبت نام پزشکان در بخش خصوصی و توزیع بیمارستان‌ها مذاکره کرده است. با این حال، دولت تنها تغییرات جزئی را اعمال کرده است که به‌عنوان نمونه می‌توان به قانون تقویت خودنظارتی در مراقبت‌های بهداشتی^۱ اشاره کرد. مطابق این قانون، وزارت بهداشت فدرال قصد دارد تا در انجمن ملی پزشکان بیمه سلامت قانونی^۲ که به فعالیت‌های مالی مجرمانه مشغول بوده‌اند، نفوذ بیشتری پیدا کند. این قانون توسط پارلمان آلمان در ۲۷ ژانویه ۲۰۱۷ تصویب شده است. با این حال، گروه‌های لابی‌گری در کاهش کنترل دولت بر انجمن‌های پزشکان و سایر گروه‌های ذینفع عملکرد موفقی داشته‌اند. سایر سیاست‌های مهم شامل کاهش نرخ سهم از ۱۵/۵ درصد به ۱۴/۶ درصد از دستمزدهای ناخالص و تأیید نرخ سهم ثابت برای کارفرمایان به میزان ۷/۳ درصد بوده است. سهم کارمندان به میزان ۷/۳ درصد از دستمزدهای ناخالص بوده که برابر با سهم کارفرمایان است. سهم اضافی از کارمندان که قبلاً به صورت یکجا پرداخت می‌شد، اکنون به‌عنوان درصدی از درآمد قابل ارزیابی آن‌ها محاسبه می‌شود و میزان آن بین شرکت‌های بیمه متفاوت است

1. Law of Strengthening Selfadministration in Health Care ("Selbstverwaltungsstärkungsgesetz")

2. National Association of Statutory Health Insurance Physicians

(میانگین حق بیمه در حال حاضر ۱/۱ درصد است) که عنصر رقابت را مجددا معرفی می‌کند. علاوه بر این، یارانه فدرال برای صندوق ملی مراقبت‌های بهداشتی با افزایش ۰/۵ میلیارد یورویی به ۱۴/۵ میلیارد یورو رسیده است. در سال ۲۰۱۵، نرخ سهم بیمه خدمات درمانی بلندمدت ۰/۳ درصد و در سال ۲۰۱۷ نیز ۰/۲ درصد دیگر افزایش یافته است و از این رو، ۵ میلیارد یورو مازاد برای بهبود خدمات درمانی بلندمدت لحاظ شده است. بخشی از درآمد اضافی به‌عنوان ذخیره وجوه احتیاطی^۱ برای تثبیت نرخ سهم آتی در نظر گرفته می‌شود. همچنین، به خانواده‌هایی که مایل به ارائه مراقبت در منزل هستند، کمک بیشتری می‌شود. دو سیاست مهم دیگر عبارتند از: قانون ساختارهای بیمارستان^۲ و قانون مبنی بر بهبود مراقبت‌های بلندمدت^۳. قانون ساختارهای بیمارستان با هدف بهبود کیفیت مراقبت‌های بیمارستانی و افزایش بودجه موجود برای بیمارستان‌ها از ژانویه ۲۰۱۶ اجرا شده است. در خصوص مراقبت بلندمدت، سیستم جدیدی برای ارزیابی نیازها و الزامات موجود معرفی شده است. در سیستم جدید، زمان لازم برای دریافت مراقبت‌های پرستاری دیگر محاسبه نمی‌شود، بلکه میزان محدودیت‌های فرد جهت اتکای به خود^۴ مورد ارزیابی قرار می‌گیرد که انواع محدودیت‌ها نظیر ناتوانی در سلامت جسمی و ذهنی و ادراک را در برمی‌گیرند.

دولت همچنین قانون سلامت الکترونیک^۵ را معرفی کرده است که شامل معرفی کارت سلامت الکترونیک برای بهبود ارتباطات اینترنتی در سیستم مراقبت‌های بهداشتی است. با وجود اهداف بلندپروازانه دولت در ایجاد سیستم بهداشتی با کیفیت، ولی فشار وارده بر هزینه‌کرد را به اندازه کافی محدود نکرده است. به‌ویژه این که دولت در مورد ایجاد فضای رقابتی‌تر در سیستم (برای مثال در خصوص داروخانه‌ها) مردد است. زمانی که دادگاه علیه قیمت‌های ثابت برای داروهای تجویز شده واکنش نشان داد، وزیر بهداشت سریعاً ممنوعیت داروهای سفارشی توسط پست را اعلام کرد.

1. precautionary fund

2. Hospital Structures Act

3. An Act to Strengthen Long-term Care ("Pflegestärkungsgesetze II und III")

4. self-reliance restrictions

5. E-Health Act

۳-۵ لوکزامبورگ

بیمارستان‌های مجهز لوکزامبورگ خدمات گسترده‌ای از جمله درمان‌های پیشرفته و گران‌قیمت را ارائه می‌دهند. لیست‌های انتظار جز در مواردی از خدمات که از تقاضای بالایی برخوردارند (مانند اسکن‌های ام آر آی) به ندرت دیده می‌شوند. با این وجود، لوکزامبورگ در بین کشورهای اتحادیه اروپا همچنان از بیشترین سهم انتقال بیماران به سایر کشورها برای معالجه برخوردار است. با توجه به کوچک بودن کشور و نبود بیمارستان آموزشی، ارائه کلیه معالجات پزشکی امکان‌پذیر نیست. با توجه به این که خدمات درمانی در خارج از کشور ارزان‌تر هستند، اعزام ضروری بیماران به کشورهای همسایه تبعات مثبتی به همراه دارد، زیرا از نظر اقتصادی برای بیمه خدمات درمانی مقرون‌به‌صرفه‌تر خواهد بود. از معایب سیستم لوکزامبورگ می‌توان به نبود بیمارستان آموزشی و ماهیت خصوصی قراردادهای پزشکان و مسئولیت‌های درمانی اشاره کرد. اکثر پزشکان عمومی و متخصصان با بیمارستان‌های خصوصی قرارداد دارند و فقط مسئولیت تعداد معینی از بیماران را بر عهده می‌گیرند و در نتیجه مانع هر نوع گزینه درمان گروهی یا جمعی می‌شوند.

بنابراین، برخی بیمارستان‌ها به گونه‌ای ساختار خود را تغییر داده‌اند که مطب پزشکان را در خود جای داده‌اند تا پزشکان بتوانند بدون تغییر وضعیت خود به‌عنوان پزشک مستقل فعالیت کنند. با این حال، با هزینه کرد ۷۴۶۳ دلاری به ازای هر نفر در سال، سیستم مراقبت‌های بهداشتی لوکزامبورگ (بعد از ایالات متحده و سوئیس) سومین سیستم گران‌قیمت در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه است. هزینه گزاف سیستم مراقبت‌های بهداشتی از دستمزد بالا، نسبت بالای تجهیزات پزشکی به ساکنان و نرخ پایین جایگزینی عمومی در این کشور نشأت می‌گیرد. به‌علاوه، لوکزامبورگ با توجه به مخارج واقعی پرداختی پایین برای داروی بیماران (۱۳ درصد در سال ۲۰۱۵) دومین کشور برتر پس از آلمان از نظر طرح اجباری و دولتی بیمه محسوب می‌شود. با این وجود در بین کشورهای اتحادیه اروپا، امید به زندگی در لوکزامبورگ (۱ سال) و سوئد (۰/۶ سال) به کمترین میزان در بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۶ افزایش یافته است. جمعیت زیاد اتباع خارجی (۴۷ درصد)، تأثیرات زیست‌محیطی مستمر صنعت فلزات سنگین و مصرف زیاد الکل از جمله دلایل

احتمالی افزایش جزئی امید به زندگی در این کشورها به شمار می‌آیند.

۳-۶ نیوزیلند

ادغام بیمارستان‌های منطقه‌ای و سازمان‌های مراقبت اولیه و استفاده روزافزون از ارزیابی مقایسه‌ای و الگوگیری^۱ و همچنین تمرکززدایی از جمله اصلاحات صورت گرفته در بخش بهداشت از سال ۲۰۰۹ به شمار می‌آیند. اگرچه خدمات درمانی عمومی و خصوصی در این کشور ارائه می‌شود، اما امکان دسترسی به بیمارستان‌های عمومی به طور رایگان برای همه ساکنان وجود دارد. به طور کلی، مراقبت‌های بهداشتی در عین باکیفیت بودن، مقرون به صرفه بوده و از مدیریت نسبتاً کارآمدی برخوردار هستند. البته نگرانی در مورد افزایش هزینه‌ها و عدم افزایش بهره‌وری منجر به انتصاب گروه بررسی وزیران و انجمن ملی بهداشت در سال ۲۰۰۹ شده است که وظیفه بهبود هماهنگی بین وزارت بهداشت و انجمن‌های منطقه‌ای بهداشت و درمان و ارائه توصیه‌های لازم در خصوص تخصیص بودجه را بر عهده دارند. سازمان همکاری اقتصادی و توسعه خاطر نشان می‌کند که بزرگ‌ترین فشار پیش‌بینی شده در درآمدت مربوط به هزینه‌های عمومی در بخش مراقبت‌های بهداشتی است که انتظار می‌رود در نتیجه سالخوردگی جمعیت و افزایش خدمات درمانی جدید و پرهزینه از ۶/۲ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۵ به ۹/۷ درصد از تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۶۰ افزایش یابد. تفاوت موجود در وضعیت سلامتی افراد بومی و غیربومی به ویژه در خصوص بیماری‌های مرتبط با استعمال سیگار و چاقی کاهش یافته است. اختلاف موجود در زمینه امید به زندگی نیز کاهش یافته است، اما همچنان بایستی اقدامات بیشتری مانند تغییر در رفتار و سبک زندگی صورت گیرد. طبق گزارش سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، نگرانی‌های مربوط به نابرابری‌های بهداشتی همچنان به قوت خود باقی است.

۳-۷ کره جنوبی

سیستم مراقبت‌های بهداشتی کره جنوبی با توجه به پوشش همگانی و بالاترین میزان امید به زندگی در جهان شناخته شده است. به علاوه، این کشور از جمله کشورهایی است

که از پایین‌ترین سطح هزینه‌کرد کلی بهداشت و سلامت در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه برخوردار است. رئیس‌جمهور این کشور - مون^۱ - از طرح جدید مراقبت‌های بهداشتی به نام «مون‌کیر» خبر داده و اعلام کرده است دولت ۳۰/۶ تریلیون وون (۸ میلیارد دلار) برای تأمین هزینه انواع درمان‌های پزشکی ظرف ۵ سال آینده پرداخت خواهد کرد. دولت در آینده، بیمه پزشکی انواع درمان‌ها را به استثنای عمل جراحی پلاستیک و زیبایی تحت پوشش قرار خواهد داد. علاوه بر این، اقدامات جدیدی اجرا خواهد شد که برای خانواده‌هایی که هزینه مراقبت بهداشتی نجومی دارند، به‌عنوان شبکه ایمنی عمل خواهند کرد. هدف دولت، ایجاد شبکه ایمنی پزشکی است که در مواقع اضطراری، مراقبت‌های لازم را از هیچ بیماری دریغ نمی‌کند. بنابراین، دولت مون پیشنهاد داده است که با گسترش پوشش بیمه خود بتواند علاوه بر چهار بیماری اصلی یعنی سرطان، اختلالات قلبی، بیماری‌های مغزی و بیماری‌های نادر و لاعلاج، سایر بیماری‌ها از جمله آلزایمر را نیز مشمول بیمه قرار دهد. طبق سیاست مراقبت‌های بهداشتی که اخیراً پیشنهاد شده است، بیماران متعلق به گروه‌های درآمدی پایین می‌توانند از پوشش پزشکی تا سقف ۲۰ میلیون وون بهره‌مند شوند.

۳-۸ هلند

سیستم مراقبت‌های بهداشتی ترکیبی هلند همچنان مورد بحث بوده و با مشکل کاهش اعتماد بیماران مواجه است. این سیستم که در آن چند شرکت بزرگ بیمه درمانی وظیفه کنترل هزینه از طرف بیماران (و دولت) را بر عهده دارند، تبدیل به باتلاق بوروکراتیک شده است. روان‌درمان‌گران، پزشکان خانواده و سایر کارکنان مراقبت‌های بهداشتی علیه مقررات بیش از حد بوروکراتیک که موجب کاهش زمان موجود برای انجام وظایف اصلی می‌شوند، اعتراض کرده‌اند. همزمان با افزایش هزینه‌های اجباری بدون پوشش بیمه به مبلغ ۳۷۵ یورو (که شامل بیماری‌های مزمن نیز می‌شود)، بیماران خواستار شفافیت بیشتر در صورت حساب‌های بیمارستان شده‌اند. این مبالغ بر اساس میانگین هزینه‌های هر درمان تعیین

می‌شوند. بدین ترتیب، به علت هزینه‌های گزاف درمان‌های استاندارد، یارانه به درمان‌های پرهزینه‌تر تخصیص داده می‌شود. نرخ عدم پرداخت حق بیمه خدمات درمانی به شرکت‌های بیمه و صورت حساب‌های بیمارستان‌ها و پزشکان به سرعت در حال افزایش است. این بدان معناست که بهره‌وری هزینه سیستم تحت نظارت جدی سیاسی قرار می‌گیرد. مطابق سیستم جدید صورت حساب‌های بهداشتی^۱، کشور هلند از نظر بهره‌وری هزینه ۱۵/۴ درصد از تولید ناخالص داخلی را به مراقبت‌های بهداشتی اختصاص می‌دهد که به عبارتی مبلغ ۵۵۳۵ یورو به ازای سرانه در این خصوص هزینه می‌شود. گزارش سازمان بهداشت جهانی در زمینه بهداشت اروپا در سال ۲۰۱۵^۲ نشان می‌دهد که هلند در بین کشورهای اروپایی بالاترین هزینه را به بخش مراقبت‌های بهداشتی اختصاص داده و در واقع، ۱۲/۴ درصد از تولید ناخالص داخلی را صرف این حوزه می‌کند. این امر عمدتاً مربوط به هزینه‌های نسبی مراقبت‌های بلندمدت است که از نگرانی عمده سیاست‌گذاران نیز به شمار می‌آید. از طرف دیگر، هزینه‌های مراقبت در سال ۲۰۱۲ برابر با ۳/۷ درصد افزایش یافته است که نسبت به دهه گذشته رشد کمتری داشته است، اما نسبت به سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۰ رشد بیشتری داشته است. علاوه بر این، تعداد شاغلان حوزه مراقبت‌های بهداشتی نیز نسبت به سال‌های گذشته کمتر بوده است. بهره‌وری نیروی کار در حوزه مراقبت‌های بهداشتی سالانه ۰/۶ درصد افزایش یافته است و سود حاصل از آن تقریباً به طور کامل در زمینه مراقبت‌های بیمارستانی هزینه شده است. سود پزشکان عمومی، دندانپزشکان و متخصصان در بخش‌های خصوصی بسیار بیشتر از سود حاصل از تجارت در بخش‌های غیرپزشکی افزایش یافته است. همزمان با افزایش هزینه‌های اجباری بدون پوشش بیمه، بخشی از هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی به بیماران بازگردانده می‌شود. شفاف‌سازی بیشتر در مراکز مراقبت‌های بهداشتی (به‌عنوان مثال، رتبه‌بندی بر اساس نرخ مرگ و میر و میزان موفقیت در معالجات خاص در هر بیمارستان) یکی از راه‌های افزایش آگاهی در مورد هزینه بیماران محسوب می‌شود. در سیستم مراقبت‌های بهداشتی همواره خدمات رضایت‌بخشی به لحاظ کیفیت و همه‌شمولی ارائه می‌شود. با این حال، سیستم مراقبت‌های بهداشتی هلند در هیچ یک از شاخص‌های

1. new System of Health Accounts

2. WHO's Europe Health Report 2015

قابل اندازه‌گیری سلامت به بالاترین امتیاز دست نیافته است. میانگین امید به زندگی (۷۹,۱) سال برای مردان و ۸۲,۸ برای زنان) و خودارزیابی وضعیت سلامت همچنان ثابت باقی مانده است. رضایت بیماران به‌ویژه میان بیماران مسن و بیماران با تحصیلات پایین زیاد است (امتیاز آن به طور متوسط در یک مقیاس ۱۰ امتیازی بین ۷,۷ تا ۷,۹ است). با این حال، نگرانی روزافزون عموم مردم و بازرسان بهداشت در ارتباط با ایمنی بیمار در بیمارستان‌ها مشهود است. همچنین از سال ۲۰۱۳، لیست‌های انتظار طولانی برای مراقبت‌های تخصصی از دغدغه‌های عمده به شمار می‌آید. این مشکل به‌ویژه برای موقعیت‌های وابسته به سن و همچنین به طور چشمگیری برای برخی از مناطق کشور که با مشکل کاهش جمعیت و سالخوردگی جمعیت روبرو هستند، در سال ۲۰۱۷ شدت یافته است. رفع مشکلات موجود از جمله کمبود متخصص، توزیع ناکافی منطقه‌ای، عدم هماهنگی بین ارائه‌دهندگان مراقبت‌های بهداشتی و بیمه‌گزاران و لیست‌های انتظار طولانی و مدیریت نشده مستلزم تلاش منسجم همه احزاب در این کشور است. سطح همه‌شمولی در ارتباط با مراقبت‌های بهداشتی طولانی‌مدت برای سالمندان بسیار بالاست. اما با این حال، نابرابری‌های چشمگیری وجود دارد که سیستم مراقبت‌های بهداشتی قادر به رفع آن‌ها نیست. تعداد داروهای تجویز شده برای گروه‌های پردرآمد بسیار کمتر از گروه‌های کم‌درآمد است. در حال حاضر تفاوت موجود بین افراد با سطح درآمد بالا و پایین از نظر تعداد سال‌های زندگی سالم برابر با ۱۸ سال است. تحقیقات اخیر همچنین تفاوت‌های منطقه‌ای زیادی را در مورد نرخ بیماری‌های مزمن و حاد نشان داده‌اند. در نتیجه، شکاف‌های موجود از نظر ترکیب سنی و تحصیلات تنها گوشه‌ای از این تفاوت‌ها را روشن خواهد کرد.

۴- خانواده‌ها

۱۰: استونی، فرانسه، سوئد

۴-۱ استونی

در استونی از زمان اتحاد جماهیر شوروی که مادران معمولاً به صورت تمام وقت کار می‌کردند، هم پدر و هم مادر همواره نان‌آور خانواده بوده‌اند. با وجود تحولات عظیم اجتماعی، نرخ بالای اشتغال زنان در استونی نشان می‌دهد که این الگوی خانوادگی همچنان برقرار است. به دلیل پایین بودن نرخ زاد و ولد در کشور و نیازهای بازار کار، سیاست خانواده همیشه در راس دستور کار سیاسی این کشور قرار داشته است. استونی یکی از کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه است که بیشترین مزایا را به والدین اختصاص می‌دهد و در واقع مزایایی که به والدین تعلق می‌گیرد برابر با حقوق ۴۳۵ روز است. نظام مزایای والدین که از سال ۲۰۰۴ اعمال شده است، نظامی سخت بوده و تأثیر منفی بر مشارکت زنان در بازار کار داشته و به همین دلیل هم مخالفت‌های زیادی با آن شده است. در بهار سال ۲۰۱۷، دولت قانون مرخصی والدین را با سه هدف مورد تجدید نظر قرار داده است که این سه هدف عبارتند از: ۱) افزایش حداکثر مرخصی با حقوق والدین، ۲) افزایش انعطاف‌پذیری (دوره‌ای که والدین می‌توانند از ۴۳۵ روز مرخصی استفاده کنند تا سه سال تمدید شد) و ۳) ترغیب اشتغال در دوران مرخصی والدین (دستمزد ماهیانه والدین بدون از دست رفتن مزایای والدین از ۴۷۰ یورو به ۱,۵۴۴ یورو افزایش یافت).

۴-۲ فرانسه

در فرانسه از دیرباز خانواده‌ها مورد حمایت قرار داشته‌اند و این سنت به دهه ۱۹۳۰ باز می‌گردد. مجموعه سیاست‌های جامعی که از آن زمان به بعد توسعه یافته است باعث گردیده است که خدمات مراقبت از کودک، حمایت مالی، مرخصی والدین و سیاست‌های مالی سخاوتمندانه در این کشور عملکرد موفقی داشته باشند (مالیات بر درآمد به هر فرد به صورت مجزا تعلق نمی‌گیرد بلکه به کل خانواده تعلق می‌گیرد و درآمد کل خانواده به

تعداد افراد آن خانواده تقسیم می‌شود). علاوه بر این، خانواده‌هایی که از خدمات مراقبت از کودک در خانه استفاده می‌کنند از تخفیف هزینه‌های اجتماعی مربوطه بهره‌مند می‌گردند. این سیاست‌ها مؤثر و کارآمد بوده‌اند. فرانسه علاوه بر اینکه از یکی از بالاترین نرخ زاد و ولد در اروپا برخوردار است (علی‌رغم افت ناچیز نرخ زاد و ولد در سال ۲۰۱۶)، درصد مشارکت زنان در بازار کار آن نیز مشابه درصد مشارکت زنان در بازار کار کشورهای اروپایی پیشرو (کشورهای اسکاندیناوی) است. با این حال، دولت اولاند^۱ که به کاهش کسری بودجه نیاز داشت، «اصل جهانی شدن» دولت مرفه فرانسه (یعنی مزایای اجتماعی برای همه به نسبت تعداد فرزندان هر خانواده، بدون در نظر گرفتن درآمد و ثروت) را زیر پا گذاشته است و کمک هزینه کودکان را بر حسب سقف درآمد خانواده‌ها کاهش داده است. این اقدام بسیار بحث‌برانگیز، رویکردی واقع بینانه‌تر نسبت به سیاست‌گذاری ایجاد کرده است و فراتر از اصول قانونی و فرمالیستی است که از جنگ جهانی دوم به بعد در این کشور غالب بوده‌اند.

۳-۴ سوئد

سوئد طی ۵۰ سال گذشته از نظر سیاسی و اقتصادی به سیاست خانواده پایبند بوده است. از مهمترین ویژگی‌های سیاست سوئد تفکیک درآمد زوجها و مالیات فردی، ازدیاد مهد کودک‌های دولتی و خصوصی و اجرای برنامه مرخصی والدین، امور سخاوتمندانه‌ای است که هم به مادران و هم پدران تعلق می‌گیرد و همین امر باعث شده است که داشتن فرزند در این کشور با شاغل بودن والدین منافاتی نداشته باشد. انتظار می‌رود که برنامه مرخصی والدین بیشتر گسترش یابد و یک ماه دیگر به مرخصی پدران اضافه شود (به اصطلاح «ماه بابا»^۲) تا بدین ترتیب پدران ترغیب شوند که وقت بیشتری را برای مراقبت از فرزندان بگذرانند. تفاوت اساسی بین حزب سوسیال دموکرات و حزب سبز دولت و احزاب اتحاد غیر سوسیالیستی در این است که احزاب سبز و سوسیال دموکراتیک بر برابری

۱. سیاستمدار و رئیس‌جمهور سابق فرانسه، Hollande

2. principle of universality

3. Daddy month

جنسیتی تأکید می‌کنند، در حالیکه احزاب اتحاد غیر سوسیالیستی بر آزادی انتخاب تأکید دارند. با این حال، وجه مشترک این احزاب این است که به اهداف مهم سیاست خانواده کاملاً پایبند هستند و آن را بخشی جدایی‌ناپذیر از برابری جنسیتی می‌دانند.

۵- مستمری

۱۰: سوئیس

نظام بازنشستگی سوئیس بر سه رکن استوار است که هر کدام از این ارکان منطق خاص خود را در ارتباط با تأمین مالی و بازتوزیع دارند. در سوئیس مفهوم اصلی این است که مستمری نباید پایین‌تر از سطح معیشت باشد و باید ۶۰ درصد از میانگین حقوق پیش از بازنشستگی را دربرگیرد. در رکن اول حقوق پایه تضمین می‌شود. حداقل سطح مزایای یک زوج تا سال ۲۰۱۵ برابر با ۲۸۲۰۰ فرانک سوئیس (حدود ۲۴۵۰۰ یورو) در سال بوده است و حداکثر مزایا برابر با ۴۲۳۰۰ فرانک سوئیس (حدود ۳۶۸۰۰ یورو) بوده است. کارفرمایان و کارمندان این مزایا را به صورت مشارکتی پرداخت می‌کردند. در این نظام، مالیاتی که دولت در هر سال برای نظام تأمین اجتماعی دریافت می‌کند، همان سال به بازنشستگان پرداخت می‌شود. بدین ترتیب دولت وجوهی را از این بابت جمع‌آوری نمی‌کند، زیرا حداکثر میزان مزایای یک زوج (برای افراد با درآمد بالا) فقط ۱٫۵ برابر حداقل میزان مزایاست و مشارکت متناسب با درآمد است.

رکن دوم شامل یک سیستم بودجه‌ای است که از طریق کمک‌های کارفرمایان و کارمندان تأمین می‌شود. کمک‌ها و مزایای ارائه شده متناسب با درآمد است. این سیستم به کارمندانی تعلق نمی‌گیرد که درآمد آن‌ها از رکن اول حدود ۶۰ درصد از دستمزد آن‌ها را شامل می‌شود. بسیاری از برنامه‌های بازنشستگی، به‌ویژه در بخش دولتی، بسیار سخاوتمندانه هستند و حقوق بازنشستگی (مجموع ارکان اول و دوم) بیش از ۶۰ درصد حقوق قبل از بازنشستگی است.

رکن سوم شامل پس‌اندازهای کسر مالیات شخصی تا سقف ۶۷۶۸ فرانک سوئیس در سال (حدود ۵۹۰۰ یورو) است. این سیستم به نفع گروه‌های پردرآمد است که استطاعت

مالی دارند تا این مبالغ را کنار بگذارند و با توجه به مزیت‌های مالیاتی، بیشترین بهره‌وری را از این پس‌انداز داشته باشند.

تغییرات جمعیتی در طول زمان به عنوان بزرگترین چالش رکن اول به شمار می‌آید. اگر تولید ناخالص داخلی یا نرخ رشد بهره‌وری تغییر اساسی نکنند، پایداری این رکن کاهش می‌یابد. این مساله در صورتی اتفاق نمی‌افتد که میانگین سن بازنشستگی (که در حال حاضر ۶۵ سال برای آقایان و ۶۴ سال برای خانم‌هاست) افزایش یابد و یا این که سطح مزایا کاهش یابد. با این حال، با توجه به این که در سوئیس پایه نظام بازنشستگی مستحکمی دایر است، این کشور نسبت به بسیاری از کشورهای اروپایی دیگر راحت‌تر می‌تواند با تغییرات جمعیتی سازگار شود. سوئیس نسبت به مدرن‌سازی نظام خود در همان مراحل نسبتاً اولیه اقدام کرده است. همانند بسیاری از پروژه‌های اصلاحی دیگر در این زمینه که طی ۲۰ سال گذشته شکست خورده‌اند، طرح بلندپروازانه اصلاحات دولت نیز در رای‌گیری صورت گرفته در سپتامبر سال ۲۰۱۷ شکست خورد. در زمان نگارش این مطلب، دولت در تلاش بود تا اکثریت رای لازم برای پروژه اصلاحات جدیدی که احتمالاً کمتر جاه‌طلبانه و جامع است را به دست آورد. در این راستا، باید درس‌هایی را از فراندوم بازنشستگی قبلی بیاموزد: اکثریت با کاهش قابل توجه حقوق موافق نیستند، به‌ویژه با توجه به اینکه سن بازنشستگی افزایش یافته است. همچنین، اگر افزایش سخاوتمندی نظام بازنشستگی باعث شود پایداری مالی نظام در معرض خطر قرار گیرد، اکثریت با آن موافق نیستند. در نتیجه، اصلاحاتی موفق است و رای اکثریت را به دست می‌آورد که مؤلفه‌های مختلفی داشته باشند و ضررها و زیان‌ها را جبران نمایند. با این حال، جبران زیان‌ها باید با دقت محاسبه شوند. نظام بازنشستگی برای پیشگیری از فقر بسیار کارآمد است. هر شهروندی که حداقل حقوق بازنشستگی تعیین شده در رکن اول به وی تعلق نگیرد می‌تواند درخواست مطالبات بیشتری کند. چون نظام بازنشستگی این کشور بر سه رکن استوار است و فقط رکن اول مبتنی بر حقوق بین نسلی است، به طور کلی میزان برابری بین نسلی در این نظام بازنشستگی بالاست. پایداری مالی در طی زمان مشکلی بالقوه خواهد بود، البته پایداری مالی سوئیس نسبت به کشورهای دیگری مانند آلمان قوی‌تر است.

۶- ادغام

۹: کانادا، نیوزیلند

۶-۱ کانادا

به دلیل پذیرش حدود ۲۵۰۰۰۰ مهاجر در سال، کانادا بالاترین نسبت سالانه تعداد مهاجران به جمعیت در جهان را داراست. سیاست‌های فرهنگی، آموزشی و اجتماعی از جمله دوره‌های آموزش زبان و دوره‌های آموزشی آشنایی با محیط باعث شده است که مهاجران بتوانند به راحتی در جمعیت کانادا ادغام شوند. کانادا به‌منظور ترویج ادغام به مهاجران اجازه می‌دهد تا بعد از سه سال اقامت به شهروند کانادا تبدیل شوند. این دوره یکی از کوتاهترین دوره‌های شهروندشدن در جهان است. همچنین امکان برخورداری از تحصیلات عالی برای مهاجران کانادا باعث تسهیل روند ادغام در این کشور شده است؛ مهاجران کانادا بالاترین سطح تحصیلات عالی در جهان را دارند و در حقیقت، حدود نیمی از مهاجران این کشور دارای تحصیلات دانشگاهی هستند.

با این وجود، عملکرد نسبتاً ضعیف بازار کار مهاجرانی که تازه وارد کانادا شده‌اند و همچنین نرخ بالای بازگشت مهاجران به کشورهای خود نشان می‌دهند که این سیاست‌ها کاملاً بی‌عیب و نقص نیز نیستند. یکی از تحقیقات مرکز مطالعات استانداردهای زندگی^۱ (CSLS) (گرینسپون، ۲۰۱۷) نشان داد که در سال ۲۰۱۵، دستمزد ساعتی مهاجرانی که تازه به کانادا مهاجرت کرده بودند (کسانی که کمتر از پنج سال در این کشور اقامت داشتند) به طور متوسط فقط ۷۴ درصد از دستمزد کسانی بود که در کانادا متولد شده بودند. شایان ذکر است که میزان دستمزد مهاجران در سال ۲۰۰۶ برابر با ۸۳ درصد از دستمزد متولدین در کانادا بود. آمار و ارقام مربوط به مهاجران تحصیل کرده‌ای که تازه به کانادا مهاجرت کرده بودند از این هم بدتر بود. آن‌ها در سال ۲۰۱۵ دستمزدی برابر ۶۶ درصد دستمزد افرادی که در کانادا متولد شده بودند را می‌گرفتند، در حالی که در سال ۲۰۰۶ دستمزد آن‌ها برابر با ۷۰ درصد دستمزد افرادی بود که در کانادا متولد شده بودند. عوامل مختلفی از جمله مشکلات

1. Center for the Study of Living Standards

ناشی از به رسمیت شناخته نشدن مدارک حرفه‌ای مهاجران توسط مقامات کانادایی، تمرکز و تجمع مهاجران در چندین شهر بزرگ (به عنوان مثال، تورنتو، ونکوور و مونترال) و موانع زبانی باعث شده‌اند که مهاجران نتوانند در بازار کار ادغام شوند.

کانادا طی دو سال گذشته شاهد افزایش تعداد پناهندگان و پناهجویان بوده است. به‌عنوان مثال از ژانویه سال ۲۰۱۷، بیش از ۴۰۰۰۰ پناهنده سوریه‌ای ساکن کانادا شده‌اند. این سیاست به طور گسترده‌ای نشان می‌دهد که کانادا از همه جای دنیا مهاجر می‌پذیرد. با این حال، دولت کانادا در تلاش است تا از این خانواده‌ها به حد کافی حمایت کند تا بتوانند به سرعت در جامعه کانادا ادغام شوند. پس از آنکه رئیس‌جمهور دونالد ترامپ دستور اجرائی امور مهاجرت را در ژانویه سال ۲۰۱۷ امضا کرد، تعداد فزاینده‌ای از پناهجویان به گذرگاه‌های مرزی مانیتوبا و کبک مهاجرت کرده‌اند. در دستور بودجه سال ۲۰۱۷، شرایطی در خصوص ارائه خدمات و کمک‌های حقوقی به پناهندگان و پناهجویان در کانادا لحاظ شده است که البته نتایج چنین اقداماتی را سال‌ها بعد می‌توان ارزیابی کرد.

۶-۲ نیوزیلند

امروزه، نیوزیلند مقصد اصلی مهاجران به شمار می‌آید. به طور معمول، نیوزیلند هر سال بین ۴۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ مهاجر جدید جذب می‌کند و در سال ۲۰۱۷ که ۷۲۰۰۰ نفر مهاجر به نیوزیلند نقل مکان کرده‌اند، رکورد مهاجرت خالص نیوزیلند ثبت شده است. تعداد فزاینده مهاجرانی که شهروند نیوزیلند می‌شوند نشان‌دهنده تمایل این کشور برای ارتقای ادغام است. بر اساس شاخص‌های بازار کار و نظام آموزشی، سیاست ادغام بسیار موفق بوده است. در سال ۲۰۱۵ قانون جدیدی به تصویب رسید تا اطمینان حاصل شود که حقوق کارگران مهاجر با سایر کارگران نیوزیلند یکسان است. این اقدامات به رضایت اکثر مهاجران نیوزیلند از شرایط خود در این کشور منتهی شده است. آمار ارائه شده بر اساس نظرسنجی عمومی اجتماعی نیوزیلند^۱ نشان می‌دهد که ۸۷ درصد از مهاجران احساس می‌کنند که به‌طور کامل در نیوزیلند ادغام شده‌اند و تفاوت قابل توجه و معناداری بین استانداردهای

زندگی اقتصادی مهاجران و افراد متولد شده در نیوزیلند احساس نمی‌کنند. دولت انتظار دارد که نظام مدیریت جهانی مهاجرت^۱ (IGMS) و الگوی ارائه خدمات جهانی^۲ (GSDM) باعث شوند که شرایط موجود از این هم بهتر شود. در آوریل ۲۰۱۶، سیاست جدید «ویزا در سطح جهانی»^۳ معرفی شد. این یک رویکرد مشترک بخش دولتی و خصوصی برای جذب متقاضیان با مهارت‌های مورد نیاز از سراسر جهان است. تا حدودی می‌توان عملکرد موفق این کشور را به این واقعیت مربوط دانست که نیوزیلند از نظام انتخاب مبتنی بر امتیاز استفاده می‌کند که به جذب مهاجرانی که از نظر مالی نسبتاً خودکفا هستند و می‌توانند به راحتی در بازار کار ادغام شوند، کمک می‌کند. در واقع، در قانون مهاجرت مصوب ۲۰۰۹^۴ برای اولین بار به وضوح تصریح شده است که نیوزیلند برای مهاجرانی که مهارت دارند اولویت قائل است. روند درخواست ویزا ساده‌تر شده است و پس از بررسی «اطلاعات طبقه‌بندی شده» در ارتباط با مسائل امنیتی یا رفتار مجرمانه، مجوز ورود به این کشور صادر می‌شود. با این وجود، مراحل اخذ ویزا هنوز دشوار است و تشریفات اداری مهاجرت می‌تواند برای متقاضیان مشکل‌ساز باشد.

مهاجرانی که مهارت کمتری دارند جهت اسکان در نیوزیلند به مشکلات بیشتری بر می‌خورند و قادر نیستند دیگر اعضای خانواده خود را همراه خود به این کشور بیاورند. رشد پایدار اقتصادی طی بحران مالی جهانی و همچنین بازسازی شهر کریست چرچ^۵ پس از زلزله‌هایی که در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ رخ داد و رونق اخیر خانه‌سازی در اوکلند^۶، فرصت‌های شغلی قابل توجهی را برای کارگران مهاجر فراهم کرده است.

اگرچه دولت تمایلی به افزایش سهمیه پناهندگان خود ندارد، اما فشارهای عمومی باعث شد که دولت در سال ۲۰۱۵ در خصوص دو برابر کردن سهمیه پناهندگان خود تصمیم‌گیری کند و موافقت کرد که علاوه بر سهم سالانه ۷۵۰ پناهنده، ۶۰۰ پناهنده سوریه‌ای دیگر را

1. Immigration Global Management System

2. Global Service Delivery Model

3. Global Impact Visa policy

4. Immigration Act 2009

5. Christchurch

6. Auckland

پذیرد. حتی وینستون پیترز^۱، رهبر حزب اول نیوزیلند هم علی‌رغم اینکه در دهه ۱۹۹۰ حزب خود را بر مبنای شعار مخالفت با مهاجرت و پناهندگی تاسیس کرد، از افزایش تعداد پناهندگان حمایت کرد. در ماه‌های ژانویه، مارس و می ۲۰۱۶، برخی از پناهندگان سوریه‌ای طبق مقررات ویژه وارد نیوزیلند شدند.

حزب مردم نیوزیلند^۲ که در سال ۲۰۱۵ تأسیس شد، بر حقوق جوامع هندی و سایر جوامع آسیایی تأکید دارد. این حزب در انتخابات عمومی اخیر شرکت کرد، ولی تنها ۰/۱ درصد از آراء را به دست آورد و نتوانست هیچ کرسی‌ای تصاحب کند.

۷- زندگی امن

۹: کرواسی، فنلاند، ژاپن، لتونی، لوکزامبورگ، نروژ، اسلوانی، کره

جنوبی، سوئیس

۷-۱ کرواسی

در کرواسی، نرخ جرم و جنایت تهدید جدی برای ایمنی و امنیت عمومی محسوب نمی‌شود. به‌طور کلی، پلیس این کشور به‌طور موثری نظم عمومی را حفظ می‌کند و با جرم و جنایت مبارزه می‌کند. دفتر پلیس و دادستان با سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای منطقه جنوب شرقی اروپا و اتحادیه اروپا و در سطح بین‌المللی همکاری موثری دارند. سازمان اطلاعات با همتایان خود در ناتو و اتحادیه اروپا همکاری می‌کند و در چارچوب یک سیستم امنیتی یکپارچه عمل می‌کند. کرواسی با تهدیدات تروریستی قابل توجهی روبرو نیست. جرم و جنایت در این کشور فقط محدود به شبکه‌های خلافکار فراملی و منطقه‌ای است که مواد مخدر و انسان و اسلحه را در کشور قاچاق می‌کنند.

1. Winston Peters

2. People's Party of New Zealand

۲-۷ فنلاند

بنا به گزارش شورای مشاوره امنیت خارجی آمریکا^۱ (OSAC) در سال ۲۰۱۶، فنلاند با برخورداری از یکی از کارآمدترین نیروهای پلیس در جهان، محیطی امن و ایمن برای کار، گردشگری و زندگی محسوب می‌شود. گزارشی که شورای مشاوره امنیت خارجی آمریکا در سال ۲۰۱۷ ارائه داد نیز این ارزیابی را مجدداً تأیید می‌کند. در حقیقت، فنلاند جزء امن‌ترین کشورهای اروپاست و میزان جرم و جنایت در این کشور بسیار پایین است. با این وجود، مطابق گزارش ارائه شده توسط شورای مشاوره امنیت خارجی آمریکا در سال ۲۰۱۷، در سال‌های اخیر میزان جرم و جنایت و به ویژه جرایم جنسی، جرایم ناشی از نفرت^۲ و کلاهبرداری در این کشور افزایش یافته است. طبق نظرسنجی‌ها، شهروندان فنلاندی پلیس را یکی از معتبرترین نهادهای عمومی قلمداد می‌کنند. پس از اینکه نخستین برنامه امنیت داخلی^۳ در سال ۲۰۰۴ ارائه گردید، دولت در سال ۲۰۱۲ سومین برنامه امنیت داخلی را با هدف کاهش نگرانی‌های روزمره امنیتی شهروندان به تصویب رساند. وزارت کشور بر اجرای کلی این برنامه نظارت دارد. به علاوه، دولت راهبردهای ملی را برای مبارزه با جرایم سازمان‌یافته، اقتصاد غیررسمی و تروریسم اتخاذ کرده یا در نظر گرفته است. مقدمات مربوط به طرح کلی راهبرد جدید ملی نیز با مشارکت دادن شهرداری‌ها، مناطق، سازمان‌ها، کسب و کارها و اداره امور عمومی در آگوست ۲۰۱۶ آغاز و در آوریل ۲۰۱۷ تکمیل شد. برنامه اجرایی راهبرد امنیت سایبری فنلاند^۴ در سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۷ نیز اتخاذ شده است و به علاوه، اقداماتی در راستای افزایش همکاری ملی و بین‌المللی بین مقامات اطلاعاتی و مقامات پلیس انجام شده است.

۳-۷ ژاپن

میزان جرم و جنایت در ژاپن بسیار پایین است، اگرچه هنوز مشخص نیست که اثربخشی

1. Overseas Security Advisory Council

۲. جرایم ناشی از نفرت (hate crimes) به جرایم علیه اقلیتهای قومی و نژادی و مذهبی اشاره دارند.

3. First Program on Internal Security

4. Implementation Programme for Finland's Cyber Security Strategy

سیاست‌های امنیتی داخلی تا چه حد در این امر مؤثر است. سایر عوامل اجتماعی و اقتصادی نیز در این زمینه دخیل هستند. به ویژه در مورد جرایم عمده مانند قتل عمد یا سوء مصرف مواد مخدر، حسن شهرت ژاپن شایسته تقدیر است. تعداد پرونده‌های جنایی تأیید شده در سال‌های اخیر به میزان قابل توجهی کاهش یافته است.

امروزه تروریسم نیز تهدید قابل توجهی برای ژاپن محسوب نمی‌شود. با این وجود، مجلس در سال ۲۰۱۷ قبل از برگزاری بازی‌های المپیک ۲۰۲۰ توکیو، «لایحه ضد توطئه»^۱ را تصویب کرد و قدرت پلیس را به‌طور چشمگیری افزایش داد. همانطور که قبلاً نیز در این گزارش ذکر شده است، این لایحه به دلیل محدود شدن آزادی‌های مدنی به شدت مورد انتقاد قرار گرفت.

مسئله دیگر وجود باندهای سازمان‌یافته (به اصطلاح یا کوزاها)^۲ است. این گروه‌ها اخیراً به کلاهبرداری و جرائم یقه سفید^۳ روی آورده‌اند. البته داده‌های پلیس ملی^۴ نشان می‌دهد که تعداد اعضای یا کوزا به طرز چشمگیری کاهش یافته است و از تقریباً ۷۰۰۰۰ نفر در دهه ۱۹۹۰ به حدود ۱۸۰۰۰ نفر در پایان سال ۲۰۱۶ رسیده است.

۴-۷ لتونی

وزارت کشور، پلیس کشور، پلیس امنیت، خدمات آتش‌نشانی و امداد و نجات کشور، مرزبانان کشور و دفتر شهروندی و امور مهاجرت مسئولیت سیاست‌های امنیتی داخلی را بر عهده دارند. سازمان‌های مذکور در برخی از مسائل سیاستی به ویژه در مسائل مربوط به سیاست مهاجرت همکاری می‌کنند.

در سال ۲۰۱۵، نرخ جرم و جنایات نسبت به سال ۲۰۱۴ به میزان ۲/۲ درصد افزایش یافت. ۲۳۸۶ مورد جرم و جنایت به ازای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر گزارش شده است که کمترین میزان

1. "anti-conspiracy bill"

2. yakuza

۳. جرایم یقه سفید (white-collar crimes) در اشارات حقوقی و قانونی دلالت بر سوء استفاده افراد بلندپایه از موقعیت و مقام خود است که بیشتر با جرایم مالی همراه است.

4. National Police

در میان کشورهای بالتیک است. علیرغم تحولات بین‌المللی، تروریسم تهدید جدی در این کشور محسوب نمی‌شود. در سال ۲۰۱۵، هیچ‌گونه جرم و جنایت تروریستی رخ نداد. در اواخر سال ۲۰۱۵، در تحقیقات جنایی پلیس امنیتی در خصوص مشارکت در درگیری نظامی سوریه، یک مورد محکومیت شناسایی شد که حبس چهار ساله در پی داشت. در سال ۲۰۱۶، دو تحقیق جنایی در خصوص تهدیدات تروریسم، یک تحقیق جنایی دیگر در خصوص تحریک تروریسم و چهار تحقیق جنایی در خصوص مشارکت در درگیری‌های مسلحانه خارجی انجام شد.

نظرسنجی‌های صورت گرفته از سال ۲۰۱۶ نشان می‌دهند که اعتماد عمومی به پلیس همچنان رو به افزایش است و افراد بیشتری احساس امنیت می‌کنند (۷۴ درصد از پاسخ‌دهندگان گزارش داده‌اند که احساس امنیت یا امنیت نسبی دارند).

۵-۷ لوکزامبورگ

شهر لوکزامبورگ با وجود اینکه امن‌ترین مقصد بین‌المللی محسوب می‌شود، ولی مطابق نظرسنجی کیفیت زندگی مرسر^۱ در سال ۲۰۱۶، از بین ۲۳۱ شهر در جهان در جایگاه ۱۲۱ام قرار دارد. تلاش‌های زیادی در جهت ارتقای امنیت عمومی صورت گرفته است. به‌عنوان مثال مطابق بخشی از برنامه اصلاحات پلیسی که در دست اقدام است، ۵۱ ایستگاه پلیس در واحدهای بزرگتر و کارآمدتر ادغام خواهند شد. یکی از اولویت‌های مورد نظر شامل مبارزه با باندهای خلافکار و به‌ویژه سارقین است. در نتیجه، دولت اعلام کرده است که در رابطه با «جرائم سازمان‌یافته علیه اموال و مالکیت» با یوروپل^۲ همکاری می‌کند. علاوه بر این، آمار کلی جرم و جنایت به میزان قابل توجهی کاهش یافته است که ناشی از همکاری بیشتر بین نیروهای پلیس است. آخرین ارزیابی نشان می‌دهد که ۳۸۵۳۷ جرم در سال ۲۰۱۶ ثبت شده و میزان کلی جرم کاهش یافته است. در سال ۲۰۱۶ میزان جرم ۴/۵ درصد نسبت به سال ۲۰۱۵ کم‌تر شده و پایین‌ترین سطح جرم و جنایت از سال ۲۰۱۲ به بعد در سال ۲۰۱۶ بوده است. در سال ۲۰۱۶، میزان جرم به ازای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر حدود ۷

1. Mercer Quality of Living Survey

2. Europol

درصد کاهش یافته است. در خصوص سرقت‌ها (از جمله موارد اقدام به سرقت)، پلیس ۴۰۳ مورد (۱۱/۲- درصد) کاهش را نسبت به سال قبل گزارش کرده است (۳۶۰۸ مورد در سال ۲۰۱۵ و ۳۲۰۵ مورد در سال ۲۰۱۶). علاوه بر این، سرقت از منازل که ساکنان آن در خانه حضور داشته‌اند در مقایسه با سال ۲۰۱۵ به میزان ۵۷۳ مورد معادل با ۲۱/۲۵- درصد کاهش یافته است. بیش از یک سوم (۴۰/۹۷ درصد) از سرقت‌های سال ۲۰۱۶ شامل موارد اقدام به سرقت بوده است. ۱۰۰ افسر به پلیس و نیروهای امنیتی اضافه خواهد شد. همزمان، دولت در نظر دارد بودجه بیشتری را برای گسترش هرچه بیشتر راهبرد ضد جرم خود تامین نماید.

۶-۷ نروژ

نروژ از دیرباز کشور امنی بوده است. جرم و جنایت تهدیدی جدی برای امنیت این کشور به شمار نمی‌آید. به عنوان مثال، نروژ سومین کشور با کمترین تعداد قتل در جهان است و تعداد زندانیان این کشور نیز اندک است. پلیس به ندرت در موردی مداخله می‌کند و به ندرت پیش می‌آید که پلیس به دلیل رخ دادن حادثه‌ای مجبور به فعالیت شود. نیروهای پلیس عمدتاً غیر مسلح می‌باشند. زندانیان نسبتاً کم هستند و در مقابل نروژ سیاست‌های بلندمدت پیشگیری از جرم و جنایت را اتخاذ کرده است. سرقت و جرایم جزئی نسبتاً نادر می‌باشند، هرچند نگرانی‌هایی در مورد افزایش سطح جرائم باندهای خلافکار و جرایم مربوط به مواد مخدر وجود دارد. به علاوه تصور بر این است که جرائم مربوط به استفاده از چاقو و اسلحه بیشتر و بیرحمانه‌تر شده است. در سال‌های اخیر، اصلاحات متعددی در راستای افزایش همکاری بین نیروهای مختلف پلیس و سازمانهای اطلاعاتی (چه در داخل کشور و چه در خصوص همکاری‌های فرامرزی) صورت گرفته است.

در پی حملات تروریستی در ۲۲ ژولای ۲۰۱۱ به مجتمع دولتی در اسلو^۱ و اردوگاه تابستانی سازمان جوانان حزب کارگر^۲، از پلیس این کشور به دلیل عدم اجرای اقدامات احتیاطی لازم به شدت انتقاد شد. این مسئله بیانگر ضعف سازمان پلیس و تدارکات (از جمله ظرفیت کم اداره پلیس مرکزی برای برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌ها) بود. از آن زمان

1. Oslo

2. Labor Party youth organization

به بعد پیشرفت‌های چشمگیری ایجاد شده است و اقدامات متعددی جهت بهره‌گیری بهتر از منابع صورت گرفته است. در این راستا، نیروهای پلیس و ارتش ملزم شده‌اند که نیروهای ویژه و منابع خود را که برای اقدامات و شرایط ضدتروریستی در اختیار دارند با یکدیگر هماهنگ کنند.

۷-۷ اسلونی

خطرات امنیتی واقعی و بالقوه در اسلونی بسیار کم است. اعتماد به پلیس پایین‌تر از حد متوسط اتحادیه اروپا و البته بیشتر از سایر کشورهای اروپای شرقی-مرکزی است. الحاق اسلونی به گروه شینگن^۱ در دسامبر ۲۰۰۷ منجر به حرفه‌ای شدن قابل توجه نیروی پلیس اسلونی و کنترل مرزها شد. اعتصاب شش‌ماهه پلیس که در ژوئن ۲۰۱۶ پایان یافت باعث افزایش قابل توجه دستمزدها شد و همچنین دولت متعهد شد که در آینده هزینه بیشتری برای تجهیزات اصلی پلیس اختصاص دهد. تامین تجهیزات جدید مانند رادار برای پلیس و جایگزینی وسایل نقلیه جدید با مدل‌های قدیمی از جمله پیامد این تعهد دولت در دوره مورد بررسی است.

۷-۸ کره جنوبی

با اینکه آمار پلیس بیانگر افزایش ناچیز جرم خشونت‌آمیز و جنایات خیابانی در چند سال گذشته است، ولی سطح مطلق هر دو نوع جنایت ذکر شده در مقایسه با سایر کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه کم است. در سال‌های اخیر هیچ حمله تروریستی یا فعالیت‌های تروریستی در کره جنوبی صورت نگرفته است. با این وجود، گزارش‌های گسترده رسانه‌ای در مورد جنایات خشونت‌آمیز باعث افزایش احساس ناامنی شده است. گسترش کلاهبرداری‌های مالی (فیشینگ^۲) و جرایم سایبری (که عاملان آن از مزایای زیرساخت‌های عالی با پهنای باند زیاد این کشور و اقدامات امنیتی آنلاین آزاد و راحت آن بهره‌مند می‌شوند)، نگرانی عمده‌ای است که هنوز به طور موثر برطرف نشده است. اجرای

1. Schengen group
2. phishing

جدی قوانین راهنمایی و رانندگی همچنان یک مشکل اساسی در این کشور محسوب می‌شود؛ نرخ مرگ و میر در کره جنوبی برابر با ۹۱/۳ نفر به ازای هر ۱ میلیون است که مقام چهارم تلفات جاده‌ای در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه را به خود اختصاص داده است. احترام و اعتماد به پلیس به طور کلی در این کشور پایین است. با اینکه زمین لرزه‌ای که در سپتامبر سال ۲۰۱۶ در گیونگجو^۱ رخ داد منجر به تلفات جانی نشد، اما باعث تشدید نگرانی درباره عدم توانایی دولت در بهبود سیاست‌های خود جهت واکنش سریع به سوانح و بلایا شد (این نگرانی پس از فاجعه غرق شدن کشتی سوول^۲ در سال ۲۰۱۴ به وجود آمده بود).

۷-۹ سوئیس

سوئیس از طریق ادغام شدن در نظام دوبلین/شینگن اروپا^۳ امنیت داخلی خود را بهبود بخشیده است. با این حال، هنوز در داخل کشور اختلاف نظراتی درباره عضویت در شنگن مشاهده می‌شود، زیرا بازیگران پوپولیستی راست‌گرا، سیاستمداران چپ-میانه را به همکاری در یک شبکه امنیتی ناکارآمد اروپا متهم کرده‌اند. پس از فروپاشی بالفعل قوانین شنگن و دوبلین در سال ۲۰۱۵، سوئیس دوباره به طور نظام‌مندتری نسبت به کنترل مرزهای خود اقدام کرد. پیش از بحران پناهندگی سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ نسبت پناهجویان به جمعیت سوئیس نسبتاً بالا بود، ولی با این حال هجوم پناهندگان به سوئیس مانند هجوم آن‌ها به آلمان، دانمارک و مجارستان چشمگیر نبود. در سال ۲۰۱۷، فقط ۱۴۰۰۰ پناهجوی جدید وارد سوئیس شدند در حالیکه در سال ۲۰۱۵ تعداد ۴۰۰۰۰ نفر در جریان بحران پناهندگی و در سال ۲۰۱۳ یعنی سال قبل از هجوم موج پناهجویان به اروپا تعداد ۲۳۰۰۰ نفر وارد سوئیس شدند.

سیاست امنیت داخلی این کشور به عنوان یک سیاست مشارکتی مبنی بر همکاری بین بازیگران مختلف دولتی بین‌المللی و ملی و سازمان‌های خصوصی تدوین شده است. با

1. Gyeongju

2. Sewol Ferry

3. Schengen/Dublin regime

توجه به میزان نسبتاً پایین جرم و جنایت سوئیس و اعتماد عمومی به پلیس و سیستم قضایی، می‌توان گفت عملکرد سیاست امنیت داخلی آن موفقیت‌آمیز است.

به‌طور کلی، شرایط ایمن زندگی از نظر سیاسی به شدت در سوئیس مورد حمایت قرار دارد، هرچند که باید متحمل هزینه‌های سنگینی برای برقراری شرایط ایمن شود. به‌عنوان مثال، در سال ۲۰۱۶ سه رفراندوم برای امنیت تصویب شد که عبارت بودند از: تصمیم‌گیری در مورد احداث یک تونل دیگر در سراسر آلپ (گوتارد)^۱ که ایمنی جاده را به قیمت از بین بردن محیط زیست افزایش می‌دهد، تصمیم در مورد صلاحیت سازمان اطلاعاتی در خصوص مبارزه با تروریسم به قیمت از دست رفتن حقوق حریم شخصی افراد و تصمیم‌گیری در مورد توقف تدریجی انرژی هسته‌ای در بلندمدت برای نجات دادن محیط زیست. همچنین در سال ۲۰۱۷، مردم از حکم فدرال در خصوص امنیت غذایی^۲ که از نظر بسیاری از ناظران غیر ضروری بود حمایت کردند. با این وجود، سوئیس در برخی موارد برای برقراری امنیت با محدودیت‌هایی مواجه شده است: زمان تصمیم‌گیری در مورد اخراج مجرمان خارجی (مصوب ۲۰۱۰)، رای‌دهندگان در سال ۲۰۱۶ از گزینه دیگر یعنی احترام به قوانین بین‌المللی و حقوق بشر حمایت کردند. از این رو، این کشور به هر قیمتی مایل به برقراری ایمنی نیست. با این وجود، شرایط ایمن زندگی محرک اصلی رفتار سیاسی در بین شهروندان است.

۸- نابرابری‌های اجتماعی

۱۰: سوئد

۸-۱ سوئد

ارتقای عدالت اجتماعی جهانی به عنوان هدف سیاستی مهم دولت‌های سوئد - صرفنظر از گرایش‌های عقیدتی آن‌ها - محسوب می‌شود. سوئد راهبردهای دوجانبه را با مشارکت

1. Gotthard

2. Federal Decree on Food Security

فعال در تلاش‌های چندجانبه در جهت دستیابی به این اهداف تلفیق می‌کند. علاوه بر این، دولت هزینه‌های نسبتاً بالایی صرف امور توسعه‌ای می‌کند. سیاست سوئیس مبنی بر کمک متعارف به کشورهای در حال توسعه که عمدتاً شامل کشورهای زیر صحرایی یا آفریقای سیاه^۱ هستند به تدریج به سیاست مبنی بر کمک به کشورهای نزدیکتر به سوئد تغییر یافته است. این امر به‌عنوان مثال شامل ترویج دموکراتیک‌سازی و جامعه مدنی در اروپای شرقی است. در ارتباط با اثربخشی و کارآیی برخی از برنامه‌های کمک‌های خارجی و احتمال این خطر که بازیگران در این کشورها از کمک‌ها برای اهداف نامطلوب استفاده کنند، نگرانی‌های زیادی وجود دارد. به هر ترتیب، سوئد همچنان به همبستگی بین‌المللی و کمک به کشورهای در حال توسعه تعهد زیادی دارد.

دولت قرمز-سبز^۲ که پس از سال ۲۰۱۴ تشکیل شد، کمپین «سیاست خارجی فمینیستی»^۳ را آغاز کرده است که توجه بین‌المللی را به خود جلب کرده است. چنین استدلال می‌شود که همبستگی بین‌المللی جنبه جنسیتی دارد که مدت‌هاست نادیده گرفته شده است. این رویکرد سیاست خارجی در مکان‌های مختلف بین‌المللی از جمله سازمان ملل و اتحادیه اروپا معرفی شده است. دولت جدید همچنین از این جهت معروف است که در مقایسه با دولت‌های سابق نسبت به روش‌های مجازات «قرون وسطایی» که در کشورهای خاورمیانه اعمال می‌شود به میزان کمتری سازگاری نشان می‌دهد و همین مساله باعث ایجاد اختلاف دیپلماتیک شده است. به طور کلی، بازگشت سوسیال دموکرات‌ها به دولت باعث احیای مجدد سیاست خارجی سوئد شده است و اکنون سیاست خارجی سوئد بیشتر به چشم می‌آید و در عین حال به میزان بیشتری هم بحث‌برانگیز است.

1. sub-Saharan countries

۲. کابینه لوون-قرمز سبز (red-green)

3. "feminist foreign policy"

سیاست‌های زیست‌محیطی

۱- محیط زیست

۹: استونی، لتونی، سوئد، سوئیس

۱-۱ استونی

توجه به محیط زیست در حوزه سیاسی به سرعت افزایش یافته است که تا حدودی به دلیل لزوم رعایت استانداردهای بین‌المللی است. وزارت محیط زیست در نظر دارد نظام یکپارچه حفاظت از محیط زیستی را اعمال کند که کل کشور را در برگیرد و حفاظت از محیط زیست پاک و استفاده پایدار از منابع طبیعی را تضمین کند. با این حال، وابستگی اقتصاد به فناوری‌هایی که به انرژی زیادی نیاز دارند، مشکل‌ساز است. از طرف دیگر، استونی کشوری کم‌جمعیت است و از منابع طبیعی قابل توجهی شامل تالاب، جنگل و مناطق حفاظت شده گیاهی و جانوری برخوردار است.

در زمینه حفاظت از آب و هوا و اقلیم، این کشور در راستای اهداف بین‌المللی در حال پیشرفت است. با اینکه اندازه اقتصاد این کشور دو برابر شده است، ولی انتشار گازهای گلخانه‌ای آن به میزان ۵۰ درصد طی ۲۰ سال کاهش یافته است. استونی قصد دارد تا سال ۲۰۵۰ انتشار گازهای گلخانه‌ای را تقریباً تا ۸۰ درصد سطح انتشار گازهای گلخانه‌ای در سال ۱۹۹۰ کاهش دهد. در حال حاضر، سهم انرژی تجدیدپذیر در استونی ۲۵ درصد است که نزدیک به هدف ۲۰۳۰ اتحادیه اروپا^۱ می‌باشد. چالش اصلی در ارتباط با آینده بخش نفت-شیل^۲ همچنان به قوت خود باقی است.

استونی در زمینه نوسازی و ساخت زیرساخت مدیریت آب سرمایه‌گذاری قابل توجهی کرده است. در نتیجه، آلودگی آب کاهش یافته و کیفیت آب لوله‌کشی بهبود یافته است. با این حال، از آنجا که بیشتر دریاچه‌ها و رودخانه‌های این کشور بسیار کوچک هستند،

1. European Union's 2030 target

2. oil-shale

نسبت به هر گونه آلودگی بسیار حساس هستند. بیش از نیمی از قلمرو استونی جنگلی است. جنگل‌های تجاری ۷۰ درصد از کل مناطق جنگلی را تشکیل می‌دهند و یک سوم منطقه جنگلی باقی مانده تحت حفاظت می‌باشند. اگرچه در ۵۰ سال گذشته حجم جنگل‌ها افزایش یافته است، اما جنگل‌زدایی و قطع درختان در سال‌های اخیر شدت یافته است. این امر اعتراضات عمومی زیادی را در ارتباط با قطع درختان و مدیریت جنگل پاسخگوتر به دنبال داشته است.

سرانجام با توجه به اینکه استونی زیستگاه طیف گسترده‌ای از گونه‌های حیات وحش است، این کشور از تنوع بیولوژیکی بالایی برخوردار است. در راستای تثبیت جمعیت گونه‌های اصلی، دولت از طریق مجوزها و اعمال محدودیت‌ها شکار را تحت نظارت خود قرار داده است. شبکه ناتورا^۱ ۲۰۰۰ متشکل از همه اشیاء و گونه‌های حفاظت شده است. حدود نیمی از مناطق شبکه ناتورا ۲۰۰۰ را تالاب و نیمی دیگر نیز زمین خشک دربرمی‌گیرد. زمین‌های خشک حفاظت شده حدود ۱۷ درصد از سرزمین اصلی استونی را دربرمی‌گیرند. افزایش ترافیک و ساخت جاده مهم‌ترین خطر برای تنوع زیستی این کشور محسوب می‌شود، هرچند جدیدترین جاده‌ها مطابق با مقررات حفاظت از محیط زیست ساخته شده‌اند. در روند برنامه‌ریزی مسیر راه آهن پرسرعت بالتیک شدیداً بر مسائل زیست‌محیطی تأکید شده است.

۲-۱ لتونی

رتبه بالای لتونی در شاخص عملکرد زیست‌محیطی^۲ که توسط دانشگاه‌های ییل و کلمبیا^۳ تعیین شده است، نشان می‌دهد که سیاست‌های زیست‌محیطی این کشور به طور موثر پایداری منابع طبیعی را تضمین می‌کنند و از کیفیت محیط زیست محافظت می‌کنند. منابع آب، سیاست بهداشت محیط زیست و تنوع زیستی به عنوان نقاط قوت ویژه این کشور شناخته شده‌اند. با این حال، این کشور در مناطق جنگلی، کشاورزی و شیلات دارای نقاط

۱. ناتورا (Natura): شبکه اروپایی مناطق حفاظت شده

2. Environmental Performance Index

3. Yale and Columbia universities

ضعف متعددی است. در سال ۲۰۱۵، لتونی راهبرد جدید سیاست‌گذاری زیست‌محیطی^۱ برای سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۴ را اتخاذ کرد. مطابق راهبرد مذکور، مدل تامین مالی جدید برای استفاده از درآمد ناشی از مالیات منابع طبیعی، ایجاد نظام سپرده‌گذاری برای مدیریت پسماند، بهبود استانداردهای مدیریت آب فاضلاب و بهبود ظرفیت تحقیق و توسعه در اولویت قرار گرفته است.

اسناد مالی تغییرات آب و هوایی^۲ که بودجه آن‌ها از طریق طرح بین‌المللی تجارت انتشار گازهای گلخانه‌ای^۳ تأمین می‌شود، سند اصلی سیاستی تغییرات آب و هوایی به شمار می‌آید. لتونی کشوری جنگلی است و ۲/۹ میلیون هکتار (۴۴/۵ درصد از کل مساحت) آن قلمرو جنگلی است که از این میزان ۵۰ درصد متعلق به دولت است. دولت به عنوان ناظر و همچنین بزرگ‌ترین مالک جنگل‌های لتونی محسوب می‌شود. حفاظت از جنگل‌ها بسیار سازمان‌یافته است و قانون‌هایی برای ایمن نگاه‌داشتن جنگل‌ها وضع شده است و کلیه فعالیت‌های اقتصادی مرتبط از جمله برداشت، برنامه‌های مدیریتی، احیا و نظارت و کنترل گونه‌های درختی مطابق این قوانین صورت می‌گیرد.

با برخورداری از سیستم‌های اکولوژیکی آب لب‌شور^۴ در ساحل دریای بالتیک و خلیج ریگانه و همچنین اکوسیستم‌های جنگلی و خاک‌های باتلاقی و پوداب‌ها در این کشور، تنوع زیستی در لتونی از نوع تنوع زیستی ساحلی است. مناطق تعیین شده در فهرست ۲۰۰۰ ناتورا، ۱۲ درصد از قلمرو لتونی را پوشش می‌دهند و بیانگر ۳۲۷ منطقه مختلف برای حفاظت از زیستگاه‌ها و گونه‌ها هستند. همچنین قانونی به نام «حفاظت از گونه‌ها و زیستگاه‌ها»^۵ نیز وضع شده است که به موجب آن ذخایر مالی خرد به حفاظت از مناطق کوچک مقیاسی اختصاص داده می‌شود که جزء مناطق حفاظت‌شده نیستند ولی از نظر بیولوژیکی غنی هستند. تا سال ۲۰۱۲ بیش از ۲۰۰۰ ذخیره مالی خرد تعیین شده است.

-
1. new Environmental Policy Strategy
 2. Climate Change Financial Instrument
 3. International Emissions Trading Scheme
 4. brackish-water
 5. Baltic Sea and the Gulf of Riga
 6. law On Protection of Species and Habitats

۳-۱ سوئد

سوئد سعی دارد هم در حذف بی‌عدالتی‌های اجتماعی جهانی و هم در زمینه سیاست‌های زیست‌محیطی پیشرو باشد. سوئد در زمینه‌های مختلف مانند کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر عملکرد بسیار خوبی داشته است، ولی کشور پیشگامی در زمینه بازیافت یا استفاده از آب محسوب نمی‌شود. بنابراین، با اینکه کلیه احزاب بزرگ سیاسی سوئد تعهد سیاسی قوی دارند، اما از نظر اجرای این تعهد در برخی ابعاد عقب افتاده‌اند. به علاوه، سوئد همچنان به دنبال این است که مسائل زیست‌محیطی را در مجامع بین‌المللی مانند اتحادیه اروپا مطرح کند و حامی سرسخت توافق پاریس^۱ است.

سیاست‌های زیست‌محیطی که در دهه ۱۹۷۰ به بخشی از دستور کار سیاستی تبدیل شد، همچنان موضوع مهمی به شمار می‌رود. سوئد که از دیرباز دارای اقتصاد صنعتی با مصرف زیاد انرژی بوده است، هنوز برای حفاظت از محیط زیست راه درازی در پیش‌رو دارد. البته داده‌ها حاکی از آن است که سیاست‌های محیط زیست این کشور موفق بوده است. لازم به ذکر است که سیاست زیست‌محیطی بخشی تفکیک‌ناپذیر از پروژه بزرگتر بازسازی اقتصاد و افزایش سازگاری اقتصاد با محیط زیست قلمداد می‌شود.

پس از انتخابات سال ۲۰۱۴، سوسیال دموکرات‌ها و سبزها یک دولت ائتلافی تشکیل دادند. اگرچه هم سوسیال دموکرات‌ها و هم سبزها به شدت به مسائل «محیط زیست سبز» متعهد هستند، اما به نظر می‌رسد که به قدرت رسیدن سبزها باعث شد که بیشتر به مسائل زیست‌محیطی توجه شود. با این وجود، این دو شریک ائتلافی در مورد برخی مسائل اختلاف نظر دارند. به عنوان مثال، به نظر نمی‌رسد که در مورد آینده انرژی هسته‌ای به توافق رسیده باشند؛ سوسیال دموکرات‌ها می‌خواهند موضوع را بیشتر بررسی کنند، در حالی که سبزها می‌خواهند دو راکتور را قبل از انتخابات بعدی (در سال ۲۰۱۸) تعطیل کنند. به علاوه، از قرار معلوم صاحبان دو نیروگاه هسته‌ای برنامه‌ریزی می‌کنند که به دلیل افت قیمت برق و در نتیجه سودآوری پایین، نیروگاه‌های خود را طی چند سال آینده تعطیل کنند.

1. Paris Agreement

۴-۱ سوئیس

در این کشور در سال‌های اخیر در بسیاری از حوزه‌ها که هم به‌طور مستقیم و هم به‌طور غیرمستقیم به سیاست‌های زیست‌محیطی مرتبط هستند، موضوعات حفاظت از محیط زیست و پایداری لحاظ شده‌اند و بدین ترتیب به پیشرفت‌های قابل توجهی دست یافته است. سوئیس پس از راهبرد توسعه سبز در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، مطالعات متعددی را با هدف تطبیق اهداف پایداری و توسعه اقتصادی آغاز کرده است. علاوه بر این، سوئیس در سال‌های اخیر چند راهبرد مقطعی را تدوین کرده است که بر موضوعاتی از جمله پایداری، تنوع زیستی، سازگاری با تغییرات آب و هوا و مدیریت جنگل متمرکز هستند. در دستورالعمل‌های جدید یکپارچه‌سازی مدیریت آب که در سال ۲۰۱۱ منتشر شده‌اند نیز موضوع استفاده و حفاظت از منابع آب طبیعی مورد توجه قرار گرفته است.

در سال ۲۰۱۱، دولت فدرال تصمیم گرفت استفاده از انرژی هسته‌ای را به تدریج در طی چند دهه آینده متوقف کند. در سال ۲۰۱۶، «راهبرد انرژی ۲۰۵۰» توسط مجلس تصویب شد و رای اکثریت را در ماه می ۲۰۱۷ به دست آورد. هدف از این راهبرد توسعه چشمگیر بهره‌وری انرژی و بهره‌برداری از پتانسیل انرژی آب و سایر انرژی‌های تجدیدپذیر (به‌عنوان مثال انرژی خورشیدی، بادی، زمین گرمایی و زیست‌توده) است. در این کشور مجوز ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای جدید یا تغییرات اساسی در نیروگاه‌های هسته‌ای موجود صادر نمی‌شود. با این حال نیروگاه‌های هسته‌ای موجود تا زمانی که خطری ایجاد نکنند و ایمن باشند می‌توانند به کار خود ادامه دهند. یکی از طرح‌های مهم در رأی‌گیری ۲۷ نوامبر ۲۰۱۶ رد شد. این طرح منجر به تعطیل شدن نیروگاه‌های هسته‌ای موجود در آینده نزدیک می‌شد و از بین پنج نیروگاه هسته‌ای، سه نیروگاه تا سال ۲۰۱۷ بسته می‌شدند.

سوئیس مبلغ قابل توجهی را در زمینه حفاظت از محیط زیست سرمایه‌گذاری می‌کند. به‌عنوان مثال، در مجموع حدود ۸۰۰۰ شغل مرتبط با حفاظت از محیط زیست در سطح فدرال (۵۰۰ شغل)، بلوک‌ها (۱۵۰۰ شغل) و شهرداری‌ها (۶۰۰ شغل) وجود دارد. دولت مجموع ۲/۵ درصد از کل مخارج عمومی را در سال ۲۰۱۲ به حفاظت از محیط زیست اختصاص

داده است. در سال ۱۹۹۴ ماده جدیدی (ماده ۸۴/۲) به قانون اساسی اضافه شد که مضمون آن عبارت بود از: «حمل و نقل بار ترانز آلپاین^۱ از یک مرز به مرز دیگر باید از طریق راه آهن صورت گیرد. دولت فدرال باید اقدامات لازم را انجام دهد. فقط در صورتی که راه حل ارائه شده مقدور نباشد می‌توان استثناء قائل شد. استثنائات باید در اساسنامه مشخص گردند.» این ماده هنوز به طور مؤثر اجرا نشده است، اما کشور در زمینه ارتقای زیرساخت‌های ریلی به ویژه در ارتباط با بار ترانز آلپاین سرمایه‌گذاری‌های عظیمی کرده است.

در برخی موارد خاص، سیاستگذاران سوئیس نسبت به سیاستگذاران سایر کشورها با چالش‌های اکولوژیکی ساده‌تری روبرو هستند. سوئیس هرگز صنایع پردود را توسعه نداده است و صنعتی‌سازی در سوئیس به عنوان یک فرایند غیر متمرکز روی داده است. بنابراین، صنایعی که گازهای گلخانه‌ای قابل توجه تولید می‌کنند، در هیچ یک از مناطق سوئیس متمرکز نیستند. با این وجود همانطور که عوامل زیر نشان می‌دهند، سیاست‌های زیست‌محیطی این کشور نتایج متغیری دربرداشته است و همیشه هم مثبت نبوده است:

- سوئیس از نظر کنترل آلودگی آب در سطح بین‌المللی رتبه بسیار بالایی دارد و اقدامات مهمی در زمینه حفاظت از محیط زیست انجام داده است که این اقدامات بخشی از برنامه‌ریزی‌های زیرساخت آب این کشور محسوب می‌شوند.
- کیفیت هوای طی ۲۵ سال گذشته بهبود یافته است، اما ازن و سایر مقادیر آستانه مرتبا در حال افزایش هستند و در پیشبرد قانون‌های آرمانگرایانه‌تر در ارتباط با کاهش میزان دی اکسید کربن وقفه ایجاد شده است.
- سوئیس اخیراً سیاست ملی کاهش تغییرات آب و هوا را به روزرسانی کرده است. انتظار می‌رود که با اجرای مجموعه گسترده‌ای از قراردادهای داوطلبانه، نظارتی و مبتنی بر بازار، انتشار گازهای گلخانه‌ای تا سال ۲۰۲۰ کاهش یابد.
- موفقیت چشمگیری در زمینه سیاست مدیریت پسماند به ویژه در رابطه با پسماندهای خطرناک حاصل شده است. علاوه بر این، سوئیس یکی از بالاترین نرخ‌های بازیافت

در سراسر جهان را دارد.

- پیشرفت کمی در زمینه کنترل آلودگی صوتی حاصل شده است و ۲۵ درصد تا ۳۰ درصد از جمعیت در معرض سر و صدای زیاد ناشی از ترافیک جاده‌ای و راه آهن قرار دارند.

- حفاظت از خاک بهبود یافته است.

- در زمینه سیاست‌های مدیریت مواد شیمیایی موفقیت متوسط تا زیادی حاصل شده است.

- سیاست‌های جلوگیری از انتشار مواد خطرناک در محیط زیست بسیار موفق بوده است.

- موفقیت اندکی در زمینه حفاظت و مراقبت از طبیعت حاصل شده است. تعداد گونه‌های جانوری و گیاهی که منقرض شده‌اند یا در معرض خطر انقراض هستند، همچنان رو به افزایش است.

- سوئیس در اروپا دارای کمترین سهم مناطق حفاظت‌شده برای حفظ تنوع زیستی است.

پس از انتخابات ملی ۲۰۱۵، احزاب چپ سبز قدرت خود را در پارلمان از دست دادند و در نتیجه موقعیت بازیگرانی تضعیف شد که مشتاقانه حامی حفاظت از محیط زیست بودند. رای دهندگان در رفراندوم اخیر، احداث بزرگراه‌های عالی از جمله یک تونل اضافی در منطقه گوتهارد را بر حفاظت از محیط زیست ترجیح دادند. مهمترین چالش سیاست‌های زیست‌محیطی در سوئیس این است که نهادهای شهرداری و بلوک‌ها قوانین فدرال را به طور مناسب و جدی اجرا کنند.

۲- حفاظت از محیط زیست جهانی

۱۰: سوئد

۲-۱ سوئد

سوئد در سطح بین‌المللی در حمایت از نظام‌های بین‌المللی حفاظت از محیط زیست برای مثال در حمایت از کنفرانس تغییرات آب و هوا که در نوامبر و دسامبر ۲۰۱۵ در پاریس برگزار شد، پیشینه غنی دارد. در واقع، این کشور گام را از الزامات توافق‌های بین‌المللی از جمله پروتکل کیوتو و توافق پاریس فراتر گذاشته و الگوی مناسبی برای سایر کشورها می‌باشد. مشکل تغییرات آب و هوایی و گرم‌شدن کره زمین فقط با تلاش‌های چندجانبه قابل بررسی است و سوئد نقش مهمی در زمینه چنین تمهیداتی ایفا کرده است. سوئد همچنین یکی از بازیگران بسیار فعال در زمینه دستور کار سیاستی زیست‌محیطی اتحادیه اروپا به شمار می‌آید.

بررسی کمی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) و کشورهای دارای امتیاز بالا (۹ و یا ۱۰) مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی مورد نظر

۱- کیفیت دموکراسی

۱- ۱ فرآیندهای انتخاباتی

• رویه‌های نامزد انتخاباتی

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که رویه‌های ثبت‌نام احزاب و نامزدهای انتخاباتی تا چه حد منصفانه است؟

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰) و (۹) در این شاخص شده‌اند، مطابق مقررات قانونی امکان ثبت‌نام در تمامی انتخابات و برای همه احزاب و نامزدهای انتخاباتی به صورت منصفانه فراهم است و از هر گونه تبعیضی اجتناب می‌شود. این کشورها در بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۱۰: استرالیا، کانادا، جمهوری چک، دانمارک، استونی، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، ایرلند، لوکزامبورگ، نیوزیلند، نروژ، لهستان، اسلواکی، اسلونی، سوئد، سوئیس، ایالات متحده آمریکا.

• دسترسی به رسانه

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که احزاب و نامزدهای انتخاباتی تا چه حد به‌طور منصفانه به رسانه و سایر ابزار ارتباطی دسترسی دارند.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰ و ۹) در این شاخص شده‌اند، تمام احزاب و نامزدهای انتخاباتی از فرصت‌های برابر

جهت دسترسی به رسانه و سایر ابزارهای ارتباطی برخوردارند. در تمام پایگاه‌های اصلی رسانه‌ای امکان پوشش خبری منصفانه و متعادل درباره مواضع سیاسی مختلف وجود دارد. این کشورها در بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۹: فنلاند، آلمان، سوئد، سوئیس.

• حقوق رأی‌گیری و ثبت رأی

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که تمام شهروندان تا چه حد از فرصت اعمال حق مشارکت خود در انتخابات ملی برخوردارند.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰ و ۹) در این شاخص شده‌اند، تمام شهروندان بزرگسال می‌توانند در انتخابات ملی مشارکت کنند. به‌علاوه، تمام رأی‌دهندگان واجد شرایط در صورت تمایل می‌توانند رأی خود را ثبت کنند. هیچ‌گونه تبعیضی در اعمال حق رأی شهروندان وجود ندارد. همچنین، هیچ مانعی برای رأی‌گیری آن‌ها وجود ندارد. این کشورها در بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۱۰: استرالیا، استونی، فنلاند، آلمان، یونان، ایسلند، نیوزیلند، نورژ، لهستان، اسلونی،

سوئد، سوئیس، هلند.

• تأمین مالی حزبی

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که تأمین مالی احزاب خصوصی و دولتی و تأمین مالی کمپین انتخاباتی تا چه حد شفاف است و تحت نظارت موثر قرار دارد و در صورت نقض قوانین مشمول مجازات بازدارنده و متناسب می‌شوند.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰ و ۹) در این شاخص شده‌اند، دولت تأکید دارد کمک‌های ارائه‌شده به احزاب سیاسی علنی شوند و امکان نظارت مستقل در این ارتباط میسر باشد. اقدامات موثر جهت جلوگیری از گریز از مسئولیت تعیین شده‌اند و نقض قوانین مشمول مجازات کارآمد، متناسب و بازدارنده

است. مطابق بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸)، بلژیک تنها کشوری است که موفق به کسب امتیاز ۱۰ در این شاخص شده است.

۱۰: بلژیک

• تصمیم‌گیری متداول

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که آیا شهروندان از فرصت اتخاذ تصمیمات سیاسی الزام‌آور برخوردار هستند یا خیر.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰ و ۹) در این شاخص شده‌اند، شهروندان به‌طور موثر از این فرصت برخوردارند تا درباره موضوعاتی که برای آن‌ها اهمیت دارد، پیشنهادات خود را ارائه دهند و از طریق طرح‌ها و فرآیندهای متداول در اتخاذ تصمیمات الزام‌آور مشارکت کنند. موضوعات زیادی در این ارتباط در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی جهت تصمیم‌گیری شهروندان وجود دارند. مطابق بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸)، سوئیس تنها کشوری است که موفق به کسب امتیاز ۱۰ در این شاخص شده است.

۱۰: سوئیس

۲-۱ دسترسی به اطلاعات

• آزادی رسانه‌ای

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که رسانه‌ها تا چه حد مستقل از دولت هستند. به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰ و ۹) در این شاخص شده‌اند، رسانه‌های دولتی و خصوصی مستقل از دولت عمل می‌کنند. استقلال رسانه‌ها به‌صورت سازمانی مورد حمایت قرار داشته و به‌طور کامل توسط دولت متصدی رعایت می‌شود. این کشورها در بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۱۰: استونی، فنلاند، سوئد، سوئیس.

● تکثرگرایی رسانه‌ها

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که ساختار مالکیت که متضمن تکثرگرایی افکار و عقاید هستند، تا چه حد مشخصه رسانه‌ها به شمار می‌آیند.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰) و (۹) در این شاخص شده‌اند، ساختارهای مالکیت متنوع و ویژگی اصلی بازار رسانه‌های چاپی و الکترونیکی به شمار می‌آیند و امکان تکثرگرایی متعادل عقاید را فراهم می‌آورند. در واقع، سیاست‌های ضدانحصاری کارآمد و رسانه‌های عمومی آزاد و منصفانه متضمن تکثرگرایی عقاید و افکار هستند. مطابق بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸)، فنلاند تنها کشوری است که موفق به کسب امتیاز ۱۰ در این شاخص شده است.

۱۰: فنلاند

● دسترسی به اطلاعات دولت

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که شهروندان تا چه حد می‌توانند اطلاعات رسمی کسب کنند.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰) و (۹) در این شاخص شده‌اند، دسترسی آزاد و راحت به اطلاعات رسمی مطابق مقررات قانونی آن‌ها تضمین شده و علاوه بر آن محدودیت‌های متعدد و مناسبی اعمال می‌شوند. همچنین، ساز و کارهای موثری در خصوص درخواست اطلاعات و نظارت وجود دارند که امکان دسترسی به اطلاعات را برای شهروندان فراهم می‌آورند. این کشورها در بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۱۰: فنلاند، لتونی، نروژ.

۳-۱ حقوق مدنی و آزادی‌های سیاسی

• حقوق مدنی

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که دولت تا چه حد از حقوق مدنی حمایت می‌کند و دادگاه‌ها تا چه حد به طور موثر از شهروندان در برابر نقض حقوق آنها حفاظت می‌کنند.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰) و (۹) در این شاخص شده‌اند، تمام نهادهای دولتی از حقوق مدنی شهروندان به‌طور موثر حمایت می‌کنند. به‌علاوه، دادگاه‌ها از شهروندان در برابر نقض حقوق آنها به‌طور موثر حفاظت می‌کنند. نقض حقوق شهروندان در این کشورها موردی فوق‌العاده استثنایی است. این کشورها در بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۱۰: فنلاند، نروژ.

• آزادی‌های سیاسی

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که دولت تا چه حد به آزادی‌های سیاسی اذعان داشته و از آن حمایت می‌کند.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰) و (۹) در این شاخص شده‌اند، تمام نهادهای دولتی به آزادی‌های سیاسی اذعان داشته و از آن به‌طور موثر حمایت می‌کنند. این کشورها در بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۱۰: استونی، فنلاند، نیوزیلند، سوئد.

• عدم تبعیض

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که عملکرد دولت علیه انواع مختلف تبعیض تا چه حد موثر است.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰) و ۹) در این شاخص شده‌اند، نهادهای دولتی به‌طور موثر بر علیه تبعیض اقدام کرده و از آن به‌طور موثر جلوگیری می‌کنند. در واقع، موارد تبعیض‌آمیز در این کشورها به ندرت مشاهده می‌شود. این کشورها در بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۹: ایرلند، نیوزیلند، نروژ، سوئد.

۴-۱ حاکمیت قانون

• قطعیت حقوقی

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که دولت و حکومت تا چه حد از شرایط حقوقی برای ایجاد قطعیت حقوقی تبعیت می‌کنند.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰) و ۹) در این شاخص شده‌اند، همانطور که پیش‌بینی می‌شود دولت و حکومت بر مبنای شرایط حقوقی حاکم عمل می‌کنند. مقررات حقوقی در این کشورها منسجم و شفاف بوده و متضمن قطعیت حقوقی هستند. این کشورها در بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۱۰: استونی، فنلاند، آلمان، نیوزیلند، نروژ، سوئد.

• بررسی قضایی

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که دادگاه‌های مستقل تا چه حد به کنترل این مساله می‌پردازند که دولت و حکومت از قانون تبعیت می‌کنند یا خیر.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰) و ۹) در این شاخص شده‌اند، دادگاه‌های مستقل به‌طور کارآمد به بررسی اقدامات اجرایی پرداخته و تضمین می‌کنند که دولت و حکومت مطابق قانون عمل می‌کنند. این کشورها در بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۱۰: استرالیا، دانمارک، استونی، آلمان، نیوزیلند، نروژ، سوئد، سوئیس.

• انتصاب قضات

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که روند انتصاب قضات (دادگاه‌های عالی یا دادگاه‌های قانون اساسی) تا چه حد متضمن استقلال عملکرد دادگاه‌هاست.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰ و ۹) در این شاخص شده‌اند، قضات در یک مراسم انتصاب گروهی و با توجه به الزامات خاص برای کسب اکثریت رأی منصوب می‌شوند. مطابق بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸)، دانمارک تنها کشوری است که موفق به کسب امتیاز ۱۰ در این شاخص شده است.

۱۰: دانمارک

• جلوگیری از فساد

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که تا چه حد از سوءاستفاده کارمندان دولت از موقعیت خود در راستای منافع شخصی خود جلوگیری می‌شود.

به‌طور کلی، کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰ و ۹) در این شاخص شده‌اند، با استناد به ساز و کارهای یکپارچه حقوقی، سیاسی و دولتی به‌طور موثری از سوءاستفاده کارمندان دولت از موقعیت خود جلوگیری می‌کنند. این کشورها در بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۱۰: دانمارک، نیوزیلند.

۲- ظرفیت اجرایی

۱-۲ ظرفیت راهبردی

• برنامه‌ریزی راهبردی

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که واحدها و نهادهای برنامه‌ریزی راهبردی تا چه حد بر تصمیم‌گیری‌های دولت تاثیرگذار هستند.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰ و ۹) در این شاخص شده‌اند، واحدها و نهادهای برنامه‌ریزی راهبردی نسبت به چالش‌های سیاسی و راه‌حل‌های ارزشمند چشم‌اندازی بلندمدت دارند و در تصمیم‌گیری‌های دولت نفوذ زیادی دارند. این کشورها در بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۹: دانمارک، فنلاند.

• مشاوره علمی

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که کارشناسان علمی غیردولتی تا چه حد در تصمیم‌گیری‌های دولت نفوذ دارند.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰ و ۹) در این شاخص شده‌اند، دولت تقریباً در همه موارد به‌طور آشکار با هیات کارشناسان علمی غیردولتی در مرحله اول تصمیم‌گیری‌های خود مشورت می‌کند. مطابق گزارش شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) هیچ‌یک از کشورها موفق به کسب بالاترین امتیاز (۹ و ۱۰) نشده‌اند و کشورهای رده بالا در این شاخص موفق به کسب امتیاز ۸ شده‌اند. بدین ترتیب، در این کشورها دولت فقط در مرحله اول تصمیم‌گیری‌های خود در ارتباط با پروژه‌های سیاسی اصلی به صورت آشکار با هیات کارشناسان علمی غیردولتی مشورت می‌کند.

۸: کانادا، شیلی، دانمارک، نروژ، سوئد، انگلیس

۲-۲ هماهنگی بین‌وزارتی

• مهارت حکمرانی

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که دبیرخانه دولت/ دفتر نخست‌وزیر در زمینه ارزیابی پیش‌نویس لایحه وزارتی مهارت قابل توجهی دارد یا خیر.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰ و ۹) در این شاخص شده‌اند، دبیرخانه دولت و یا دفتر نخست‌وزیر در زمینه سیاست‌گذاری بخشی از مهارت کاملی برخوردار است و در ارتباط با پیش‌نویس لایحه برای کابینه و یا نخست‌وزیر ارزیابی‌های منظم و مستقلی انجام می‌دهد. این ارزیابی‌ها منحصر بر اساس اولویت‌های راهبردی و بودجه‌ای دولت اجرا می‌شوند. این کشورها در بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۹: استرالیا، کانادا، شیلی، فنلاند، انگلیس.

• دروازه‌بانی حکمرانی

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که دبیرخانه دولت و یا دفتر نخست‌وزیر می‌تواند موضوعات مورد بررسی در جلسات کابینه را براساس ملاحظات سیاستی رد کند یا خیر.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰ و ۹) در این شاخص شده‌اند، دبیرخانه دولت و یا دفتر نخست‌وزیر می‌تواند تمام موضوعات و یا بیشتر موضوعات را براساس ملاحظات سیاستی رد کند. این کشورها در بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۱۰: استرالیا، شیلی، فرانسه، مجارستان، ایسلند، ایالات متحده امریکا.

• وزارتخانه‌های خطی

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که وزارتخانه‌های خطی تا چه حد دبیرخانه دولت/ دفتر نخست‌وزیر را در زمینه تهیه طرح‌هایی سیاستی مشارکت می‌دهند.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰ و ۹) در این شاخص شده‌اند، ظرفیت مورد نیاز برای ایجاد هماهنگی بین دبیرخانه دولت/ دفتر نخست‌وزیر و وزارتخانه‌های خطی وجود دارد. این کشورها در بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۱۰: بلژیک، ایالات متحده آمریکا.

کمیته‌های کابینه

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که کمیته‌های وزارتی یا کابینه تا چه حد هماهنگی‌های لازم در رابطه با طرح‌های سیاستی کابینه را به‌طور موثر ایجاد می‌کنند.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰ و ۹) در این شاخص شده‌اند، بیشتر طرح‌های کابینه نخست توسط کمیته‌ها مورد بررسی قرار گرفته و هماهنگی‌های لازم صورت می‌گیرد. این کشورها در بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۱۰: بلژیک، فنلاند.

• بوروکراسی وزارتی

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که کارمندان وزارتخانه/کارمندان دولت تا چه حد هماهنگی‌های لازم در رابطه با طرح‌های سیاستی را به‌طور موثر ایجاد می‌کنند.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰ و ۹) در این شاخص شده‌اند، بیشتر طرح‌های سیاستی به‌طور موثر توسط کارمندان وزارتخانه/کارمندان دولت هماهنگ می‌شوند. این کشورها در بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۱۰: استونی، فنلاند، سوئیس.

• هماهنگی غیررسمی

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که ساز و کارهای غیررسمی برای هماهنگی تا چه حد به طور موثر مکمل ساز و کارهای رسمی برای هماهنگی بین‌وزارتی هستند.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰ و ۹) در این شاخص شده‌اند، ساز و کارهای غیررسمی هماهنگی از ساز و کارهای رسمی برای هماهنگی بین‌وزارتی حمایت می‌کنند. این کشورها در بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۱۰: فنلاند، مجارستان.

۲-۳ ابزارهای مبتنی بر شواهد

• فرآیند تقاضای ارزیابی‌های تأثیرات مقررات

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که دولت تا چه حد تأثیرات بالقوه اقدامات قانونی موجود و جدید را مورد ارزیابی قرار می‌دهد [ارزیابی تأثیرات مقررات^۱ (RIA)]

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰ و ۹) در این شاخص شده‌اند، در مورد تمام مقررات جدید و مقررات موجود که تأثیرات پیچیده و ویژگی بارز آن‌هاست، ارزیابی تأثیرات مقررات اعمال می‌شود. روش ارزیابی تأثیرات مقررات مبتنی بر حداقل استانداردهای متداول است. مطابق بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸)، نیوزیلند تنها کشوری است که موفق به کسب امتیاز ۱۰ در این شاخص شده است.

۱۰: نیوزیلند

• کیفیت فرآیند تقاضای ارزیابی‌های تأثیرات مقررات

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که فرآیند تقاضای ارزیابی تأثیرات مقررات متضمن مشارکت یا شفافیت و ارزیابی کیفی است یا خیر.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰ و ۹) در این شاخص شده‌اند، ذی‌نفعان به موجب ارزیابی تأثیرات مقررات به‌طور پیوسته از طریق ارائه مشاوره‌های لازم یا سایر انواع همکاری‌های لازم مشارکت می‌کنند و نتایج به‌طور شفاف در اختیار عموم قرار داده می‌شود و ارزیابی‌ها توسط یک نهاد مستقل به صورت منظم مورد بررسی قرار می‌گیرند. این کشورها در بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۹: جمهوری چک، دانمارک، آلمان، نیوزیلند، نروژ.

• بررسی پایداری

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که دولت بررسی‌های پایداری موثری را در چارچوب ارزیابی تأثیرات مقررات انجام می‌دهد یا خیر.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰ و ۹) در این شاخص شده‌اند، بررسی‌های پایداری بخش جدایی‌ناپذیر ارزیابی‌های تأثیرات مقررات هستند؛ این بررسی‌ها مبتنی بر مجموعه جامعی از شاخص‌ها (از جمله ابعاد اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی پایداری) هستند و تأثیرات مقررات را در دوره‌های کوتاه‌مدت تا بلندمدت مورد بررسی قرار می‌دهند.

۱۰: انگلیس

۲-۴ مشاوره اجتماعی

• مذاکره درباره حمایت عمومی

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که دولت تا چه حد با بازیگران اجتماعی جهت حمایت از سیاست خود مشورت می‌کند.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰ و ۹) در این شاخص شده‌اند، دولت بازیگران اجتماعی را به حمایت از سیاست خود ترغیب می‌کند. این کشورها در بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۱۰: نروژ، سوئیس

۲-۵ ارتباطات سیاستی

• ارتباطات منسجم

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که دولت تا چه حد موفق به تحقق ارتباطات منسجم شده است.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰ و ۹) در این شاخص شده‌اند، دولت به‌طور موثر موفق به هماهنگی ارتباطات وزارتخانه‌ها می‌شود. وزارتخانه‌ها به دقت ارتباطات خود را همسو با راهبرد دولت تنظیم می‌کنند. اطلاعاتی‌ها در واقع با برنامه‌های دولت تطابق دارند. این کشورها در بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۹: کانادا، فرانسه، سوئد

۲-۶ اجرا

• کارآیی دولت

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که دولت تا چه حد موفق به تحقق اهداف سیاستی خود می‌شود.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰ و ۹) در این شاخص شده‌اند، دولت عمدتاً اهداف سیاستی خود را محقق می‌کند. این کشورها در بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۹: لتونی، نیوزیلند، سوئد، سوئیس

• انطباق وزارتی

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که دولت تا چه حد مشوق‌های لازم را ارائه می‌کند تا تضمین کند که وزرا برنامه دولت را اجرا می‌کنند.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰) و (۹) در این شاخص شده‌اند، دولت با موفقیت مشوق‌های قابل توجهی را در اختیار وزرا قرار می‌دهد تا برنامه دولت را اجرا کنند.

این کشورها در بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۱۰: استرالیا، کانادا، کره جنوبی، سوئد، ایالات متحده امریکا

• وزارتخانه‌های نظارتی

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که دبیرخانه دولت/ دفتر نخست‌وزیر تا چه حد بر فعالیت‌های اجرایی وزارتخانه خطی نظارت موثر دارد.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰) و (۹) در این شاخص شده‌اند، دبیرخانه دولت/ دفتر نخست‌وزیر به‌طور موثر بر فعالیت‌های اجرایی تمام وزارتخانه‌های خطی نظارت دارد. این کشورها در بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۱۰: استرالیا، کانادا، مجارستان، ایسلند.

• بوروکراسی‌ها و سازمان‌های نظارتی

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که فعالیت‌های اجرایی بوروکراسی‌ها و سازمان‌های اجرایی تا چه حد تحت نظارت موثر وزارتخانه‌های فدرال و منطقه‌ای قرار دارند.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰) و (۹) در این شاخص شده‌اند، وزارتخانه‌ها بر فعالیت‌های اجرایی تمام بوروکراسی‌ها و سازمان‌های اجرایی نظارت موثر دارند. مطابق بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸)، مجارستان تنها کشوری است که موفق به کسب امتیاز ۱۰ در این شاخص شده است.

۱۰: مجارستان

• تامین مالی جهت اجرای وظایف مربوطه

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که دولت مرکزی تا چه حد تضمین می‌کند که برای اجرای وظایف محول شده به دولت‌های مستقل منطقه‌ای بودجه کافی در اختیار آن‌ها قرار داده می‌شود.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰ و ۹) در این شاخص شده‌اند، دولت مرکزی از طریق تامین بودجه کافی برای اجرای این وظایف و یا با ارائه اختیار قدرت افزایش درآمد، این فرصت را در اختیار دولت‌های مستقل منطقه‌ای قرار می‌دهد تا تمام وظایف محول شده را انجام دهند. این کشورها در بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۹: کانادا، نیوزیلند، سوئیس

• صلاحیت قانونی

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که دولت مرکزی تا چه حد تضمین می‌کند که دولت‌های مستقل منطقه‌ای از حوزه صلاحیت قانونی خود در ارتباط با اجرای وظایف مربوطه استفاده می‌کنند.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰ و ۹) در این شاخص شده‌اند، دولت مرکزی این فرصت را در اختیار دولت‌های مستقل منطقه‌ای قرار می‌دهد تا از حوزه صلاحیت قانونی خود در ارتباط با فعالیت‌های اجرایی به‌طور کامل بهره‌مند شوند. این کشورها در بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۱۰: بلژیک، ایسلند، سوئیس

• استانداردهای ملی

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که دولت مرکزی تا چه حد تضمین می‌کند که دولت‌های مستقل منطقه‌ای، استانداردهای ملی خدمات عمومی را تحقق می‌بخشند.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰ و ۹) در این شاخص شده‌اند، دولت مرکزی به‌طور موثری تضمین می‌کند که دولت‌های مستقل منطقه‌ای، استانداردهای ملی خدمات عمومی را تحقق می‌بخشند. این کشورها در بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۹: دانمارک، فرانسه، لوکزامبورگ

۲-۷ انطباق‌پذیری

• انطباق‌پذیری داخلی

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که دولت تا چه حد به پیشرفت‌های بین‌المللی و فراملی از طریق تطبیق ساختارهای داخلی دولت پاسخ می‌دهد.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰ و ۹) در این شاخص شده‌اند، دولت به‌طور مناسب و موثر نسبت به تطبیق ساختارهای داخلی دولت با پیشرفت‌های بین‌المللی و فراملی اقدام می‌کند. مطابق بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸)، سوئد تنها کشوری است که موفق به کسب امتیاز ۱۰ در این شاخص شده است.

۱۰: سوئد

• هماهنگی بین‌المللی

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که دولت تا چه حد قادر به همکاری موثر در زمینه اقدامات بین‌المللی جهت ترویج کالاهای عمومی جهانی است.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰ و ۹) در این شاخص شده‌اند، دولت در زمینه شکل‌دهی و اجرای اقدامات جمعی برای ارائه کالاهای عمومی جهانی می‌تواند نقش پیشگام را ایفا کند. دولت قادر به تضمین انسجام سیاست‌های ملی موثر بر پیشرفت است. این کشورها در بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۹: دانمارک، آلمان، سوئد

۸-۲ اصلاحات سازمانی

• خودتنظیمی

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که بازیگران تا چه حد در چارچوب دولت بر این مساله نظارت دارند که تمهیدات سازمانی حاکم مناسب هستند یا خیر.

به طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰ و ۹) در این شاخص شده‌اند، تمهیدات سازمانی حاکم به طور منظم و کارآمد تحت نظارت هستند. مطابق بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸)، فنلاند تنها کشوری است که موفق به کسب امتیاز ۱۰ در این شاخص شده است.

۱۰: فنلاند

• اصلاحات نهادی

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که دولت تا چه حد نسبت به بهبود ظرفیت اجرایی خود از طریق تغییر تمهیدات سازمانی حاکم اقدام کرده است.

به طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰ و ۹) در این شاخص شده‌اند، دولت ظرفیت اجرایی خود را از طریق تغییر تمهیدات سازمانی خود به طور قابل توجهی بهبود بخشیده است. این کشورها در بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۹: لیتوانی، نیوزیلند، سوئد

۳- پاسخگویی اجرایی

۱-۳ تبحر مشارکتی شهروندان

• دانش سیاستی

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که شهروندان تا چه حد نسبت به سیاست‌گذاری دولت واقف هستند.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰ و ۹) در این شاخص شده‌اند، بیشتر شهروندان درباره طیف گسترده‌ای از سیاست‌های دولت به خوبی مطلع هستند. این کشورها در بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۹: فنلاند، نروژ، سوئد

۲-۳ منابع بازیگران قانون‌گذار

• منابع پارلمانی

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که اعضای پارلمان به اندازه کافی از کارکنان و منابع ساختاری لازم جهت نظارت موثر بر فعالیت دولت برخوردار هستند یا خیر. به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰ و ۹) در این شاخص شده‌اند، اعضای پارلمان به‌عنوان یک گروه می‌توانند مجموعه منابع مناسب برای نظارت موثر بر فعالیت دولت را در اختیار داشته باشند. مطابق بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸)، ایالات متحده آمریکا تنها کشوری است که موفق به کسب امتیاز ۱۰ در این شاخص شده است.

۱۰: ایالات متحده آمریکا

● اکتساب مدارک

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که کمیته‌های پارلمانی قادر به درخواست اسناد دولت هستند یا خیر.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰) و ۹) در این شاخص شده‌اند، کمیته‌های پارلمانی ممکن است درخواست کنند بیشتر اسناد دولتی و یا تمام اسناد دولت در اختیار آن‌ها قرار داده شود و اسناد معمولاً به صورت کامل و در چارچوب زمانی مناسب به آن‌ها تحویل داده می‌شود. این کشورها در بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۱۰: جمهوری چک، استونی، فنلاند، یونان، لتونی، سوئد، سوئیس، ایالات متحده آمریکا

● احضار وزرا

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که کمیته‌های پارلمانی قادر به احضار وزرا برای ارائه گزارش مربوطه هستند یا خیر.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰) و ۹) در این شاخص شده‌اند، کمیته‌های پارلمانی ممکن است وزرا را احضار کنند. وزرا به‌طور منظم دعوتنامه‌ها را پیگیری کرده و ملزم به پاسخگویی هستند. این کشورها در بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۱۰: استرالیا، بلژیک، جمهوری چک، دانمارک، استونی، فنلاند، آلمان، لتونی، لیتوانی، نروژ، اسلونی، سوئیس، ایالات متحده آمریکا

● احضار کارشناسان

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که کمیته‌های پارلمانی قادر به احضار کارشناسان در جلسات کمیته هستند یا خیر.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰) و ۹) در این شاخص شده‌اند، کمیته‌های پارلمانی کارشناسان را احضار می‌کنند. این کشورها

در بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۱۰: استرالیا، اتریش، بلغارستان، کانادا، کرواسی، جمهوری چک، استونی، فنلاند، فرانسه، آلمان، ایسلند، ایرلند، نروژ، سوئد، سوئیس، انگلیس، ایالات متحده امریکا

• همسویی حوزه وظایف

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که حوزه وظایف و ساختارهای کمیته‌های پارلمانی جهت نظارت موثر بر عملکرد وزرا مناسب هستند.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰ و ۹) در این شاخص شده‌اند، تطابق مناسبی بین حوزه وظایف کمیته‌های پارلمانی و وزارتخانه‌ها و همچنین سایر ساختارهای مهم کمیته برای نظارت موثر و کارآمد بر عملکرد وزارتخانه‌ها وجود دارد. مطابق بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸)، فنلاند تنها کشوری است که موفق به کسب امتیاز ۱۰ در این شاخص شده است.

۱۰: فنلاند

• اداره ممیزی

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که اداره ممیزی تا چه حد پاسخگویی پارلمان است.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰ و ۹) در این شاخص شده‌اند، اداره ممیزی صرفاً نسبت به پارلمان پاسخگوست. این کشورها در بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۱۰: استرالیا، اتریش، بلژیک، کانادا، دانمارک، فنلاند، آلمان، ایسلند، نیوزیلند، نروژ، انگلیس، ایالات متحده امریکا

• دفتر آموذزمان (دفتر رسیدگی به شکایات)

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که پارلمان دارای دفتر آموذزمان هست یا خیر.

به طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰) و (۹) در این شاخص شده‌اند، پارلمان دارای دفتر آموذزمان کارآمدی هست. این کشورها در بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۱۰: استرالیا، دانمارک، فنلاند، ایسلند، نروژ، لهستان، سوئد.

۳-۳ رسانه‌ها

• گزارش رسانه‌ای

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که رسانه‌ها تا چه حد اطلاعات دقیق و جامعی را درباره تصمیم‌گیری‌های دولت ارائه می‌کنند.

به طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰ و ۹) در این شاخص شده‌اند، بیشتر رسانه‌های جمعی بر محتوای اطلاعات باکیفیت جهت تجزیه و تحلیل تصمیمات دولتی تاکید دارند. این کشورها در بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۹: فنلاند، ایرلند، نروژ، سوئد، سوئیس

۳-۴ احزاب و انجمن‌های ذریبط

• دموکراسی درون‌حزبی

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که عملکرد احزاب اصلی در فرایندهای تصمیم‌گیری داخلی خود تا چه حد علنی و فراگیر است.

به طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰) و (۹) در این شاخص شده‌اند، امکان مشارکت تمام اعضا و حامیان حزب در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کارکنان و موضوعات مهم میسر است. فهرست‌های نامزدهای انتخاباتی و برنامه‌های کاری حزب به صورت علنی ارائه می‌شوند. مطابق بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸)، ایالات متحده آمریکا تنها کشوری است که موفق به کسب امتیاز ۹ در این شاخص شده است.

۹: ایالات متحده آمریکا

• توانمندی انجمن (در حوزه تجاری)

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که انجمن‌های اقتصادی ذریبط تا چه حد قادر به تدوین سیاست‌های مربوطه هستند.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰) و ۹) در این شاخص شده‌اند، بیشتر انجمن‌های ذریبط از توانمندی بالایی در زمینه تدوین سیاست‌های مربوطه برخوردار هستند. این کشورها در بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۹: استرالیا، دانمارک، نروژ، سوئد، ایالات متحده آمریکا

• توانمندی انجمن (در سایر حوزه‌ها)

در رابطه با این شاخص این سوال مطرح است که انجمن‌های غیراقتصادی ذریبط تا چه حد قادر به تدوین سیاست‌های مربوطه هستند.

به‌طور کلی، در کشورهایی که مطابق مقیاس ۱۰ امتیازی موفق به کسب امتیاز بالا (۱۰) و ۹) در این شاخص شده‌اند، بیشتر انجمن‌های ذریبط از توانمندی بالایی در زمینه تدوین سیاست‌های مربوطه برخوردار هستند. این کشورها در بررسی شاخص‌های حکمرانی پایدار (۲۰۱۸) به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۹: ایسلند، نروژ، سوئد (۲)

منابع

1. Stiftung Bertelsmann. Policy Performance and Governance Capacities in the OECD and EU. Sustainable Governance Indicators 2018.pdf.
2. www. sgi-network.org/2018



موسسه پویندگان توسعه فناوری و نوآوری ایران